

# خطر واقعی امپریالیسم آمریکاست

صفحه ۲

## اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۱۱۳ دوره سوم دوشنبه ۵ بهمن ماه ۱۳۶۰ برابر با ۲۹ ربيع الاول ۱۴۰۲ و ۲۵ ژانویه ۱۹۸۲ به ۳۰ بهمن ۱۳۶۰ برابر با ۲۹ ربيع الاول ۱۴۰۲

## حرکت دشوار از جامعه مصرفی به جامعه تولیدی و خودکفا

نه چندان تند برویم که ضد انقلاب سوء استفاده کند و نه چندان کند که توده‌ها نومید شوند

یکی از خواست‌های امپریالیسم (آسیا، آفریقا، آمریکا لاتین) کشور آن است که کشورهای "جهان سوم" بقیه در صفحه ۱۴

نرمش با آمریکا مقدمه سازش با آمریکا است

صفحه ۹

### رئیس مجلس شورای اسلامی

### و آزادی‌های سیاسی

### امسال سال قانون است

(امام خمینی)

اکنون، نیروهای راستین پیرو خط امام خمینی و به‌ویژه مسئولان قضایی کشور برآنند، تا این فرمان زهر انقلاب را اجرا کنند. کوشش‌های جانب‌داری برای استقرار قانون در جامعه آغاز شده است، که بخشی از آن مربوط به اجرای قوانین جمهوری اسلامی ایران و نظریات رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مسئولان درجه اول کشور درباره آزادی‌های سیاسی است.

ما برای آنکه، به‌سهم خود در این زمینه هم به استقرار قانون باری رسانده باشیم، نظریات و قوانین موجود را درباره آزادی‌های سیاسی به ترتیب منتشر خواهیم کرد.

در چهار شماره پیش نظریات امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، شهید بهشتی، شهید مطهری و حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهوری اسلامی ایران را منتشر کردیم. در این شماره به انتشار نظریات حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در این باره می‌پردازیم.

... همان‌طور که قبلاً هم گفته‌ام، اگر در چارچوب قانون اساسی گروه‌ها حاضر باشند فعالیت سیاسی کنند و قانون را مراعات کنند، مجلس از فعالیت آنها حمایت خواهد کرد و باید اجازه بدهیم که قانونی باشند و فعالیت کنند... مشروط به مراعات قانون، مجلس تحقیقاً حمایت از کارشان خواهد کرد... (از مصاحبه مطبوعاتی رئیس مجلس در تاریخ ۳ شهریور ۵۹)

... من همین جابه‌گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی، که ایدئولوژی ما را قبول ندارند، یا فقه ما را قبول ندارند و مسلمانند، به آن‌ها عرض می‌کنم که ما میتوانیم باهم کاملاً با رفاقت در محیط سلامت زندگی بکنیم. اگر شما دست به شیطنت نزنید... اگر به‌جای خدمت خیانت نکنید برای ماندن دیگران، اگر به‌حق خودتان قانع باشید، داعیه سیاسی هم که داشته باشید، در این مملکت نمیتوانید بمانید و جمعیت داشته باشید و کلوب داشته باشید و بعداً میتوانید میتینگ داشته باشید و میتوانید نشریه داشته باشید... (از سخنان رئیس مجلس شورای اسلامی در مراسم نماز جمعه - ۱۸ دی ماه ۶۰)

... در این مملکت قانون اساسی حزب را آزاد گذاشته، نشریات را آزاد گذاشته، میتوانیم باهم همکاری کنیم... (همانجا)

"وقتی که این تروریسم و این هیمنه بخوابد و اصل جمهوری را تهدید نکند و مسئله جنگ هم تمام بشود - در حال جنگ این قضیه مشکل‌تر است - ما فشار خواهیم آورد و در حد معقول و مقبول زبان‌ها را و قلم‌ها را کاملاً آزاد و مطمئن خواهیم کرد، که بتوانند کارهایشان را بکنند..."

محیط باز شود، تا بتوانیم با کسانی که فکری دارند، مطلبی دارند، انتقادی دارند، امکانی برای تشکیل گروه دارند، بتوانند کار بکنند و یک مقدار این حالت سوء ظن و این‌ها نباشد..."

شرطش اینست که به‌اصل نظام لطمه‌آسانی نخورد. خیال می‌کنم چند ماه آینده کاملاً می‌توانیم هم بر خودمان مسلط باشیم، هم برجریان مملکت مسلط باشیم، خطرهای اساسی را از کشور دور کنیم و آزادی‌های معقولی که در یک رژیم مردمی می‌شود داد، بدهیم."

(از مصاحبه با روزنامه اطلاعات، ۳۰ بهمن ۱۳۶۰)

## توطئه امپریالیسم آمریکا برای تیره‌سازی روابط جمهوری اسلامی ایران و «جبهه پایداری»

### ادامه دارد

توطئه اخلال در روابط میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو جبهه پایداری در آنجا جاسوسی آمریکا طرح‌ریزی شد بوسیله لیبرالها، مائوئیست‌های آمریکایی و باندینی صدر به احرا در آمدم و هم‌اکنون نیز متأسفانه علی‌رغم گام‌های مثبتی که در جهت تحکیم و تقویت این روابط برداشته می‌شود، برخی محافل دانسته‌وند، نسته همچنان در این روابط اخلال می‌کنند.

مختلف و با اجرای توطئه‌های رنگارنگ روابط میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو "جبهه پایداری" را، بقیه در صفحه ۳

جنبش آزادی بخش فلسطین، از جمله سیاست‌های پیگیر امپریالیسم آمریکا - ست آمریکا می‌کوشد که با استفاده از عمل نهبان و آشکار خود، به شکل‌های

اخلال در روابط میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای انقلابی منطقه، چون سوریه، الجزایر، لیبی و نیز جنبش‌های رهایی بخش منطقه، چون

### باتوطئه‌های ضد انقلاب در صنایع نفت مقابله کنیم

- خواستهای کارگران مبارز صنایع نفت را برآورده سازیم
  - از کم‌کاری و تحصن و اعتصاب جلوگیری کنیم و تولید را افزایش دهیم
- صفحه ۱۵

### اینهمه اصرار به ژاپن چرا؟

شده است. " (همانجا)، و علیرغم اینکه: " بعد از جنگ ۳ مرتبه هیات مذاکره رفت و آمد داشتند ۲ مرتبه در تهران و یک مرتبه در توکیو که ۲ مرتبه آن مذاکرات رسمی جهت اداره پروژه (بود) " (همانجا)، و: " حتی نظران این بود که خسارات را خودمان متحمل شویم " (مهندس غرضی وزیر نفت - اطلاعات ۲۸ دی ۱۳۶۰)، و: " از آنها (ژاپنی‌ها) خواهش کردیم بیایید و خسارات پتروشیمی را از نزدیک بررسی کنید " (همانجا)، و بالاخره: " از بس به آنها احترام گذاشتیم، خسته شده‌ایم " (همانجا) اما هنوز هم که هنوز است: " گزوه میتسوئی هر روز بهانه جدیدی می‌آورد " (معاون وزیر نفت - اطلاعات ۲۸ دی ۱۳۶۰) و: " می‌خواهند برای اتمام پروژه بقیه در صفحه ۴

\* امپریالیسم ژاپن بعد از سه سال هنوز هم ایران را برای اتمام پروژه محتوم پتروشیمی سر می‌دواند! با این که ما: " بارها به شریک خود گفته‌ایم که به عنوان یک شریک مستلمان قصد نداریم ضرر وزیانی متوجه طرف مقابل خود کنیم (مهندس مصطفی ظاهری، معاون وزیر نفت در امور پتروشیمی - اطلاعات ۲۸ دی ۱۳۶۰)، با این که: " بارها سرمایه‌گذاری در این طرح به علت تغییرات در پروژه، تورم جهانی و غیره تغییر کرده است " (همانجا)، با این که: " شرکای ژاپنی برای ادامه و تکمیل پروژه گفته‌اند چون در اثر طولانی شدن و خسارات جنگی هزینه پروژه بالا رفته است، لذا سرمایه اضافی را ایران بدهد و دولت ایران هم در چارچوب قرارداد داخلی حاضر به مذاکره در این مورد

### نبرد کار و سرمایه در جهان

صفحه ۱۳

### اصلاحات ارضی دموکراتیک

(قسمت اول)

صفحه ۶

### تنبیه بدنی در مدارس

### یک عمل ضد انسانی

### و ضد تربیتی است

صفحه ۱۲

### ملت‌گرایی نه میهن‌دوستی آری!

میهن‌دوستی بمعنای واقعی این کلمه، یعنی مبارزه با گاهانه‌ویی کپروایتار - گزانه در راه پروزی مردم - میهن دوستی واقعی خواستار همبستگی همه خلقهای جهان در قبال ستمگران و غارتگران است.

در ایران دو اصطلاح را معمولاً با هم یکسان می‌گیرند و یا خلط می‌کنند. یکی "ملت‌گرایی" (یا "ملی‌گرایی")، که در زبانهای اروپائی "ناسیونالیسم" می‌گویند و دیگری "میهن‌دوستی" (که آنرا "پاتریوتیسم" می‌خوانند).

ملت‌گرایی در کشورهای "جهان سوم" شیوه تفکر بخشی از بورژوازی است که برخلاف بخش دیگر (یعنی بورژوازی وابسته) نمی‌خواهد "امبر" ساده امپریالیسم باشد، بلکه خواستار "شراکت" با اودر بهره‌کشی عمومی است و از این جهت بحد معینی از استقلال بسود مقاصد و منافع طبقه خود، هتقداست. اگر بخواهیم که یک تعریف کلی بدست بدهیم، باید بگوئیم که ملت - گزائی سیاست و ایدئولوژی بورژوازی محلی (یعنی بورژوازی هر کشور و هر ناحیه) در مسئله حقوق ملی است و بر حسب شرایط مختلف تاریخی می‌تواند نقشهای مختلفی بازی کند.

ملت‌گرایی تا زمانی که تنهانیروی واقعی و فعال (یا عمده نیرو) برای مقاومت در قبال سیاست استعماری و نواستعماری امپریالیستی است، نقش مترقی دارد، ولی هنگامیکه سرکردگی جنبش از دست او خارج شود و "دمکراتهای انقلابی" یا "انقلابیون کارگری" بر راس نهضت قرار گیرند، نقش او به ارتجاعی یا ترمز - کننده تبدیل می‌شود، زیرا خواست‌های سحافظه‌کارانه اش در چارچوب خواست - های بنیادین دمکراتهای انقلابی یا انقلابیون کارگری نمی‌گنجد.

در بسیاری از کشورهای اروپایی و غیراروپایی، در دوران انتقال از جامعه فئودالی به جامعه سرمایه‌داری، ملت - گزایان در ایجا در ستاخیز ملی در راه استقلال و "تکوین ملی" نقش مثبتی ایفا کردند.

بعدها بورژوازی کوشید از "احساس ملی" برای مقابله دادن ملت - ها، بسود منافع مغرضانه خود و برانگیختن احساس نفاق و ایجاد تصادم (تا حد تصادم نظامی) استفاده کند و ایدئولوژی ملی‌گرایانه را جان‌نشین ایدئولوژی انقلابی قشرهای مختلف مردم سازد (یعنی آن ایدئولوژی که در کنار استقلال سیاسی و اقتصادی، خواستار عدالت اجتماعی و حاکمیت واقعی خلق نیز بوده و هست). بقیه در صفحه ۱۴

# خطر واقعی امپریالیسم آمریکاست

حجت الاسلام ، هاشمی رفسنجانی ، رئیس مجلس شورای اسلامی ، پس از پایان جلسه "شورای عالی دفاع" ، در روز شنبه ۲۶ دیماه ۶۰ ، طی مصاحبه‌ای از جمله در مورد "موج تبلیغاتی جدید روزنامه‌های آمریکائی مبنی بر اینکه شوروی سیل اسلحه به ایران سرازیر کرده است" ، گفت :

"غربی‌ها بطور کلی لولوتی که برای مردشان درست کرده‌اند ، شوروی است وهرجا بخواهند (برای اجراء) برنامه‌هایی که دارند ، افکار عمومی مردشان را آماده کنند ، متوسل به این مطلب میشوند . سخن کاملا درستی است . در واقع نیز پایه تبلیغاتی تمام سیاست امپریالیسم ، از فردای پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر در روسیه تا امروز ، "لولوی شوروی" ، خطر موهوم شوروی بوده و هست . بعد از شکست تهاجم نظامی

نظامی دوجانبه آمریکا با ۴۳ کشور در جهان ، برقراری شبکه پایگاه های نظامی آمریکا در سراسر "جهان آزاد" و بدین وسیله سلطه "زور مندا نه" امپریالیسم نو استعمارگر آمریکا و غارت بی حد و مرز خلق های تمام کشورهای این "جهان آزاد" ، تا ز اندن مسابقه تسلیحاتی ، جنگ های محلی و منطقه ای همه و همهمه بر عنوان لزوم دفع "خطر شوروی" اجراء شد . در کشور ما کودتای ۲۸ مرداد ، بدنبال تبلیغات گوش خراش "خطر شوروی" و انحراف افکار عمومی بسوی این "لولو" ، به وسیله سازمان جاسوسی آمریکا و به رهبری "مستربان" (لقبی که در "سیا" به کرومیت روزولت - اجراکننده نقشه کودتای ۲۸ مرداد - دادند) ، انجام گرفت .

امروز نیز تمام سیاست سلطه - گرانه و غارت گرانه و تجاوز کارانه امپریالیسم به سرکردگی آمریکا ، چه نسبت به خلق های کشورهای امریالیستی

**\* سانتاز امریکائی و "لولوی" آمریکا ساخته را باید باشجاعت انقلابی شکست و انقلاب را به رهبری امام خمینی و یانکیه بر قدرت انقلابی توده های میلیونی مستضعفان کشور ، با گام های بلند و استوار بسوی پیروزی نهائی به پیش برد .**  
**\* بیسرد برنامه های انقلابی برای جلوگیری از سطح انقلاب و تدارک همه جانبه برای دفع خطر تهاجم بهر آمبرصد انقلابی آمریکائی ، دو وظیفه مبرم و حیاتی است ، که در انجام آنها کوچکترین غفلت و کمالات نباید هیچ روی و تحت هیچ عنوانی جایز نیست .**

ی شوروی "را علم کردند . هرچندی که بار دروغ سازان تبلیغات امپریالیستی ارتش شوروی را برای حمله به ایران" ، در آنسوی مرزها متمرکز کردند و دشمنان دانا و دوستان نادان نیز این دروغ را تکرار کردند . قطب زاده "تانک های روسی" را از "افغانستان به سوی ایران" روان ساخت و نفع سرداد که "خطر" از اینجاست ، به هر عمل ضد انقلابی ، بر جسد روسی" و "کمونیستی زدن" قاسلموی ضد انقلابی عامل روسیه" و شورش ضد انقلابی در کردستان "کمونیستی" معرفی شد . بلوای "خلق مسلمانها" در تبریز با سریش دروغ به "روسیه" وصل شد . بر مبنای سناریوی "مکزیکو-تبریز" ، که با همکاری تبلیغات دروغین امپریالیستی از خارج و ضد انقلاب و عناصر ساواکی از داخل سرهم بندی گردید ، یاد داشت اعتراض بسوی قطب زاده شوروی تسلیم شد . آمریکا و متحدان خارجی و داخلی او شب و روز بر طبل "خطر شوروی" کوبیدند ، تا دستور کار تر - برزیسکی - پهر برداری از "جوسو" - طن صد شوروی - اجرا شود و "رزمی حتمی" از حمایت شوروی محروم گردد و جمهوری اسلام ایران آسودگی بی یاری

"خطر" باشید ، و اگر "عقل" دارید میتوانید برای جلوگیری از وقوع این "خطر" با امریکا نیز علیه "دشمن مشترک" همکاری کنید . "دموکراسی آمریکا بقدری قوی است که میتواند از اشتباهات گذشته خود پشیمان شود" و دوباره "مثل سابق" ( به گفته برزیسکی ) "استقلال" ایران را تضمین کند ! چنین است شکل و محتوای تبلیغات امپریالیستی که از جانب محافل معینسی ، متاسفانه ، هزار بار متاسفانه ، در رسانه های گروهی کشور ما نیز بیش و کم انعکاس پیدا می کند .

**موج تبلیغات جدید امپریالیسم خبری درباره "خطر شوروی" ، خود علامت خطر نزدیک و جدی امریکا است .** در این مقال اشاره کردیم ، در گذشته نیز گفته ایم و باز هم تکرار میکنیم که : هرگاه بوق و کرناهی "خطر شوروی" با شدت بیشتری به صدادر می آید ، علامت این است که خطر واقعی شیطان بزرگ امریکا نزدیکتر و جدیتر است . درست است که "خطر شوروی" در تبلیغات امپریالیستی برای جهان ، برای هر منطقه و برای هر کشور همیشگی است ، این دروغ مبنای تبلیغاتی سیاست امپریالیسم است و در نتیجه حتی در دوران رژیم دست نشانده شاه خود - فوجسته و وحدان با خنده نیز سلطه "خداخانه" آمریکا بر کشور ما را بر مبنای تبلیغاتی قابل با "خطر شوروی" برقرار شد . و نیز درست است که در ایران امروزی ما ، تا انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ، برپاست ، تا نیروهای انقلابی راستین ، اعم از مسلمان و مذهبی و غیر مذهبی وجود دارند ، این تبلیغ دروغ "خطر شوروی" نیز وجود خواهد داشت . ولی هرگاه بر شدت این دروغ همیشگی افزوده می شود حتمان که در دوران اخیر

**\* پایه تبلیغاتی تمام سیاست اسارتگرانه ، غارتگرانه و تجاوزکارانه امپریالیسم به سرکردگی آمریکا ، دروغ سازی و دروغ برکنی درباره "خطر شوروی" و "خطر کمونیسم" است .**  
**\* هر وقت تبلیغات دروغ امپریالیسم خبری درباره "خطر شوروی" و "خطر کمونیسم" شدت می گیرد ، باید یقین کرد که خطر امپریالیسم به سرکردگی آمریکا نزدیکتر و جدیتر است .**

برسد آن افزوده نشده است - علامت این است که خطر امریکا نزدیکتر و جدی تر است . پس باید هشیار بود ، باید صدبار و هزار بار بیش از گذشته هشیار بود .  
خوشبختانه سخنان رئیس مجلس بیانگر این هشیار است . آری ، امپریالیسم امریکا و دستیاران و تقاله - هایش "لولوی" شوروی را باز علم کرده اند ، تا "برنامه های خود را در ایران اجرا کنند . و این "برنامه ها" چیزی نیست ، جز شکستن قهر آمیز انقلاب اسلامی و مردمی ایران و ، یا مسخ آن از درون . لذا پیش برنامه - های انقلابی برای جلوگیری از مسخ انقلاب و تدارک همه جانبه برای دفع خطر تهاجم قهر آمیز ضد انقلابی آمریکائی ، دو وظیفه مبرم و حیاتی است ، که در انجام آنها کوچکترین غفلت و کمترین تعلل به هیچ روی و تحت هیچ عنوانی جایز نیست . شانتاز امپریالیستی و "لولوی" آمریکا ساخته را باید با شجاعت انقلابی شکست و انقلاب را به رهبری امام خمینی و یانکیه بر قدرت انقلابی توده های میلیونی مستضعفان کشور ، با گام های بلند و استوار بسوی پیروزی های نهائی به پیش برد .

"مرکز" شوروی ندوین و اجراشد . آنگاه که آمد آمریکا به مسخ انقلاب ایران ، به کمک لیبرال ها ، تا آن جا پیش رفت که ملاقات سران دولت موقت با برزیسکی سازماندهی شد ، بر دهل تبلیغات "خطر شوروی" با شدت بیشتری نواخته شد . در استان کودتای نوزده ، باز برای انحراف افکار عمومی از خطر واقعی به سوی خطر موهوم ، این ساز و دهل شستر به صدا درآمد . در آستانه تهاجم صدام چنانگاری بنی صدور خاخن طوطی وار وارد "روسیه" روسیه گرفت . سازندگان "لولوی شوروی" تا آنجا که سماج و بشریت کدحتی کوشیدند تهاجم امریکائی صدام را نوعی "به "کرمطین بحسانند . هر روز به دروغ اسلحه "روسی" از بندر عقبه به عراق فرستادند .

امروز سرکه امریکا انواع برآمده را برای شکستن مهر امپریالیسم و جمهوری اسلامی ایران ندوین کرده و در صدد اجرای آنهاست ، باز موج تبلیغات "جدید"ی برای انحراف افکار و انتظار از خطر واقعی به سوی خطر موهوم شوروی به حرکت آمده است ، گرد و خاک "خطر شوروی" باید چشمها را کور کند ، تا بنینند که پاکستان بدستور و به کمک آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در کار تدارک مسلحانه است ، که "شورای همکاری خلیج" (فارس) یک پیمان نظامی حجازی است علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ، که ترکیه پایگاه ضد انقلاب مسلح "ایرانی" شده است ، که عربستان علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تا دندان مسلح به اسلحه مدرن میشود ، که مصر به سرعت بددل به پایگاه نظامی آمریکا میشود . . . که هر چه سلطان و ملک و شاه و شیخ و مفتی و دیکتاتور و ژنرال در منطقه خاور میانه هست ، به فرمان امریکائی جنایتکار ، به جنب و جوش افتاده اند و دست در دست یکدیگر داده اند ، تا زیر "حشر" نیروهای واکسن سریع و متکسی به

وجه سبب به دیگر خلق ها ، "لولوی شوروی" ، با "خطر کمونیسم" ، توجیه میشود . دولت امریکا هر ساله از بودجه خدمات اجتماعی میکاهد ، میزان اخذ مالیات را از انحصارات بزرگ کاهش میدهد ، و در عوض مالیات نجومی به گاوصندوق های انحصارات اسلحه سازی فرومی ریزد ، مهارتورم را رها میکند ، ده میلیون انسان را دچار بیکاری میکند ، ۳۰ میلیون رگیب پوست و سفید پوست را به خاک سیاه مینشاند ، تا از "خطر شوروی" جلوگیری کند . تمام دیگر کشورهای امپریالیستی متحد امریکا نیز به همین ترتیب عمل میکنند و به همین

در منطقه خاور میانه تمام عملیات اسارتگرانه و غارتگرانه و تجاوزکارانه امپریالیسم به سرکردگی آمریکا ، بر مبنای نظامی ، گسار سل اسلحه ، تاراج ساچ بند ، سرکوب خونین جنبش های آزاد پیش ، سعی در شکستن استقلال کشورهای مستقل ، افروختن آتش جنگ های محلی ، همه همراه با دمیدن در کرناهی تبلیغات گوش خراش مقابله با "خطر شوروی" و "خطر کمونیسم" انجام میگردد .  
از فردای پیروزی انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی مردمی ایران نیز ، چنانکه دیده ایم ، "مرکز" شوروی با یاد دروغ به اهتزاز درآمد . کبابیای جریان انحراف امریکائی لیبرال - ها و مائوئیست های امریکائی - چینیسی و مائوئیست های مسلمان نما ، از زبان نمایندگان و سخن گویان این جریان ، از "رنجیر" گرفته تا بنی صدر نیفتاد . دستگاه عظیم تبلیغات امپریالیستی و ، هم - زبان با این دستگاه ، تمام عممال امپریالیسم در ایران تمام "جاده صاف کن های" آمریکا و نیز ، متاسفانه ، برخی افرادی که تحت تاثیر تبلیغات دراز مدت امپریالیستی قرار داشتند ، "لولو-

۱۴ کشور امپریالیستی به کشورهای شوروی ، امپریالیسم جهانی ، که در آن زمان سرکردگی آن برعهده "دولت فخیمه" انگلستان بود ، زیر عنوان خطر موهوم شوروی و لزوم ایجاد "کمر بند صحنی" به ور شوروی ، سعی در حفظ مستعمرات خود نمود ، هر جنبش استقلال طلبانه ای را غرق در خون کرد ، به غارت تمام "جهان آزاد" ادا میداد ، در کشور ما رضاخان را با یک کودتای نظامی حاکم کرد ، دستاوردهای انقلاب مشروطیت را منکوب کرد ، خلق ستم دیده ما را فشرده تزار گذشته بنزنجیر کشید ، ثروت ملی و دسترنج خلق زحمتکش ما را به غارت برد .

امپریالیسم از سالهای ۲۰ به بعد فاشیسم را در ایتالیا و آلمان ، زیر عنوان دفع "خطر شوروی" ، بوجود آورد محور برلن - رم - توکیو یا "پیمان ضد کمینترن" ، بر همین عنوان توجیه شد . دولت فاشیستی آلمان هیتلری ، که میخواست "نظام نوین" در سراسر جهان برقرار کند ، یعنی سراسر جهان را زیر سلطه امپریالیسم آلمان بگیرد ، بعنوان لزوم دفع خطر موهوم شوروی آن ماشین عظیم جنگی را بر پا کرد و جهانی را به خاک و خون کشید . در کشور ما ، شبکه جاسوسی آلمان هیتلری یا باصطلاح "ستون پنجم" ، زیر همین عنوان "خطر شوروی" گسترده شد و مورد حمایت رضاخان قرار گرفت .  
بعد از جنگ دوم جهانی و شکست آلمان هیتلری و ایتالیای موسولینی و میلیتاریسم ژاپن در شرایط ضعف انگلستان و دیگر دولت های امپریالیستی اروپا ، امپریالیسم امریکا سردمدار امپریالیسم جهانی شد و سیاست سلطه - گرانه او باز بر عنوان "خطر شوروی" به مرحله اجرا گذارده شد . سیاست نظامیگری آمریکا ، پیمان نظامی "ناتو" پیمان نظامی " بغداد " و سپس "ستو" پیمان نظامی "سیتو" ، پیمان های

در سخنان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ( اتحاد مردم - شماره ۱۱۲ ) :  
... چه خیلی زیاد ...  
اشتباه است . ... نه خیلی زیاد ... درست است .

**تصحیح**  
در مقاله "مجموع مس سرچشمه" ( اتحاد مردم ، شماره ۱۱۱ ) دوا اشتباه چاپی رخ داده که بدینوسیله تصحیح میشود :

**توضیح**  
بعلت تراکم مطالب مقالات "سرگذشت رنجور زم خلق قهرمان فلسطین" و "متحدان بنی صدر - سرمایه داری لیبرال ایران" در این هفته چاپ نشد ، در شماره آینده به چاپ آنها می پردازیم .

توطئه امپریالیسم

بقیه از صفحه ۱

کهنال اتحاد و همبستگی آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ در منطقه روئین گرفت، تیره سازد. امپریالیسم آمریکا سعی دارد که با برهم زدن این روابط نوپا، انقلاب اسلامی ایران را از نعمت پشتیبانی این گروه از متحدان خود محروم سازد. با پیروزی انقلاب اسلامی ضد-امپریالیستی و مردمی در ایران توطئه تیره ساختن روابط جمهوری اسلامی ایران و کشورهای انقلابی منطقه، با مساعدت لیبرال های وطنی، مائوئیست های آمریکایی و همه عناصر جنبه سازش و تسلیم، به کار افتاد. نقشه این توطئه در لانه جاسوسی آمریکا در تهران طراحی و در ملاقات های ویژه سران لیبرال ها با "اموران سفارت" به آنها ابلاغ شد. اسناد لانه جاسوسی، که توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام منتشر شده است، پرده از بخشی از چارچوب و مضامین "این گفتگو" ها و "ملاقات ها" برداشته است. در این اسناد، از جمله به "ملاقات های سازنده ای که منظور تبادل اطلاعات در مورد سیاست های کی-امی-بایست از سوی دولت ایران در قبال کشورهای عضو "جنبه پایداری" اتخاذ شود، اشاره شده است. این اسناد همچنین حاکی از رهنمودهایی است که چگونگی اعمال این سیاست است، که توسط ماورین سیا "به عمل آن در دولت موقت داده می شد. ببینیم اسناد لانه جاسوسی آمریکا در مورد ابغاد این توطئه چه می گویند:

طرح نقشه در لانه جاسوسی آمریکا

"ناس" سر جاسوس آمریکا در تهران، در نامه ای "سری به مرکز سیا" در واشنگتن، ماحصل گفتگوهای خود را با عباس امیرانتظام چنین بیان می-دارد: "در ملاقات کاردار با انتظام یک بار دیگر علاقه دولت ایران به مبادله اطلاعات ابراز گردید. در ملاقات ۲۶ مه (امیرانتظام) افزود که دولت موقت نگران مداخله عراقی ها در خوزستان و فعالیت فلسطینی ها و لیبیایی ها است." (کتاب اسناد لانه جاسوسی، جلد ۱۰، ص ۶۴) همچنین: "امیرانتظام گفت که دولت موقت اطلاع یافته است که جرج حبش اخیراً از چند منطقه خلیج فارس دیدن کرده است. او افزود دفتر فلسطین در اهواز موجب نگرانی دولت شده است." (همانجا) پس از این ملاقات ها و معین شدن چارچوب "اطلاعات"، توطئه به جریان افتاد. ابتدا "سفارت" دست بکار شد و طی نامه ای به واشنگتن، درباره ارسال اطلاعات برای اجرای توطئه، از وزارت خارجه آمریکا استمداد جست: "... خوزستان مرکز فعالیت فلسطینی ها و لیبیایی ها است (توجه کنید فقط فلسطینی ها و لیبیایی ها - اتحاد مردم) اگر وزارت قبول کند که خطر مبادله اطلاعات درباره فعالیت های خرابکارانه فلسطین و لیبی و عراق به امکان روابط و همکاری نزدیک ما و دولت ایران می آرد، لذا ستادین اطلاعات را جهت دادن به انتظام درخواست کنید." (همانجا) مدتی بعد، در خرداد ۵۸، سفارت آمریکا در تریپولی، پایتخت لیبی، که در عین حال از اقدامات لیبی برای حمایت از انقلاب اسلامی ایران و نیز سفر عبدالسلام جلودنخست وزیر این کشور به ایران، برای ابراز این پشتیبانی، اطلاع یافته بود، ضمن ارسال "اطلاعاتی" برای "سفارت آمریکا در تهران" یاد آورد شد که می توان با استفاده از مسئله ناپدید شدن "امام موسی صدر"، که توسط خود جاسوسان آمریکا صورت گرفته، ولی به نام لیبی تمام شده بود، بهره برداری کنند. به این سند توجه کنید: "از سفارت آمریکا در تریپولی به

سفارت آمریکا در تهران... دریافت نسخه ای از هر گونه گزارشی که درباره فعالیت های خرابکارانه لیبی در ایران، که برای ارائه کردن به انتظام تهیه شده باشد، باعث تشکرو قدردانی خواهد بود. از آنجا که به نظر می رسد مسئله لیبی احتمالاً در مذاکراتی که در تهران با انتظام در پیش است، مطرح خواهد شد، دریافتن نظریات معاون نخست وزیر امیرانتظام، در مورد مسافرت جلود به ایران و توضیحات لیبی در مورد وضعیت امام موسی صدر، موجب امتنان و سپاس خواهد شد." (کتاب اسناد لانه جاسوسی، جلد ۱۰، ص ۶۶) این مبادله "اطلاعات" درست زمانی صورت می گرفت که دولت لیبی با فرستادن نخست وزیر خود عبد-السلام جلود به تهران، همزمان با مکنات خود را برای پشتیبانی از انقلاب اسلامی ایران در اختیار رهبران انقلاب قرار می داد. لیبرال های نهضت آزادی، که در این زمان در اسارت دولت موقت جمهوری اسلامی ایران قرار داشتند، بر اساس "اطلاعات" دریافتی از "سفارت آمریکا در تهران"، فعالیت خود را زیر پوشش تحقیق در مورد "امام موسی صدر" آغاز کردند. آنها کوشیدند که روابط میان جمهوری اسلامی ایران و کشور انقلابی لیبی را تیره سازند و مانع ملاقات جلود با رهبران درجه اول انقلاب اسلامی ایران شوند. در همین ارتباط، مهندس مهدی بازرگان رئیس دولت موقت لیبرال ها، با افتخار اعلام کرد که او از برقراری رابطه میان جمهوری اسلامی ایران و لیبی جلوگیری کرده است: "بگذارید این نکته را بگویم که، علی رغم میل شدید و نیاز دولت لیبی برای برقراری روابط با ما، عدم موفقیت آنان در این زمینه از لحاظ بین المللی بسیار اهمیت دارد. آقای جلود هنگام مسافرتش به ایران در مورد برقراری ارتباط با لیبی تمنای توأم با تهدید می نمود و اظهار داشت که ایادی صهیو-نیست و آمریکا مانع برقراری روابط هستند. من به صراحت گفته ام خیر آقا، اینطور نیست. مسئله خیلی روشن است. مسئله امام موسی صدر است." (اطلاعات ۱۲ مهر ۵۸) ملاحظه می کنید که رئیس دولت موقت خود اعتراف می کند که با سوء-استفاده از مسئله مفقود شدن "امام موسی صدر" (که سفارت آمریکا تأکید بسیار در استفاده از آن راداشت) با ایجاد روابط میان جمهوری اسلامی ایران و لیبی مخالفت کرده است لیبرال های حتی کار را به توطئه چینی علیه لیبی کشانند و سخن از "گروگان گیری جلود" به میان آوردند. "ایادی لیبی در ایران دست به تحریکات می زنند." (از سخنان سید صادق روحانی، اطلاعات ۳۱ اردیبهشت ۵۸) و نیز: "نخست وزیر لیبی را می خواستیم بعنوان گروگان در ایران نگه داریم... سفر جلود نخست وزیر لیبی به ایران بر-خلاف میل ما بود و در نظر داشتیم وی را تا زمانی که لیبی امام موسی صدر را زنده یا مرده تحویل ندهد، به عنوان گروگان نگه داریم." (همانجا)

متحد ضد انقلاب، یک آن از سماشسی علیه کشورهای مترقی عرب غافل نماندند. "میزان" ارگان لیبرال های "نهضت آزادی"، با انتشار مقالاتی، بطور منظم به تحریک و توطئه چینی علیه کشورهای لیبی و سوریه پرداخت. از جمله "میزان" در شماره ۱۹، نهم مهر ماه ۵۹ خود، با چاپ مقاله ای تحریک آمیز با نام "در حاشیه وحدت سوریه و لیبی"، به تخطئه وحدت این دو کشور پرداخت و کوشید با "غیراسلامی" معرفی کردن این کشورها، آنها را دشمنان انقلاب اسلامی ایران قلمداد کند: "قذافی اعتماد به نوعی سوسیالیسم ویژه عربی با اشاراتی به اسلام دارد. البته از نوع قذافی آن و "در لیبی سنگینی روسیه در حیات سیاسی این کشور غیرقابل انکار است. همگونی فراوان آراء و عقاید سیاسی و اقتصادی و نظامی جناح غالب هیئت حاکمه لیبی با روسیه نیز که در قرارداد های سیاسی، نظامی، اقتصادی تیلور می بابد نشانه این سنگینی نامیون است و در مورد سوریه: "تکیه و تمایل و همسویی سیاسی، اقتصادی، نظامی سوریه با بر قدرت شرق از جانب جناح غالب در هیئت حاکمه سوریه، باعث تشدید تضادهای درونی خود هیئت حاکمه شده و این کشاکش عرصه را بر نیرو های ملی، مستقل اسلامی جامعه تنگ تر کرده است."

تبدیل شود، در هر سخنرانی و نوشته ای نوک تیز حمله را متوجه دوستان انقلاب اسلامی ایران، از جمله کشورهای عضو "جنبه پایداری" میکرد. برای مثال، بنی صدر در یکی از سخنرانی های خود درباره "این کشورهای انقلابی چنین گفت: "لیبی، الجزایر و سوریه بندگان و ابستگی بسیار بر دست و پایی خود دارند." (انقلاب اسلامی، ۱۷ دی ۵۹) باران مائوئیست بنی صدر هم در اجرای این سیاست پیگیری بی همتای از خود نشان دادند. گروهک مائوئیستی آمریکائی "رنجیران" تا آنجا پیش رفت که در ورق پاره "رنجیر" برقراری رابطه با کشورهای عضو "جنبه پایداری" را "محکوم" میکرد و سیاست دوستی با کشورهای انقلابی منطقه را لجن مال می ساخت. بدین ترتیب، در طول یک سال و نیم پس از انقلاب بهمن، لیبرال های "نهضت آزادی"، باند بنی صدر و

مائوئیست های آمریکائی و دیگر تفاله ها، دست در دست یکدیگر، کوشیدند تا انقلاب ما را از نعمت برخورداری از روابط دوستانه با کشورهای انقلابی منطقه محروم سازند. خوشبختانه واقعیات زنده زندگی و دفاع بی پیرایه این کشورها از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران توانست خود را از میان گرد غباری که دشمنان انقلاب به پا کرده بودند، نشان دهد. در این ارتباط همه مسئولان صدیق و معتمد درجه اول جمهوری اسلامی ایران و به ویژه رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به موقع این توطئه را خنثی ساختند امام خمینی در ملاقاتی با "جلود درباره" این توطئه ها چنین گفتند: "این تهمت را اجانب برای تفرقه اندازی میزنند". "حجت الاسلام خامنه ای امام جمعه وقت تهران و رئیس جمهوری اسلامی ایران در خطبه نماز عید قربان ۵۹، درباره کشورهای عضو "جنبه پایداری" از جمله چنین گفت: "ما از دولت برادر الجزایر و دولت لیبی و دولت سوریه، به خاطر اینکه موضع گیری درست در مورد جنگ ایران با قدرت های امپریالیستی نشان دادند، سپاسگزاریم."

ولی متاسفانه توطئه ادامه دارد

لیبرال های "نهضت آزادی" از قدرت سیاسی کنار زده شدند مائوئیست های آمریکائی سرکوب شدند بنی صدر سقوط کرد، و بدین ترتیب گروهی از پیگیرترین مخالفان رابطه جمهوری اسلامی ایران با کشورهای انقلابی منطقه از سر راه برداشته شد؛ اما با اطلاق این توطئه متاسفانه هنوز خشک نشده است. هنوز هستند محافل کاملاً مشکوکی که باز میگویند رابطه میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای سوریه، لیبی، الجزایر و جنبش انقلابی فلسطین را تیره سازند. اینبار تفاله های آمریکائی از نوع کشمیری ها و کلاهی ها، اینجا و آنجا، در کارند تا در روابط میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای انقلابی منطقه اختلال کنند. چندی پیش در تهران توسط شبکه گسترده ضد انقلاب اعلامیه

مشکوکی از سوی "جنبه کمونیست لیبی" که اصلاً وجود خارجی ندارد، منتشر شد، که در آن بازم با طرح مسئله "امام موسی صدر"، لیبی را مورد اتهام وحمله قرار داد. دستهایی نیز در کارند تا روابط جمهوری اسلامی ایران و سوریه را تیره سازند. برای مثال روزنامه "تهران تایمز" که بزبان انگلیسی در تهران منتشر می-شود، در تاریخ ۱۸ شهریور ۶۰، در سر مقاله ای بدون امضا، در ارتباط با استقرار موشک های سوری در لبنان، چنین نوشت: "سوریه بطور غیر رسمی موافقت خود را با خروج موشک های خود از لبنان اعلام داشته است و از این موشک ها علیه اسرائیل استفاده نخواهد کرد." و یاد سرفاله ای به تاریخ ۱۱ شهریور ۶۰، "تهران تایمز" ادعا کرد که: رژیم سوریه با اسرائیل روابط مخفیانه دارد. باردیگر همین روزنامه، در سر-مقاله ۲۷ مهر ۶۰ خود نوشت:



"برادران مسلمان سوریه به هنگام ادای فریضه حج از روابط نزدیک جمهوری اسلامی ایران با دولت غیر مردمی سوریه وابسته به شوروی ابراز ناراضی می-کردند." سفارت سوریه در تهران با ارسال نامه ای برای هم روزنامه های ایران برده از این توطئه های امپریالیستی برداشت و ضمن تکذیب همه این مطالب، تصریح کرد که این موشک ها همچنان در جای خود مستقر هستند. "امپریالیسم خبری" هم در این میان بر حسب وظیفه بیکار نیست. وقتی در اوایل آذرماه گذشته، ضدانقلابیون با انفجار بمبی در دمشق دهها نفر را کشتند و مردم این شهر دست به راه-پیمایی عظیمی علیه آمریکا زدند، "امپریالیسم خبری" بار دیگر وارد میدان شد. خبرگزاری آمریکائی یونایتد پرس خبر زیر را در لابلای اخبار خود مخابره کرد: "دولت سوریه گروه زیر زمینی "اخوان المسلمین" را مسئول بمب گذاری یکشنبه معرفی کرده است. اخوان المسلمین یک جنبش مذهبی است که می-کوشد رژیم چپگرای این کشور را سرنگون سازد." (کیهان-۱۲ آذر ۱۳۶۰) چنانکه می بینید، یونایتد پرس، درست منطبق بر خط لیبرال ها، باند ضد انقلابی "اخوان المسلمین" را یک جنبش مذهبی "حازده و موزدیانه به تحریک علیه سوریه پرداخته است. متاسفانه روزنامه "کیهان" هم این خبر را عیناً چاپ کرده است. و هنوز این توطئه جریان داشت که سازمان "سیا" طرح بودن هواپیمای لیبیائی را پیاده کرد، که خوشبختانه با هشاری دولت جمهوری اسلامی ایران خنثی شد. اما بی گمان توطئه های دیگری در راه است. عمال نقابدار و بی نقاب امپریالیسم، با سوء استفاده از ناآگاهی عناصر قشری، به پست برآیند، تا به هر شیوه ممکن در روابط نوپای جمهوری اسلامی ایران و کشورهای مترقی منطقه بویزه کشورهای عضو "جنبه پایداری"، اختلال کنند. هشیار باشیم و این توطئه ها را در هم شکنیم.

این همه اصرار...

بقیه از صفحه ۱

قرارداد جداگانهای را بامبالغ سنگینی به ما تحمیل کنند.

چنین است وضع مجتمع عظیم پتروشیمی بندر امام خمینی، بعد از سه سال که امپریالیستهای ژاپنی ما را سر می‌دانند.

مفید است که برای آشنائی با سیاست امپریالیسم ژاپن در این باره کمی به عقب برگردیم: ساختمان این مجتمع، که یکی از مجموعههای بزرگ صنعتی ایران است و می‌تواند تعداد زیادی اشتغال ایجاد کند، در سال ۱۳۵۵ (زمان طاغوت) آغاز شد.

پنج کمپانی عضو کانسرسیوم ژاپنی میتسوئی، که کار ساختمان این مجتمع را برعهده داشتند و از قبل آن مبالغ کلانی از ثروت مردم ایران را غارت می‌کردند، همین که انقلاب پیروز شد، دست از کار کشیدند.

در طول ۲ سال بیش از ۸۵ درصد ساختمان عظیم مجتمع را به انجام رسانده بودند. در طول سه سالی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، بالاطاف الحیل - به قول وزیر نفت - حتی یک سنگ هم روی سنگ نگذاشتند.

وقتی ژاپنی‌ها دست‌از‌کار کشیدند، دولت وقت سعی کرد که موافقت آنها را برای پایان دادن طرح، البته با همان شرایط زمان طاغوت، جلب کند.

امپریالیسم آمریکا، تا حد ممکن در ایران کارکنی کند، بازی موش و گربه را آغاز کردند. بعد از نزدیک به یک سال مذاکره، هیئت نمایندگی ایران، که برای مذاکره به ژاپن رفته بود، اعلام کرد که دولت ژاپن حاضر به پایان طرح است.

در این موقع مخابراتان پایان دادن به ساختمان مجتمع را پذیرفت. مخابراتان حاضر بود، بدون قید و شرط سیاسی، ادامه ساختمان مجتمع را بلافاصله آغاز کند.

در این مایل است این طرح را که ۸۵ درصد آن انجام شده است، به اتمام برساند. ژاپن اهمیت انقلاب ایران را درک می‌کند. ولی تازمانی که گروگان‌های آمریکائی در اسارت

باشند، ژاپن نمی‌تواند با ایران همکاری کند! (بامداد - ۵ تیر ۱۳۵۹)

بدینسان معلوم شد که دولت ژاپن یک سال دیگر ایران را سرگردانده و بالاخره هم برای انجام ندادن تعهد خود بیهانه "گروگان" ها متوسل شده است.

در همان هنگام، امیرناصر کوهپایار، رئیس هیئت نمایندگی ایران در ژاپن، طی اعلامیه‌ای در ژاپن اعلام داشت:

"دولت ژاپن نمایندگان ایران را سر می‌دواند و اگر ژاپن به این سیاست ادامه دهد، طرح مجتمع به یک کشور اروپای شرقی سپرده می‌شود." (تلویزیون - ۴ تیر ۱۳۵۹)

بدنبال اعلام این خبر، نیروهای مترقی تاکید کردند که ژاپن، بعنوان بخشی از جهان سرمایه‌داری، حاضر نیست مجتمع پتروشیمی را تمام کند و پیشنهاد نمودند:

"باید کار پایان دادن به مجتمع را به هر کشور، که شرایط برابر حقوق را بپذیرد و آن را در اسرع وقت به پایان رساند، محول کرد.

اما متأسفانه گوش شنوایی برای این پیشنهاد درست و منطقی نبود. دیگر از طرح خبری نشد، تا یک سال و نیم بعد، روزنامه "صبح آزادگان" روز ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ خیرداد که، مذاکره هنوز به نتیجه نرسیده است. این بار دولت ژاپن اوضاع داخلی ایران را بهانه کرد.

اما متأسفانه گوش شنوایی برای این پیشنهاد درست و منطقی نبود. دیگر از طرح خبری نشد، تا یک سال و نیم بعد، روزنامه "صبح آزادگان" روز ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ خیرداد که، مذاکره هنوز به نتیجه نرسیده است.

و به این ترتیب هنوز امپریالیسم ژاپن، ایران را سر می‌دواند. سر- دواندن به مدت نزدیک به سه سال! و چنانکه یک مقام مسئول وزارت بازرگانی بین‌المللی و صنایع ژاپن گفته است، ژاپنی‌ها: "در انتظار ورود یک هیئت مذاکره کننده ایرانی، که ورود آنها از سوی حکومت ایران وعده داده شده است برای تصمیم‌گیری در این باره هستند" (همانجا).

و دیگری نمی‌شود که نشد، تا روز ۷ آذر ۱۳۶۰، که وزارت خارجه ژاپن اعلام کرد:

"ژاپن به هیچ وجه تحت فشار آمریکا نبوده و علت تاخیر ساختمان مجتمع پتروشیمی به نفع شرکت‌های خصوصی ژاپن بوده است، چون آنها عقیده دارند با ادامه جنگ بین ایران و عراق ادامه کار مجتمع پتروشیمی خطرناک خواهد بود." (صبح آزادگان - ۸ آذر ۱۳۶۰)

وباز هم معلوم شد که کار به نتیجه نرسیده است. یک ماه و نیم بعد ژاپنی‌ها، که پیوسته بهانه‌های تازه می‌تراشند، اعلام کردند که، به علت افزایش نیافتن سهم ایران، کار را متوقف کرده‌اند:

"به گزارش خبرنگاری فرانسه، مذاکرات درباره ازسرگرفته شدن کار های ساختمانی این مجتمع عظیم، که از چند ماه پیش آغاز شده، به بن-بست رسیده است. ایران با ادامه طرح در چهارچوب قرارداد اولیه موافق است، اما ژاپن، که تاکنون بیش از یک میلیارد دلار برای این طرح خرج کرده اعلام داشته است که اگر ایران میزان سهم مالی خود را برای به پایان رساندن طرح افزایش ندهد، از شرکت در ساختمان (اطلاعات ۱۹ دی ۱۳۶۰)

و هنوز هم، چنان که وزیر نفت و معاون ایشان در مصاحبه‌های پیش گفته ابراز داشته‌اند، امپریالیستهای ژاپنی حاضر نشده‌اند که کار ساختمان مجتمع را دنبال کنند. و این در حالی است که: "قرار ژاپن این بوده است که با ۳۵۰ میلیون دلار پتروشیمی را بسازد. رژیم گذشته با این امر موافقت کرد و این مسأله اکنون به

ما رسیده و ما وارث این قرارداد شده ایم. و حالا مبلغ این قرارداد به حدود چهار میلیارد و دویست میلیون دلار رسیده است." (وزیر نفت-اطلاعات ۲۸ دی ۱۳۶۰)

و علاوه بر این: "بر اساس قرارداد پیشنهاد دهنده، طرح، تعیین کننده و مونتاز کننده تاسیسات پتروشیمی ژاپن است." (همانجا)

و به همین خاطر هم: "گروه میتسوئی... بارها رقم سرمایه‌گذاری را بالا برده و خودش طرح داده و خودش مقاضعه آورده و خودش اجرا نموده و طریقی بنام روش ژاپنی در طرح داشته است و در مقاطع مختلف زمانی با ما سرناسازگاری داشته است (معاون وزیر نفت-همانجا).

و با اینهمه و با اینکه برآستی: "چنین معامله شیرینی در هیچ کجا نمی‌تواند سابقه داشته باشد" (وزیر نفت-همانجا) که "گاز سرچاه رابه قیمت هرواحد انرژی زای آن دویست آمریکائی، یعنی مفت در نظر گرفته اند (وزیر نفت - همانجا) هنوز هم ژاپنی ها حاضر نیستند مجتمع پتروشیمی را به پایان برسانند!

فریبکاری ژاپنی‌ها

مسلمانا مقامات مسئول می‌دانند، اینکه: "کمپانی میتسوئی، که صرف اصلی قرارداد است، ذهن مقامات سیاسی- اقتصادی و مردم ژاپن را، با استفاده از رادیو و تلویزیون، علیه ما می‌شوراند" (وزیر نفت- همان جا) وظاها مخالفت "جناب‌هایی که در ژاپن هستند، که با گذشت سه سال از انقلاب اسلامی ما هنوز متوجه نشده‌اند که ما حاضر نیستیم با کنسرسی ژاپن که بخواهد از موضع قدرت با ما وارد گفت و گو شود، روابط خوشایندی داشته باشیم" (نخست وزیر- صبح آزادگان - ۲۷ دی ۱۳۶۰)

فقط و فقط فریبکاری امپریالیست های کارکنده ژاپنی است و بس. و اساسا مگر اینکه مطابق قرارداد، طرح ساختمان مجتمع پتروشیمی "دراکتبر سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) به صورت یک طرح ملی ژاپن با شرکت دولت این کشور درآمد" (صبح آزادگان- ۱۲ شهریور ۱۳۶۰)، تا مثلاً دولت ژاپن نتواند با خنثی کردن مخالفت کمپانی‌ها کار را به اتمام برساند!

مثل روز روشن است که مسأله این حرف‌ها نیست. دولت ژاپن، که نماینده انحصارات بزرگ آن کشور است، هیچ هدف جداگانه‌ای مانند همه کشورهای سرمایه‌داری از کانسرسیوم میتسوئی و دیگر کمپانی‌های این کشور ندارد.

امپریالیست‌های ژاپنی از سردواندن ایران قبل از همه مقصود سیاسی دارند. آنها در هماهنگی کامل با امپریالیسم جهانی بسرگردگی آمریکا می‌کشند، تا با این حیل‌ها، در اعمال فشار اقتصادی به ایران شرکت کنند و زمینه را برای روی کار آمدن "دولت میانرو" ریگان فراهم سازند، تا این دولت، موافق "ارزشهای غربی"، غارت مجدد آنها را هم تأمین کند.

در کنار این هدف اصلی، دولت و کمپانی‌های ژاپنی در حال حاضر هم در صدد غارت هر چه بیشتر ایران هستند. آنها فقط زمانی حاضر به انجام پروژه خواهند شد که، به قول وزیر نفت: "قرارداد جداگانهای را با مبالغ سنگینی به ما تحمیل کنند." و اینهم در شرایط مشخص کنونی، علاوه بر غارت باز هم بیشتر ازحمت کشان ایران، خود یک هدف سیاسی است: لطمه زدن هر چه بیشتر به اقتصاد ایران برای فراهم آوردن زمینه در هم شکستن انقلاب.

به گمان ما، همه این مسائلی برای مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران روشن است. و به همین خاطر در حالیکه آقای مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر می‌گوید: "کسانی در جهان هستند که در مقابل پول ما حاضرند در مورد اتمام بخش‌های

عملیات حزب دموکرات کردستان عراق

علیه رژیم صدام

باند قاسملو علیه حزب دمکرات کردستان عراق

کردستان عراق انجام گرفته است. ۲۵ عملیات از این تعداد در شهرهای هاولیر، موصل، دهوک، حلبچه، چومان و سید صادق انجام شده است. طبق گزارش فوق‌الذکر، در این عملیات ۲۹ افسر و افسریار دشمن، ۱۷ کادر بعث علفقی و عضو سازمان امنیت عراق و ۷۳ تن از سربازان، افراد پلیس وحاش‌های ضد مردمی نابود شد و به‌یشتراز این تعداد زخمی گشته‌اند.

در این عملیات، ۲۶ سکر دسته جمعی کاملاً منهدم شده، ۴۶ اتوموبیل ارتشی و دولتی نابود گشته، ۶۳ آب‌پسگاه نظامی تخریب شده، ۴ دفتر تشکیلاتی حزب بعث ویران شده، ۱ هلیکوپتر سرنگون گشته، ۵ نفر بر و زره پوش از کار افتاده و ۱۱ انبار مهمات و آذوقه منهدم شده است. پارتیزان‌های حزب دمکرات کردستان عراق، طی این مدت ۴۸ شهید و ۴۱ زخمی داشته‌اند.

جنایت تازه باند قاسملو علیه مبارزان حزب دموکرات کردستان عراق

خبرنامه حزب دمکرات کردستان عراق، مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۸۱، اطلاع میدهد که افراد مسلح باند قاسملو در تاریخ ۱۳ دسامبر، یکی از مقرهای پیشمرگان حزب دمکرات کردستان عراق را در قره‌شیناوا، واقع در مرز ایران و عراق به توطئه بسته و یک پیشمرگ بنام محمد محمود را به شهادت رسانیده‌اند.

جنایت باند قاسملو علیه مبارزان راه استقلال و آزادی عراق، که علیه خود کامی‌های رژیم جنایتکار صدام می‌رزمنند، بیانگر آنست که چهره‌ها این باند، به‌شابه عامل اجرای توطئه‌های رژیم صدام، هر روز بیشتر آشکار می‌شود.

تلگرام تسلیت

اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا بمناسبت شهادت رحمان کریمی

در خبرنامه حزب دمکرات کردستان عراق، دو تلگرام تسلیت "اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا، یکی به رهبری حزب دمکرات کردستان عراق بمناسبت درگذشت سروان عبدالله، عضو کمیته مرکزی و هیأت سیاسی حزب، و دیگری به رهبری حزب دمکرات کردستان ایران (پیر و گنگره چهارم) بمناسبت شهادت رحمان کریمی، عضو کمیته مرکزی این حزب، منعکس شده است.

در عملیات سه ماهه پارتیزان - های حزب دمکرات کردستان عراق علیه رژیم صدام، قریب به ۸۰۰ تن از نیرو - های دشمن به هلاکت رسیده‌اند. حزب دمکرات کردستان عراق، یکی از نیروهای مبارز عراقی است که دوش بدوش سایر نیروهای ضد امپریالیست و استقلال طلب "جهه میهنی" علیه رژیم جنایتکار صدام حسین مبارزه می‌کند. این حزب با انتشار خبرنامه و اعلامیه به زبانهای عربی و فارسی، موضعیبهای خود را نسبت به مسائلی سیاسی بین‌المللی و داخلی و عملیات پارتیزانهای خود را علیه مزدوران رژیم صدام به اطلاع مردم ضد امپریالیست عراق و ایران می‌رساند، که ما مهمترین آنها را با اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسانیم.

ابراز تفرو انزجار نسبت به اشغال بلندیهای جولان

در خبرنامه مورخ ۱۶ دسامبر ۸۱ (۲۵ آذر ۶۰) حزب دمکرات کردستان عراق، موضعیی این حزب نسبت به توطئه خائنه اشغال بلندیهای جولان توسط رژیم صهیونیستی اسرائیل بیان شده است. در خبرنامه ضمن ابراز تنفرو انزجار "نسبت به این اقدام جنایت آمیز و تجاوزگانه"، این اقدام محکوم شده است. در خبرنامه، همچنین آمده است:

"مانند دوشادوش ترقیخواهان و دوستان آزادی در سراسر جهان، به نام توده‌های مردم کرد در کردستان عراق و بنام حزب دمکرات کردستان عراق، مراتب پشتیبانی کامل خود را از مردم برادر سوریه و دولت سوریه به ریاست آقای حافظ اسد اعلام می‌داریم و مبارزه آنها را علیه اقدام رژیم صهیونیستی مبنی بر الحاق بلندیهای جولان، تأیید می‌کنیم"

طی سه ماه گذشته ۸۰۰ مزدور صدامی بهلاکت رسیدند

بخش تبلیغات دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان عراق، طی یک اعلامیه که به زبان فارسی نیز منتشر شده، نتایج عملیات سه ماهه پارتیزانهای این حزب را علیه نیروهای ضد مردمی وابسته به رژیم صدام، به اطلاع مردم ایران رسانیده است. طبق این گزارش، در این مدت، ۱۹۲ عملیات نظامی توسط پارتیزانهای این حزب علیه "نیروهای ارتشی و جاسهای یعنی" در سراسر

باقی مانده آن به ما کمک کنند." (صبح آزادگان - ۲۷ دی ۱۳۶۰) و معاون وزیر نفت هم تأیید میکند که: "گروه میتسوئی ژاپن تنها صادر کننده تکنولوژی پتروشیمی که در دنیانیت، بلکه گروههای دیگر و کشورهای دیگری هم وجود دارند که حاضرند به کمک ایران بشتابند"، (اطلاعات - ۲۸ دی ۱۳۶۰) این سؤال مطرح می‌شود که: راستی این همه اصرار به ژاپن امپریالیست چرا؟ اگر ما: "بارها به شریک خود گفته‌ایم که به عنوان یک شریک

وتوی آمریکا

امریکا باردیگر "وتوی" خود را در شورای امنیت در مسئله "اعمال مجازات های اقتصادی و سیاسی علیه اسرائیل بکار برداخت . شاید هیچ چیز روشنتر و بهتر از "وتوی" آمریکا نتواند چهره اهریمنی امپریالیسم آمریکا و در عین حال ناتوانی و درماندگی این حیوان درنده را نشان دهد . روزگاری بود که اراده آمریکا در دنیای سرمایه حکم قانونی داشت و حتی دولت های بزرگ سرمایه داری قادر به تخلف از خواست آمریکا نبودند . در مجمع عمومی سازمان ملل متحد ، در شورای امنیت و سایر سازمان های بین المللی ، تنها صدای دولت های سوسیالیستی به مخالفت با سیاست های امپریالیسم آمریکا بگوش میخورد . اکنون وضع بکلی تغییر کرده است . متن قطع نامه ای که در مسئله "اعمال مجازات های اقتصادی و سیاسی اسرائیل به شورای امنیت تسلیم شد ، امضای نمایندگان دهها کشور غیر متعهد را در بر پای خود داشت . در این قطع نامه پیشنهاد میشد که اسرائیل ، بدلیل غصب بلندی های جولان ، مورد مجازات قرار گیرد و دولت های عضو سازمان ملل متحد تحویل اسلحه به اسرائیل و روابط اقتصادی ، مالی ، فرهنگی و غیره خود را با اسرائیل قطع کنند ، تلاش گسترده دیپلوماسی آمریکا برای جلوگیری از طرح مسئله در شورای امنیت و رای گیری درباره این مسئله با شکست رو برو شد . آری ، دیگر کسی حرف آمریکا را نمیخواند . مسئله در شورای امنیت طرح شد ، و چنانکه همه انتظار داشتند "وتوی" آمریکا بکار افتاد . شیطان بزرگ ناچار شد باردیگر چهره واقعی خود را در برابر خلق های جهان نمایان سازد و بی پرده نشان دهد که سیاست اسرائیل عین سیاست آمریکا است و همه حرف های دیگر و "محکوم کردن" ها و غیره خیمه شب بازی ، نشان دهد که سیاست امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل تجاوزگری ، اسارتگری و غارتگری است .

غده سرطانی اسرائیل

دولت صهیونیستی اسرائیل واقعا به یک غده سرطانی در منطقه خاور میانه و نزدیک تبدیل شده است ، زورگویی ، باج گیری ، راهزنی و تجاوز اسرائیل را حد و مرزی نیست . نیروی اصلی این تجاوز را نیز امپریالیسم آمریکا ، که میلیاردهای یهودی یکی از محکمترین ستون های آن هستند ، تشکیل میدهد . چندی پیش روزنامه "جرورالم پست" چاپ اسرائیل ، از یک طرح ماجراجویانه دیگر اسرائیل پرده برداشت و نوشت که اسرائیل نقشه اشغال نظامی منطقه وسیعی را از جنوب لبنان تا ساحل غربی رودخانه اردن تهیه کرده است . طبق این نقشه ، درس آغازین عملیات مناطق حساس لیبی مورد بمباران هسته ای قرار خواهد گرفت ولیبی به منطقه مرگ تبدیل خواهد شد . فرانس پرس خبر داد که سفير آمریکا در اسرائیل هم اکنون دولت ریگان را از این نقشه اسرائیل مطلع کرده است . در همین حال مطبوعات آمریکا گزارش میدهند که دولت آمریکا حسنی مبارک ، جانشین سادات را ، برای پذیرفتن طرح اسرائیلی ، باصطلاح "خود مختاری" فلسطین بشدت زیر فشار قرار داده است . خیانت سادات به آرمان اعراب و تسلیم در برابر کمپ دیوید و سپس تیره کردن مناسبات مصر با اتحاد شوروی و کشورهای مترقی منطقه ، مصرا در وضعی قرار داده است ، که ، به قول هروف ، نه راه پیش دارد و نه راه پس . مصر در اثر این خیانت چنان در تار و بود وابستگی اقتصادی ، سیاسی و نظامی به امپریالیسم آمریکا افتاده است که ، تنها بوسیله یک انقلاب دیگر میتواند از آن رهائی یابد .

وضع اسرائیل در قبال مسئله فلسطین ، در مذاکره با حسنی مبارک بر پایه این واقعیت بنا شده است که ، مصر

در وضع کنونی خود چاره ای جز تسلیم در برابر خواست های اسرائیل ندارد . اسرائیل از موضع قدرت صحبت میکند و حسنی مبارک از موضع ضعف ، آمریکا و اسرائیل میکوشند تا قبل از تخلیه سینا مصر را به قبول طرح اسرائیلی "خود مختاری" فلسطین وادار سازند . طرح اسرائیلی "خود مختاری" نیز چیزی جز همان غصب بلندی های جولان نیست . طبق این طرح ، "یهودی کردن" ساحل غربی رودخانه اردن ادامه خواهد یافت و به اعراب در منطقه ساحل غربی رود خانه اردن ، حتی اجازه تشکیل مجلس قانون گذاری ، داشتن روابط بین المللی ، نیروی مسلح و پرچم داده نخواهد شد . بدینسان ، طرح تاسیس یک دولت مستقل فلسطینی در این منطقه برای ابد بخاک سپرده میشود . دولت اسرائیل ، حاضر نیست درباره بیت المقدس شرقی حتی در حدود همین طرح اسرائیلی نیز وارد مذاکره شود . اسرائیل و حامیان امپریالیستی اش امیدوارند ، همانگونه که مصر را سر میز مذاکرات کمپ دیوید نشان دادند و دنیای عرب را دوشقه کردند ، بتوانند تمام برنامه های بعدی خود را نیز به همین ترتیب پیاده کنند . اما سرنوشت خلق ها الهی الاید در دست سران خیانت

اسلامی ایران بتواند از چارچوبی که در فکر ناقص خود برای آن تصور میکردند ، پافرا تر نهد و تمام منطقه را به یک آتش فشان ضد آمریکا کاشی مبدل سازد و موقعیت دولت های وابسته به آمریکا را ، از خود اسرائیل تا پاکستان ، به مخاطره بيفکند ، اکنون امپریالیسم آمریکا میکوشد که جلوی این سیل بنیان کن را در همه جا بگیرد . "خطر" بویژه از آنرو بزرگتر و مهیب تر است که نظام های حاکم بر کشورهای منطقه ، از عراق گرفته ، تا پاکستان و عربستان سعودی و کشورهای خلیج فارس همه و همه بر شبکه ای از باروت نشستند . امپریالیست های آمریکائی برای نجات این رژیم های دست نشانده به تلاش افتاده اند . سفر هیگ به قاهره و تل آویو سفر چارلز پرسی رئیس کمیته روابط خارجی سنا ، سفر هیئت پارلمانی آمریکا به پاکستان و سفر بلند پایگان آمریکا امپریالیستی به سایر کشورهای این منطقه ، هم از این تلاش سرسام آور آمریکا حکایت میکنند . سیاستگران آمریکائی در جستجوی راه حلی هستند که در کشورهای وابسته به امپریالیسم منطقه حاد های نظیر ایران روی ندهد . نمایندگان کنگره و دولت آمریکا می آیند ، تا به وضع این کشورها در محل آشنا شوند و برای رویارویی با جنبش انقلابی خلق ها نسخه های موثر

تقویت رژیم های مرتجع منطقه و ایجاد توطئه های جدید بیشتر میشود . هم اکنون توطئه تازه ای در خلیج فارس بر ضد جمهوری اسلامی ایران با شرکت تمام کشورهای مرتجع منطقه ، از جمله پاکستان ، در شرف تکوین است . امپریالیسم ، علاوه بر جبهه "عراق جبهه" تازه ای علیه انقلاب اسلامی ایران میگشاید ، تا از فشار بر عراق بکاهد و از تحولات انقلابی در داخل عراق جلوگیری کند . خبرگزاری ها اطلاع میدهند که آمریکا و انگلستان تصمیم گرفته اند که در اصطلاح "پیمان امنیتی" کشورهای خلیج فارس ، که پس از صحنه سازی بحریین میان عربستان سعودی و سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بسته شد ، فعالانه شرکت کنند . در همین حال رادیوی اسرائیل محتوای این سیاست امپریالیستی را فاش کرد و گفت :

"کشورهای خلیج فارس توجه دارند که خطر اصلی که آنان را تهدید میکند ، ایران است ، نه اسرائیل و اسرائیل متحد طبیعی اعراب در برابر دشمن اصلی آنانست ."

ایران انقلابی خارج چشم همه ستمرگان و غارتگران اسرائیلی و عرب و آمریکائی و انگلیسی است . همه دنیای

ترو سنجیده تری به دولت آمریکا پیشنهاد کنند . هر حلقه ای در جمع کشورهای وابسته ضعیف تر است ، توجه بیشتری به آن ابراز میگردد . پاکستان یکی از این حلقه ها است . وضع انفجار آمیز داخلی ، همراه با سیاست ماجراجویانه خارجی ، که دولت ضیاء الحق ، به پیروی از منافع امپریالیسم ، در پیش گرفته ، پاکستان را در ردیف شکننده ترین حلقه ها در جمع کشورهای وابسته منطقه قرار داده است . امپریالیست های آمریکائی بشدت از سقوط دولت ضیاء الحق نگرانند . هم اکنون یک هیئت ۲۱ نفری از کنگره آمریکا در پاکستان بسر میبرد . به گفته "صدای آمریکا" ، این هیئت ماموریت دارد کمک هایی را که ایالات متحده میتواند برای رفع بحران و حل مشکلات پاکستان به آن کشور بکند ، مورد بررسی قرار دهد . علاقه شدیدی که امپریالیست های آمریکائی برای رفع بحران پاکستان از خود نشان میدهند و میکوشند آنرا به "جزیره ثبات" تبدیل کنند ، با وظیفه ای که پس از سقوط شاه برای پاکستان در ایفای نقش زاندارمی منطقه قائلند ارتباط مستقیم دارد . هر قدر انقلاب اسلامی ایران ، قدرت بقای خود را در برابر توطئه های امپریالیستی بیشتر نشان می دهد ، تلاش امپریالیست های آمریکائی برای

عبدالحلیم خدام وزیر امور خارجه سوریه برای مذاکره با مقامات شوروی درباره اوضاعی که پس از الحاق بلندی های جولان بوسیله اسرائیل در خاور میانه و نزدیک پدید آمده است ، به مسکو سفر نمود و با آندره گرومیکو همتای شوروی خود به تبادل نظر پرداخت .

تفسیر وقایع مهم جهان



سرم و استعمار دست به دست هم داده میکوشند میهن انقلابی ما را در محاصره بگیرند . چه بسا ماهم جولان هائی در پیش داشته باشیم . طرح آمریکائی تریپ وایر "یک نیم دایره بزرگ از اراضی جنوب کشور ما ، در منطقه اشغال نیرو های نظامی آمریکا وارد کرده است . امروز سرنوشت جولان در آن منطقه و سر نوشت خوزستان در این سرمنطقه چنان بهم پیوند یافته اند که یکی رانمی توان از دیگری جدا کرد . برهم زدن توطئه هائی که در این منطقه در سراسر جهان بدست امپریالیسم خونخوار چیده میشود ، تنها و تنها راه سایه اتحاد و همبستگی بین نیرو های انقلابی منطقه و جهان میسر میگردد . تحکیم پیوند بین جنبش های انقلابی منطقه و کشور های سوسیالیستی پاسخی برای رویا روشی با تمام این توطئه ها است .

سفر خدام به مسکو

سوریه یکی از کشورهای ایست که در مورد لزوم همکاری با دنیای سوسیالیسم برای ایستادگی در برابر امپریالیسم و صهیونیسم ، موضع صریح و قاطع دارد . تلاش سیاستگران آمریکائی و اروپائی غربی برای بازگرداندن سوریه از راه همکاری با کشورهای سوسیالیستی ، تلاشی که در مصر و عراق به موفقیت پیوست ، تاکنون نتیجه ای ببار نیاورد . سوریه همچنان در جبهه ضد امپریالیستی باقی مانده است . بین سوریه و اتحاد شوروی در کلیه مسائل مهم سیاسی منطقه و جهان تبادل نظر دائمی صورت میگیرد . نتایج گفتگوهای خدام و گرومیکو طی اعلامیه مشترکی منتشر شده است . در این اعلامیه گفته میشود که اوضاع منطقه روند خطرناکی بخود گرفته است و باید با آن مقابله کرد . اتحاد شوروی و سوریه نقشه های آمریکا و اسرائیل را در جهت تحمیل سلطه آمریکا بر خاور نزدیک و میانه و گسترش توسعه طلبی اسرائیل علیه اعراب محکوم کردند و امضای قرار داد همکاری استراتژیک بین آمریکا و اسرائیل را توطئه خطرناکی نامیدند ، که پیامدهای آن در چارچوب منطقه خاور نزدیک و میانه نمی گنجد . طرفین در این اعلامیه قرارداد کمپ دیوید و گفتگوهای راکه بر اساس آن بین مصر و اسرائیل بر سر مسئله اصطلاح خود مختاری فلسطین انجام میگردد ، با قاطعیت رد می کنند و اعلام میدارند که برقراری صلح در منطقه بدون خروج کامل نیرو های اسرائیل از تمام مناطق اشغال شده و تشکیل دولت مستقل فلسطینی در اراضی زادوبومی این خلق میسر نیست .

اتحاد شوروی و سوریه تاکید کردند که تصمیم دارند همکاری بین دو کشور را در کلیه زمینه ها ، از جمله در رشته همکاری های نظامی ، در آینده نیز توسعه دهند و تقویت نمایند . وزیران خارجه دو کشور تلاش امپریالیسم آمریکا و متحدانش دز پیمان "ناتو" را برای مداخله در امور داخلی لهستان محکوم کردند و آنرا اقدامی خود سرانه و مغایر با موازین بین المللی نامیدند . قبلا نیز آندره گرومیکو در ضیافتی که در مسکو به افتخار عبدالحلیم خدام داده شد ، طی نطق خود به سیاست آمریکا در صحنه بین المللی اشاره کرد و گفت که رهبران آمریکا طوری رفتار میکنند که گوئی سراسر جهان و یا لااقل نصف بیشتر آنرا به تیول گرفته اند و حق دارند در همه جا خود سرانه هر کاری میخواهند بکنند سیاست مداخله آمریکا در امور داخلی کشورهای دیگر ، از جمله کشورهای منطقه خاور نزدیک و میانه موجب تشنج اوضاع بین المللی شده است . سیاست واشنگتن خیمه راه به توسعه طلبی اسرائیل است ، که الحاق جولان نمونه ای از آن است . این اعمال اسرائیل را نمیتوان به جز راه زنی بین المللی ، به چیز دیگری تعبیر کرد . عبدالحلیم خدام در پاسخ نطق آندره گرومیکو گفت : "گسترش همکاری با اتحاد شوروی هسته اصلی سیاست خارجی سوریه را تشکیل میدهد ."

بقيه در صفحه ۱۳

استفاده از تجربه انقلابیها جنبش‌های انقلابی و حکومت‌های انقلابی در شئون مختلف زندگی بدون "الگو سازی" و یاد نظر گرفتن ویژگی‌های انقلاب و جامعه انقلابی در هر کشور - برای انقلاب ما، جنبش انقلابی ما و حکومت انقلابی ما نیز یک ضرورت حیاتی است.

اینک که ما با مسئله "اصلاحات ارضی" یعنی یکی از مهمترین و حادترین مسائل اقتصادی - اجتماعی در کشور خود روبرو هستیم، مفید دانستیم که یکی از تجربیات موفق در زمینه اصلاحات ارضی - یعنی اصلاحات ارضی در جمهوری دموکراتیک آلمان - را به اطلاع خوانندگان گرامی همه علاقمندان و صاحب نظران و مسئولان برسانیم

در پی درهم شکسته شدن فاشیسم هیتلری و استقرار حاکمیت خلق بر بخش خاوری آلمان در سال ۱۹۴۵ (۱۳۲۴) ضرورت اصلاحات ارضی به عنوان یکی از اولویات مطرح شد.

از نظر سیاسی، محوسلته اقتصادی و سیاسی بزرگ مالکان ("یونکرها") در مناطق روستایی، تنها از طریق مصادره املاک آنان امکان پذیر بود، به ویژه که اینان همراه با کلان سرمایه داران، پایه عمده فاشیسم و جنگ تجاوزگرانه بودند تغییر مناسبات اجتماعی - اقتصادی بهره‌بری طبقه کارگر و استقرار نظام سوسیالیستی می‌بایست از پشتیبانی سایر زحمتکشان و بویژه دهقانان زحمتکش برخوردار می‌شد.

از نظر اقتصادی اصلاحات ارضی با توجه به از هم پاشیدگی صنایع بر اثر جنگ، وجود حدود دو میلیون آواره، ضرورت تامین کار برای افراد هم - چنین لزوم تهیه مواد غذایی برای جلوگیری از قحطی، از اولویت بر - خوردار بود.

در ارتباط با این مسائل بود که کمیته مرکزی "حزب کمونیست آلمان" در هشتم سپتامبر ۱۹۴۵، طی بیانیه‌ای که به مناسبت اصلاحات ارضی منتشر ساخت، نوشت:

"تقسیم اراضی بزرگ مالکان میان دهقانان و کارگران کشاورزی، آنان را به کشت بهتر زمین تشویق خواهد کرد و از این طریق تهیه مواد غذایی برای مردم بهبود خواهد یافت. همچنین کارگران کشاورزی، دهقانان بی زمین و مهاجرین از طریق کردهائی ها، نامه‌ها و طومار ها خواستار تقسیم اراضی متعلق به بزرگ مالکان شده بودند.

کلیه احزاب "بلوک ضد فاشیستی" یعنی "حزب کمونیست آلمان"، "حزب سوسیال دموکرات آلمان"، "حزب لیبرال دموکرات" و "اتحادیه دموکرات مسیحی" درباره ضرورت اصلاحات ارضی و مصادره املاک بزرگ مالکان و جنبشکاران جنگ توافق داشتند. قانون اصلاحات ارضی از سوم تادوازدهم سپتامبر ۱۹۴۵ جهت اجرا به ابالت‌های مختلف ابلاغ شد و با استقبال پر شور دهقانان روبرو گشت. معاصر عمده این قانون عبارت بود از:

- ۱- مصادره املاک بیش از ۱۰۰ هکتار بدون پرداخت غرامت؛
- ۲- مصادره اراضی متعلق به نازی‌ها و جنبشکاران جنگ بدون پرداخت غرامت؛
- ۳- تشکیل شوراهای منتخب جهت تقسیم اراضی میان واجدین شرایط.

بعلاوه برای اینکه بزرگ سرمایه - داری امکان رشد نیابد، قانون اجاره و فروش اراضی تقسیم شده را ممنوع میکرد. بر اثر اجرای اصلاحات ارضی دموکراتیک، ۳۲۹۸۰۰۰ هکتار از اراضی متعلق به بزرگ مالکان، جنبشکاران نازی و جنگ‌های متعلق به دولت میان واجدین شرایط تقسیم شد.

جدول ۱ تعداد و مساحت بهره برداری‌های تقسیم شده را بر حسب نوع آنها نشان میدهد:

چنانکه ملاحظه میشود، بخش عمده اراضی مشمول اصلاحات ارضی متعلق به بزرگ مالکان و جنبشکاران بود. جدول زیر گروهها و قشرهایی را که از تقسیم اراضی بهره‌مند شدند، نشان میدهد (به جدول ۲ رجوع کنید) -

\* کارگران و کارمندان به طور متوسط ۶/۰ هکتار دریافت کردند و این بیشتر بدین منظور بود که با احداث باغچه‌ها بتوانند مقداری از محصولات مورد نیاز خود را فراهم سازند.

تشکیل دادند. این گروهها کار کشاورزی را در مقیاس ده سازمان میدادند. در سال ۱۹۵۲ (۱۳۳۱) ۱۳۳۹۹۰ گسره کار با شرکت ۴۱۱۱۱۶ دهقان تشکیل شده بود. البته این نوع سازمان دهی کار هنوز به معنای تشکیل تعاونی‌های تولید نبود، ولی همین امر موجب نزدیکی دهقانان به یکدیگر شد و بعد از آن نقش مهمی در رشد جنبش تعاونی ایفاء کرد. در این گروه‌های کار، دهقانان مزایای کار جمعی را تجربه کردند.

انواع بهره برداریها	تعداد	مساحت به هکتار	درصد
بهره برداریهای خصوصی بیشتر از ۱۰۰ هکتار	۷۱۶۰	۲۵۱۷۰۰۰	۷۶
بهره برداریهای خصوصی کمتر از ۱۰۰ هکتار	۴۵۳۷	۱۳۲۰۰۰	۴
اراضی دولتی بجز جنگلها	۱۲۸۸	۳۳۸۰۰۰	۱۰
جنگل‌های دولتی	۳۸۴	۲۰۰۰۰۰	۶
بهره برداریهای متعلق به نهاد های نازی	۱۶۹	۲۳۰۰۰	۱
متفرقه	۵۵۱	۸۸۰۰۰	۳
جمع	۱۴۰۸۹	۳۲۹۸۰۰۰	۱۰۰

جدول شماره ۱

### انواع تعاونی‌های تولید کشاورزی

اساسنامه نمونه تعاونی‌های تولید کشاورزی در اواخر سال ۱۹۵۲ در مجمع عمومی روسای تعاونی‌های موجود، که در آن هنگام تعدادشان به ۱۹۰۰۰ می‌رسید تدوین شد. این اساسنامه نمونه به نحوی تهیه شد که اعضا تعاونی‌ها بتوانند، بر حسب شرایط طبیعی و اقتصادی محل و همچنین با توجه به خواسته‌هایشان، کار تعاونی را سازمان دهند.

اساسنامه نمونه پایه حقوقی تعاونی‌ها را تشکیل میدهد و علاوه بر اعلام هدف‌های کلی تعاونی‌های تولید، اصول استفاده از زمین و وسائل کار، تعاون در دامداری، شرایط عضویت، وظایف تعاونی و وظایف مدیران و اعضا، سازماندهی کار، نحوه توزیع درآمدها، شیوه مدیریت و همچنین حدود بهره برداری انفرادی را مشخص می‌سازد.

با توجه به شرایط طبیعی، اجتماعی و اقتصادی و همچنین وضع تجهیزات و تاسیسات محلی موجود، تشکیل سه نوع تعاونی تولید کشاورزی به تصویب رسید. تفاوت این سه نوع تعاونی، که به تعاونی‌های نوع اول دوم و سوم معروفند، در درجه استفاده

مقدار و کیفیت کار انجام شده توسط اعضا و ۴۰ درصد آن بر حسب مقدار و کیفیت زمینی که اعضا در اختیار تعاونی قرار داده بودند.

**تعاونی‌های نوع دوم:** در تعاونی‌های نوع دوم، اعضا علاوه بر زمین - های زراعی، ماشین آلات، سایر ابزارها، گاودارها، انبارها، مراعات و جنگل‌ها را در اختیار تعاونی قرار میدادند. سایر احشام و اصطبلها در مالکیت فردی باقی می‌ماند. در این نوع تعاونی‌ها، حاصل کشت و کار، پس از کسر هزینه‌ها و وجوهی که برای سرمایه‌گذاری در نظر گرفته میشد، به ترتیب زیرین تقسیم میگردد.

۷۰ درصد درآمد خالص بر حسب مقدار و کیفیت کار انجام شده توسط اعضا و ۳۰ درصد آن بر حسب مقدار و کیفیت زمینی که در اختیار تعاونی قرار داده شده بود.

گذار از تعاونی‌های نوع دوم به تعاونی‌های نوع سوم به سرعت انجام گرفت.

**تعاونی‌های نوع سوم:** تعاونی‌های نوع سوم تکامل یافته‌ترین شکل تعاونی تولید کشاورزی و دامی هستند. امروزه کلیه تعاونی‌ها از این نوعند. در این تعاونی‌ها، اعضا زمینها (زمین کشاورزی، مراعات، جنگل‌ها) احشام، وسائل تولید

# اصلاحات ارضی

# دمکراتیک (قسمت اول)

جدول شماره ۲

دریافت کنندگان زمین	تعداد	مساحت به هکتار	درصد	ساحت متوسط واگنارنده بهره‌بردار هکتار
دهقانان بی زمین و کارگران کشاورزی	۱۱۹۱۲۱	۹۳۲۰۰۰	۴۳	۷/۸
مهاجرین	۹۱۱۵۵	۷۶۳۰۰۰	۳۵	۸/۴
دهقانان کم زمین	۸۲۴۸۳	۲۷۵۰۰۰	۱۲	۳/۳
دهقانان اجاره دار	۴۳۲۳۱	۴۲۰۰۰	۲	۱
کارگران و کارمندان *	۱۸۲۲۶۱	۱۱۵۰۰۰	۵	۰/۶
دهقانان سالخورده *	۳۹۸۲۸	۶۳۰۰۰	۳	۱/۶
جمع	۵۵۹۰۸۹	۲۱۹۰۰۰۰	۱۰۰	۳/۸
دولت	---	۱۱۰۸۰۰۰		
جمع کل		۳۲۹۸۰۰۰		

ساختن آنها (انبارها، اصطبل) را در اختیار تعاونی قرار میدهند. درآمد خالص تعاونی به نسبت حداقل ۸۰ درصد جهت کار انجام شده و حداکثر ۲۰ درصد برای زمینی که در اختیار تعاونی قرار داده شده، میان اعضا تقسیم میشود. ماهانه مبلغی بطور علی الحساب به اعضا پرداخت میگردد.

### اداره تعاونی‌ها

یکی از شرایط اساسی رشد تعاونی‌ها، نحوه اداره آنهاست. کلیه اعضا، اعم از زن و مرد، با حقوق برابر در اداره تعاونی‌ها شرکت میکنند و می‌توانند در پست‌های مدیریت انجام وظیفه کنند. ارکان عالی تعاونی مجمع عمومی اعضا است، که مسائل تعیین کننده‌ای از قبیل نحوه پرداخت مزدها سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه تولید را مورد بحث و بررسی قرار میدهد. مجمع عمومی همچنین کمیته مدیریت و رئیس تعاونی را بر میگزیند. هر عضو، صرف نظر از میزان مشارکتش در تعاونی، یک رای دارد. کمیته مدیریت و رئیس تعاونی در مقابل مجمع عمومی مسئول هستند. مجمع عمومی همچنین یک کمیسیون نظارت را بر می‌گزیند، که وظیفه آن نظارت بر حسن اجرای تصمیمات مجمع عمومی، و رعایت اساسنامه است. به منظور مشارکت هر چه گسترده تر اعضا در اداره تعاونی، کمیسیون‌های مختلفی تشکیل شده‌اند، که هر یک موضوع خاصی را مورد بررسی قرار میدهند، از آنجمله کمیسیون اراضی، کمیسیون دستمزد، کمیسیون زنان، کمیسیون جوانان و غیره. هم چنین برنامه سازمان تولید در گروه‌های کار مورد بحث و بررسی قرار میگیرند و هر کس میتواند پیشنهادها و انتقادات خود را ارائه دهد.

مشترک از وسائل تولید و نیروی کار و همچنین نحوه تقسیم درآمد است. بدین ترتیب، دهقانان امکان یافتند که کار تعاونی را از سطح پایین و ساده آغاز کنند و به درجه‌های پیشرفته تر و پیچیده تر آن ارتقاء یابند.

**کمیته‌های دولت به تعاونی‌ها**  
دولت جمهوری دمکراتیک آلمان از طریق اعمال سیاست‌ها، بقیه در صف

\* بخشی از جنگل‌های میان دهقانان سالخورده تقسیم شد.

به خاطر شرایط تاریخی و بعثت تعلق خاطر دهقانان به مالکیت خصوصی، که از نسل‌های پیشین به جا مانده بود، در آلمان دمکراتیک زمین ملی نشد، بلکه اراضی تقسیم شد و به مالکیت شخصی دهقانان درآمد و حق انتقال آن از طریق وراثت محفوظ ماند.

نکته حائز اهمیت دیگر این است که، اصلاحات ارضی به تقسیم زمین خلاصه نشد، بلکه ماشین آلات، دامها و ساختمان‌های موجود نیز میان دهقانان تقسیم شد.

در جریان اصلاحات ارضی، بزرگ مالکان به انحاء مختلف کوشیدند که از فعالیت کمیسیون‌های تقسیم اراضی جلوگیری بکنند، حتی در مواردی که سوء قصد به جان اعضا کمیسیون‌ها و همچنین تهدید دهقانان دست زدند اما مقاومت دهقانان موجب شد که این توطئه‌ها در نطفه خفه شوند.

اصلاحات ارضی ۱۹۴۵ (۱۳۲۴) یک انقلاب کشاورزی دمکراتیک بهره‌بری طبقه کارگر بود، که با اجرای آن راه حل سوسیالیستی مسئله کشاورزی در آینده تسهیل شد. اصلاحات ارضی دمکراتیک همچنین پاسخگوی "قرار - داد پتدام" در زمینه ریشه کن ساختن نازیسم و گسترش دمکراسی بود. با نابودی یونکرها، دژهای امپریالیسم و میلیتاریسم در روستاها نیز از بین رفت.

### پیدایش

### تعاونی‌های تولید کشاورزی

مدتی پس از اصلاحات ارضی، بسیاری از کشاورزان با این واقعیت روبرو شدند که، ساختار ارضی ناشی از اصلاحات ارضی مانع استفاده عقلانی از وسائل فنی است. در سال ۱۹۵۱ (۱۳۳۰)، چهار پنجم بهره برداری‌های کشاورزی (تعداد کل بهره برداری‌ها ۸۶۸۴۹۰ بود) هر یک کمتر از ۱۰ هکتار زمین داشتند و اکثر آنها در چند قطعه دور از هم. با این شرایط استفاده از اسلوب‌های علمی پیشرفته ناممکن بود، در حالیکه رشد کشاورزی و نیازهای جامعه ایجاب میکرد که مجموع تولید و بارآوری آن افزایش یابد. در این شرایط بود که دهقانان بسیاری از روستاها گروه‌های کار

## طرح مبارکه

## چگونه بوجود آمد؟

طی موافقتنامه‌ای که بین دولت ایران، به نمایندگی مهدوی وزیر بازرگانی وقت، و دولت ایتالیا در تاریخ ۷ ژوئن ۱۹۷۴ (۱۷ خرداد ۱۳۵۲) در شهر رم به امضا رسید، توافق شد که چند طرح بزرگ به شرکت‌های ایتالیایی واگذار شود. بزرگترین این طرح‌ها پروژه مجتمع فولاد ساری بندر عباس بود، که هزینه اجرای آن در آن تاریخ ۳ میلیارد دلار برآورد گردیده بود و بعداً تا حدود ۵ میلیارد افزایش یافت. ( علت افزایش آن بود که قسمتی از ماشین-آلات و تجهیزات، بخصوص تاسیسات احیای مستقیم، برای تبدیل سنگ آهن به آهن اسفنجی، مایبایستی از شرکت‌های دیگری که انحصار این واحدها را در اختیار دارند، خریداری کرد؛ و علاوه بر آن، بابت هزینه‌های خدمات فنی و حتی حق لیسانس و نظایر آن نیز مبلغی جزو هزینه‌های پروژه منظور شد.)

پيرو موافقتنامه‌ای که بین نمایندگان دو دولت به امضا رسید، بین شرکت ملی فولاد ایران و شرکت فنیسیدر ایتالیا موافقتنامه اجرائی برای احداث مجتمع فولاد ساری بندر عباس برای تهیه ورق فولاد، بطریق نورد گرم و نورد سرد، مبادله گردید. در این موافقتنامه شرکت فنیسیدر تحویل قسمت مربوط به احیای مستقیم را بعهده نگرفت و تنها تأمین ماشین آلات و تجهیزات مربوط به مرحله ذوب آهن اسفنجی (آهن احیا شده) تا پایان مرحله نورد جزء موافقتنامه بود.

به موجب گزارش شرکت ملی فولاد ایران، طرح توجیه فنی و اقتصادی ۶ ماه بعد، یعنی در دیماه سال ۱۳۵۲ تکمیل گردید، که بر اساس آن طرح کلی مجتمع فولاد بندر عباس تهیه شده در شهریور ماه ۱۳۵۴ به تصویب سازمان برنامه و بودجه رسید. در اینجا تذکر این نکته لازم است که تهیه طرحی با چنین وسعت، در مدتی در حدود ۸-۷ ماه، معمولاً قابل تأمل است. تهیه چنین طرح‌هایی با دقت‌هایی که باید در باره آن به کار رود، بعد از تصویب گزارش توجیهی فنی و اقتصادی در شرایط عادی مدتی در حدود ۲ سال وقت لازم دارد. در حالیکه در تهیه طرح مجتمع مبارکه، تنها در حدود ۶ ماه برای تهیه گزارش فنی و اقتصادی و در حدود ۸-۷ ماه برای تهیه طرح کلی وقت صرف شده است. با این وضع معلوم نیست که در این فرصت کوتاه ۸-۷ ماهه، برای مجتمع عظیمی با تکنولوژی جدید احیای مستقیم، که هنوز بدستی آزمایش نشده است، و تاسیسات بزرگی مجهز به نورد گرم و سرد ورق، چگونه طرح کلی فنی آماده شده و چه مرجع ذی صلاحیتی و در چه فرصتی آنرا تصویب نموده است. لازم به یادآوری است که جمع مدت صرف شده برای تهیه این طرح کلی و تصویب آن بوسیله سازمان برنامه و بودجه در حدود ۸ ماه بوده است.

از نظر فنی با هیچ مبنایی نمی توان پذیرفت که در مدت کوتاهی در حدود یکسال بتوان کلیه اطلاعات مورد نیاز برای تهیه گزارش توجیهی فنی و اقتصادی، ارقام و اعداد مربوط به قیمت مواد و مصالح در داخل و خارج کشور، اطلاعات فنی لازم برای تهیه طرح‌های فنی و انجام محاسبات و تهیه نقشه‌های لازم را گردآوری کرد و بر اساس آنها، گزارش تهیه جسمی فنی و اقتصادی و گزارش کلی طرح را تنظیم و ارائه نمود. جالب اینکه در همین مدت نیز کارفرما باید این گزارش‌ها را رسیدگی کند و مورد تصویب قرار دهد.

طبق گزارش شرکت ملی صنایع فولاد ایران، پس از تصویب طرح، به موجب قراردادی انجام امور مهندسی آن بعهده شرکت ایتالیا ایمپیانسی

( Ital Impianti ) وابسته به

شرکت فنیسیدر واگذار میشود. اکنون این سؤال مطرح میگردد که اگر انجام امور مهندسی طرح بعهده شرکت ایتالیا ایمپیانسی واگذار شده و این واگذاری بعد از تهیه طرح فنی بوده است، پس کدام موسسه ذی صلاحیت و بر طبق کدام قرارداد قبلاً از واگذاری امور مهندسی طرح به شرکت نامبرد متبیه گزارش‌های توجیهی و فنی را بعهده داشته است؟ آیا طرح چنین سرمایه‌گذاری عظیمی، که بدین نحو غیر قابل اطمینان تنظیم گردیده و مسئول تهیه آن و دستگاه تصویب کننده آن مجهول اند، میتواند آینه مطمئنی را برای این صنعت مادر تأمین نماید؟ متأسفانه تاکنون پاسخ مثبتی برای این سؤال اساسی پیدا نشده است

عجیب تر و ناراحت کننده تر آن که، در سال ۱۳۵۵ موافقتنامه دیگری با شرکت فنیسیدر منعقد میگردد که به موجب آن، همان موسسه‌ای که امور

مهندسی طرح را بعهده گرفته است، یعنی شرکت ایتالیا ایمپیانسی، عهده دار تحویل ماشین آلات و تجهیزات مجتمع میشود. بدین ترتیب، موسسه ای که باید مشخصات تجهیزات و ماشین آلات را تعیین نماید و فروشنده ماشین آلات، که باید بر اساس این مشخصات کالا را تحویل دهد، به یک موسسه واحد تبدیل میشوند.

معمولاً موسسه‌ای که امور مهندسی طرح را بعهده دارد، موظف است نظارت نماید که شرکت فروشنده، ماشین آلات و تجهیزات را بر طبق مشخصات طرح تحویل دهد؛ لذا این دو موسسه در مقابل یکدیگر قرار دارند، در حالی که در این قرارداد تهیه کننده مشخصات تحویل دهنده تجهیزات و نظارت کننده بر صحت و انطباق کالا-های تحویل شده با مشخصات، همگی در یک شرکت جمع شده‌اند و معلوم نیست چه دستگاهی حافظ منافع مادر مقابل فروشنده خواهد بود.

ممکن است عنوان شود که کارشناسان شرکت ملی فولاد ایران عهد دار نظارت بر امر تحویل تجهیزات خواهند بود. ما امیدواریم روزی برسد که کارشناسان ما، با بدست آوردن تجربه کافی بتوانند از عهده این امر خطیر برآیند. لیکن در شرایط کنونی که کارشناسان جوان کشور ما با اولین طرح بزرگ فولاد سازی، آنهم با تکنولوژی جدید احیای مستقیم، روبرو هستند، با وجود علاقه شدیدی که به حفظ منافع کشور خود دارند، شاید به آسانی نتوانند از سودجویی های شرکت طرف قرارداد و دوزولگی های سازندگان تجهیزات و ترندهای موسسه‌ای که، بر اساس طرحی که خود تهیه میکند، ماشین آلات را تحویل میدهد، آنطور که شاید و باید جلوگیری کنند.

مسئولیتی که بعد از انقلاب این قرارداد را، که هنوز تنفیذ نشده بود، مورد رسیدگی قرار دادند، لازم بود که، قبل از هر اقدامی، جهت رفع این مشکل مهم اقدام نمایند و در گزارشی که برای تنفیذ قرارداد به شورای انقلاب تقدیم کردند، میبایستی این نقیصه منعکس گردد و به اطلاع شورای انقلاب برسد، تا با توجه به آن، رهنمودهای لازم را صادر کنند. گویا مسئولین مربوطه به مشاوره شرکت

ایرتیک تنکی هستند، که خود باهم کاری و مشارکت شرکت ایتالیایی ایتالیا ایمپیانسی تشکیل شده است. ولی بدیهی است که از وجود کارشناسان ایتالیایی نمیتوان برای حفظ منافع کشور، در برابر شرکتی که این کارشناسان وابسته به آن هستند، دفاع نمود.

قبل از انقلاب، طبق موافقت نامه‌ای که برای تأمین اعتبارات طرح بین شرکت ملی فولاد ایران و سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۵۷ به امضا رسیده است، مجموع هزینه طرح در حدود ۲۱۴ میلیارد ریال پیش‌بینی شده بود و با شرکت ایتالیا ایمپیانسی تعداد ۲۸ قرارداد مستقل و مجزا از یکدیگر برای خرید ماشین آلات و انجام خدمات مهندسی منعقد گردیده بود.

مجموع مبلغ این قراردادها در حدود ۸۶ میلیارد ریال (برابر تقریباً ۱/۲۲۷ میلیارد دلار) بوده است، که اگر قیمت بقیه ماشین آلات و تجهیزات و قسمت مهم آن واحدهای احیای

مستقیم است و باید از موسسات دیگری خریداری شود، به این مبلغ اضافه گردید قیمت کل ماشین آلات و تجهیزات در حدود ۱۱۲ میلیارد ریال (برابر تقریباً ۱/۶ میلیارد دلار) بالغ خواهد شد. پس از انقلاب، مجدداً در سال ۱۳۵۸ هزینه طرح مورد رسیدگی قرار میگردد و در قیمت‌ها تجدید نظر می‌شود و سازمان برنامه و بودجه با هزینه

طرح بمبلغ ۳۰۳/۹ میلیارد ریال موافقت می‌کند. این بدین معنی است که در فاصله حدود یک سال، هزینه طرح تقریباً ۴۵ درصد افزایش می‌یابد، بدون اینکه دلیل منطقی برای توجیه آن وجود داشته باشد.

با اینکه شرکت ملی فولاد ایران در شهریور ماه ۱۳۵۶ قرارداد‌های خرید ماشین آلات را، که با شرکت ایتالیا ایمپیانسی منعقد گردیده است، تنفیذ می‌کند (باتوجه به اینکه هر موسسه معتبری برای تهیه نقشه‌های اجرائی ساخت این قبیل تجهیزات و ماشین آلات پیچیده و عظیم باید حداقل دو سال وقت صرف نماید) شرکت ملی فولاد ایران در سال ۱۳۵۸ به شورای اقتصاد گزارش داده است که ساخت ماشین آلات توسط فروشنده از اواسط سال ۱۳۵۶ آغاز شده و مبلغ ۸۵۵ میلیون دلار از ماشین آلات مجتمع فولاد بندر عباس، به کارخانجات ماشین سازی مختلف سفارش قطعی داده شده است. مسئولین شرکت ملی فولاد ایران، بدون توجه به این امر که نمیتوان بدون تهیه طرح‌ها و نقشه‌های اجرائی بلافاصله شروع به ساخت ماشین آلات نمود و از اواسط سال ۱۳۵۶ تا اوایل ۱۳۵۸، یعنی در مدتی کمتر از دو سال، غیرممکن است نقشه‌های اجرائی ساخت ماشین آلات و تجهیزات را آماده کرد و آنها را ساخت و در حدود ۷۰ درصد آنها سفارش قطعی داد، و بدون رسیدگی دقیق به ادعای فروشنده، در گزارش خود به شورای اقتصاد اظهار نظری نکند که، در صورت عدم تنفیذ قرارداد، احتمالاً مبلغی در حدود ۹۶۶ میلیون دلار باید به فروشنده پرداخت شود. بر اساس چنین گزارشی موافقت شورای اقتصاد برای تنفیذ قرارداد و ادامه آن و ضمانت تغییر محل آن از بندر عباس به مبارکه، جلب می‌شود.

## برای نجات صنایع فولاد کشور از بحر انهای آتی از هم اکنون باید چاره اندیشید (۲)

در تاریخ تیرماه ۱۳۵۸ شوروی اقتصاد تصمیم مربوط به انتقال پروژه فولاد بندر عباس به مبارکه و مذاکره با شرکت ایتالیا ایمپیانسی برای تجدید نظر در قرارداد‌های فیما بین را به شرکت ملی فولاد ایران ابلاغ می‌کند و شورای انقلاب نیز رهنمود لازم راجعت مذاکره با فروشنده و گرفتن تخفیف بابت قیمت ماشین آلات، صادر مینماید. پس از این مذاکرات و تجدید نظرها، مبلغ قرارداد از ۱/۲۲۷ میلیارد دلار به مبلغ ۱/۲۲۵ میلیارد دلار افزایش می‌یابد و با این ترتیب گرفتن تخفیف از فروشنده عملاً منتفی میشود. لازم به یادآوری است که از مبلغ ۳۰۳/۹ میلیارد ریال (برابر ۴/۳۴ میلیارد دلار) که آخرین برآورد هزینه طرح است (در صورتی که بعداً تغییری پیدا نکند) مبلغ ۱۶۴ میلیارد ریال (برابر ۲/۳۴ میلیارد دلار) آن هزینه‌های ارزی طرح است، که بابت بهای ماشین-آلات و تجهیزات و خدمات فنی و بهره‌های به فروشنده فعلی و سایر فروشندگان

بابت بهای تجهیزات باقی مانده، پرداخت میشود و باقی آن - در حدود ۱۴۰ میلیارد ریال (برابر ۲-۳ میلیارد دلار) - هزینه ساختمان و نصب مجتمع است؛ از این مبلغ نیز قبلاً در نظر داشته‌اند مبلغی ارزش بابت نصب تجهیزات به پیمانکاران خارجی پرداخت نمایند.

## تاریخچه های طرح مبارکه

مطالب فوق خلاصه‌ای است از جریان انعقاد موافقتنامه و قرارداد-های مربوطه با شرکت‌های ایتالیایی و برنامه‌های آتی برای خرید مابقی تجهیزات از شرکت‌های انحصاری چند ملیتی دیگر. اینک به توضیح نارسائی های طرح مبارکه می‌پردازیم:

## ۱- تشدید وابستگی

این طرح وابستگی کاملی به انحصارهای ایتالیایی، آلمان غربی، اطریشی و احتمالاً آمریکائی دارد. زیرا تاسیسات مربوط به واحدهای احیای مستقیم آن باید از یکی از سه یا چهار شرکت انحصاری، که تاسیسات مجتمع فولاد اهواز را فروخته و تاکنون آنرا نیمه تمام رها کرده‌اند، خریداری گردد. هم اکنون تکمیل واحدهای احیای مستقیم مجتمع فولاد اهواز در گر و اراده شرکت‌های انحصاری آلمان غربی، آمریکایی و ژاپنی است، و معلوم هم نیست که سرنوشت نهائی آن چه خواهد بود. بنابراین، طرح مجتمع مبارکه، از لحاظ واحدهای اصلی احیای مستقیم، مسلماً گرفتار انحصارات چند ملیتی نظیر تیسین، کورف، سوییندل در سلر و فوست خواهد بود، و از طریق سایر تجهیزات از قبیل کوره‌های برقی و ماشین‌های ریخته‌گری و نورد و تجهیزات فرعی مکانیکی و برقی آنها، تابع شرکت‌های دیگری است که شرکت فروشنده ایتالیایی، بصورت واسطه، ساخت آنها را به آن شرکت‌ها سفارش میدهد.

شرکت ایتالیا ایمپیانسی، که تنها یک موسسه مشاور و طراح است، ناچار است سفارش ساخت تجهیزات و ماشین آلات طرح را به شرکت‌های سازنده دیگری، که غالباً ایتالیایی هم نیستند، واگذار کند. بعنوان مثال میتوان یاد آورد که شرکت ایتالیا سیدر، که یک شرکت فولاد سازی و وابسته به شرکت

فنیسیدر است، تجهیزات مربوط به واحدهای نورد گرم و نورد سرد کارخانجات خود را از کارخانجات سازنده آمریکا و آلمان غربی خریداری نموده است. بنابراین، روشن است که شرکت ایتالیا ایمپیانسی ناچار است ساخت تجهیزات نورد سرد و گرم مجتمع فولاد مبارکه را نیز، به چنین موسساتی سفارش دهد. با این ترتیب، مهمترین طرح فولاد سازی نورد ورق کشور جلانگاه شرکت‌های مختلف آلمان غربی، ایتالیایی، اطریشی، آمریکایی و ژاپنی و غیره خواهد بود، و ما برای تهیه هر قطعه از وسائلی که فرسوده میشود و لوازم یدکی مورد نیاز، باید دست به دامان این شرکت‌ها بشویم و استقلال صنعتی خود را فدای این گونه قراردادها نمائیم.

## ۲- مسایل مالی و اقتصادی طرح

به موجب اطلاعاتی که از منابع مختلف بین المللی، بشرح زیرین، به دست آمده است:

- گزارش مرکز بین المللی بررسی های صنعتی سازمان ملل متحد (UNIDO)

- گزارش راجع به طرح فولاد -

سازی به روش احیای مستقیم در فطر -

گزارش راجع به طرح فولاد -

سازی (Nkk Ohgishima) در ژاپن -

گزارش راجع به طرح توسعه کار -

خانه فولاد سازی شرکت ملی فولاد

برزیل - بررسی های Daniel Rivet

لستاد دانشگاه اقتصاد و حقوق پاریس،

مربوط به سال ۱۹۷۸ و همچنین کار -

شناسان دانشگاه آخن آلمان فدرال -

و پس از انجام اصلاحات لازم در این

گزارشها، و با رعایت شرایط قرار -

داد مجتمع فولاد مبارکه از نظر -

محاسبه افزایش قیمت‌ها بر اثر تورم و

همچنین نوع محصول و طریقه تولید،

چنین نتیجه میشود که: برای احداث

کارخانه‌های فولاد سازی، که محصول

نهایی آنها انواع ورق باشد (با استفاده

از روش احیای مستقیم) به نسبت هرتن

ظرفیت تولیدی، مبلغ سرمایه ثابت

طرح بین ۷۵۰ تا ۷۵۰ دلا راست بر

این مبنا و با در نظر گرفتن حداکثر

۷۵۰ دلار، نتیجه میشود که: سرمایه

ثابت طرح مجتمع فولاد مبارکه به

ظرفیت سالانه حدود ۴/۲ میلیون تن

انواع ورق، میبایستی حداکثر مبلغ

۱/۸ میلیارد باشد؛ در حالیکه به

موجب گزارش‌های مختلف شرکت ملی

فولاد ایران، سرمایه ثابت طرح مزبور،

پس از کسر بهره وام و قیمت تجهیزات

اضافی که برای بندر عباس خریداری

شده و واکنون مورد نیاز نیست، مبلغی

در حدود ۲/۷ میلیارد دلا راست

بنابراین، قیمت طرح مبارکه در حال

حاضر در حدود دو برابر قیمت های

بین المللی است، یعنی برای انجام

این طرح، بر اساس قراردادی که با

شرکت‌های ایتالیایی منعقد شده است

و با شرکت‌های دیگر منعقد خواهد شد،

بابت قیمت تجهیزات و کارهای

ساختمانی و نصب میبایستی کلاملفی

در حدود ۱/۹ میلیارد دلار اضافه

پرداخت نمود. از این مبلغ اضافه،

حدود ۵% آن مربوط به قیمت ماشین-آلات

و تجهیزات و خدمات فنی است. (اعم از آنچه در قرارداد با ایتالیایی ها منظور شده و آنچه در آینده برای تاسیسات احیای مستقیم و مابقی ماشین آلات باید پرداخت شود)، که بصورت ارزی خارجی به فروشندگان پرداخت شود. با این ترتیب، طبق این قراردادها، تنها بابت خرید ماشین آلات و خدمات فنی از شرکت‌های خارجی، باید مبلغی در حدود ۹۰ میلیون دلار اضافه از بیت‌المال به شرکت‌های چند ملیتی، پرداخت نمود.

به موجب اظهارات دست‌اندر-کاران شرکت ملی فولاد ایران، که قبل از انقلاب در تنظیم این قراردادها شرکت داشته‌اند و هنوز نیز مسئولیت‌هایی را بعهده دارند، در بررسی قیمت‌های پیشنهادی شرکت ایتالیا ایمپیانسی، از نظریات شرکت انگلیسی بریتیش استیل (British Steel) استفاده شده است. بنظر ما، با در نظر گرفتن منافع وسیاست مشترک این شرکت -

ترکیه - پایگاه ضد انقلابیون فراری ایران (۲)

وکودتاجیان آمدند...

پس از کودتای ۲۵ شهریور ۵۹ (۱۱ سپتامبر ۱۹۸۰) در ترکیه نهاد های قانونی نامبرده به تعلیق درآمد. ژنرال کنعان اورن ریاست حکومت و شورای امنیت ملی را بدست گرفت. این شورا از ۶ ژنرال و شورای وزیرانی مرکب از ۲۷ عضو تشکیل می شود. در شورای وزیران نیز ۷ ژنرال سمت های کلیدی را بدست دارند. کودتاجیان ترکیه تاکنون بارها وعده "بازگشت به دموکراسی" زایه مردم داده اند. اورن، از جمله، در دیماه ۱۳۶۰ (ژانویه ۸۲) اعلام کرد که انتخابات پارلمانی در آن کشور در پاییز ۱۳۶۲ (۱۹۸۳) برگزار خواهد شد. به گفته وی، اکنون قانون اساسی در حال تدوین است و هم- برسی درباره آن پیش از پاییز ۱۳۶۱ (نوامبر ۱۹۸۲) صورت خواهد گرفت آنچه مسلم است، رژیم ترکیه دیکتاتوری خود را دو سال تمدید کرده است.

احزاب سیاسی و سازمانهای اجتماعی

"حزب کمونیست ترکیه" (Turkiye Komunist Partisi - TKP) این حزب بیش از ۶۰ سال پیش (۱۹۲۰) تاسیس یافت و، به جز سه سال نخست حیات خود، همیشه محبور به فعالیت زیرزمینی بوده است. "حزب کمونیست ترکیه" در راه تشکیل جنبه واحدی، که همه نیروهای میهن دوست ترکیه را دربر گیرد، می رزمند. هدف حزب عبارت است از: مبارزه در راه استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی. شعارهای کونی "حزب کمونیست ترکیه" از جمله عبارتست از خروج ترکیه از "ناتو" و برجیده شدن همه پایگاه های نظامی بیگانه از خاک این کشور. دبیر اول کمیته مرکزی "حزب کمونیست ترکیه" بیلن است. "حزب عدالت" (Adalet Partisi - AP) این حزب پس از انحلال "حزب دمکرات" مدرس، بیست سال پیش (۱۹۶۱) تاسیس یافت. "حزب عدالت" مهم ترین حزب نماینده منافع کلان بورژوازی است، که با بزرگ مالکان نیز پیوندهایی دارد. رهبر این حزب سلیمان دمیرال است. "حزب جمهوری خلق" (Cumhuriyet Halk Partisi - CHP) این حزب را کمال آتاتورک، نخستین رئیس جمهور ترکیه (در سال ۱۹۲۳) پایه گذاشت. "حزب جمهوری خلق" سالها (تا سال ۱۹۵۰) حزب حاکم ترکیه و سپس در زمان رژیم مدرس پایار در اقلیت بود. در نیمه نخست دهه ۶۰ (۶۵-۱۹۶۱) عصمت اینونو (İsmet İnönü) رهبر این حزب، ریاست چندین دولت ائتلافی را به عهده داشت. بعدها "حزب جمهوری خلق" زیر رهبری بولنت اچوییت (Bülent Ecevit) برنامه های سوسیال دمکراتیک و رفهرمیستی را اتخاذ کرد و دوبار (در انتخابات ۱۹۷۳ و ۱۹۷۷) اکثریت نسبی آراء را بدست آورد. دیگر احزاب بورژوازی ترکیه عبارتند از: "حزب اعتماد جمهوری" (Cumhuriyetçi Güven Partisi) "حزب جنبش ملی"، "حزب عافیت ملی" و "حزب نظم ملی". سه حزب

آخر، احزاب راست گرای افراطی هستند. "حزب کارگر ترکیه" (Turkiye İşçi Partisi - TIP) حناچی از سندیکا های استانبول پایه نهاد. "حزب کارگر ترکیه" بخشی از کارگران، دهقانان، روشنفکران مرفقی و نمایندگان بورژوازی کوچک و میانه را در بر می گیرد. این حزب، از جمله، خواهان رشد غیر سرمایه داری، مشی ضد امپریالیستی، گسترش بخش دولتی و اصلاحات ارضی بنیادی است. "حزب کارگر ترکیه"، که ۱۵ نماینده در پارلمان داشت، ۱۰ سال پیش (۱۹۷۱) غیر قانونی اعلام شد، ولی چهار سال بعد (۱۹۷۵) از نو تاسیس گردید.

"حزب سوسیالیست کارگری ترکیه" در سال ۱۹۷۴ پایه گذاری شد. پس از ۱۹۷۹ و بویژه پیش از کودتای ۱۳۵۹ (۱۹۸۰) در ترکیه بحثی در باره وحدت میان "حزب کارگر ترکیه"، "حزب سوسیالیست کارگری ترکیه" و "حزب کمونیست ترکیه" و غیره جریان داشت. هر چند احزاب چپ ترکیه ارزیابی های گوناگونی از ماهیت "خونناکی نظامی کونی دارند ("حزب کمونیست ترکیه"، بخلاف "حزب کارگر ترکیه"، دارودسته حاکم را "فاشیستی" نمی داند)، همه آنها در مبارزه با اختناق و در راه استقرار دموکراسی متحده هستند. نخستین سندیکاهای متمرکز نخستین بار پس از جنگ دوم جهانی در ترکیه پدید آمد. نزدیک به ۳۰ سال پیش (۱۹۵۲) "کنفدراسیون سندیکاهای کارگری ترکیه" (Turkiye İşçi Sendikaları Konfederasyonu - TİSK) بنیان یافت. این کنفدراسیون بیشتر سندیکاهای کارگری را در بر می گیرد و نزدیک به یک میلیون نفر عضو دارد. "کنفدراسیون سندیکاهای کارگری ترکیه" از آغاز از پشتیبانی دولت برخوردار بود و در باصطلاح "فدراسیون بین المللی سندیکاهای آزاد" عضو است. برخی از سندیکاهای ترکیه در کنفدراسیون سندیکاهای انقلابی ("Devrimci İşçi Sen - DİSK) عضویت دارند، که سیاست سندیکایی آن بر پایه طبقاتی استوار است.

گوشه ای از سیاست داخلی و خارجی رژیم ترکیه

موج ترور و اختناق در ترکیه، به ویژه از پاییز ۱۳۵۸، در دوران حکومت دمیرال، روز به روز رو به گسترده می نماید. حتی پیش از کودتای ۲۵ شهریور ۱۳۵۹ (۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰) فعالیت بسیاری از سازمانهای دمکراتیک - از جمله "اتحادیه جوانان مرفقی" (İGD)، "اتحادیه کارمندان" (TUMDER)، "اتحادیه کارمندان فنی" (TUTED)، "اتحادیه کارمندان پلیس" (POLDER)،

\* دایره ضد چریکی "ترکیه را ماموران "سیا" و عمال "مافیا" رهبری می کنند. \* چگونه فاشیست ها در میان مردم سنیزه مذهبی بر می انگیزند. \* تنها در مدت دو سال ۲۵۰۰ تن از مردم ترکیه قربانی تروریسم شدند. \* ۳۰۰۰۰ تن از مردم ترکیه در زندان های کودتاجیان بسر می برند. \* نخستین گزارش کودتای ترکیه از وزارت خارجه آمریکا شنیده شد.

از سوی دیگر، به گفته اورخان آپ آیدین (Orhan Apaydin)، رئیس "انجمن حقوقدانان استانبول" (در کنفرانس مطبوعاتی ۷ مه ۱۹۸۰): "هیچ کس نمی داند که چند نفر محاکمه و چندتن آزاد می شوند. بستگان زندانیان خبری از محل اقامت آنان دریافت نمی دارند. شواهد فراوانی در دست ماست که، بر پایه آنها، بازجویی از بازداشت شدگان سیاسی با شکنجه همراه است. بدگفته گواهان، زندانیان لخت روی زمین خوابانده می شوند و بر روی آنها آب یخ می پاشند. شکنجه گران آنگاه الکترود بر روی آلت تناسلی، چانه و گوش آنها می گذارند و با سیگار پوست آنها را می سوزانند. بارها چوب در زندانیان فرو برده میشود. فلکه کردن آنها شکنجه های بسیار عادی است. این شکنجه های درد منشا آنقدر ادامه می یابد، تا زندانی "توبه نامه" ای از پیش آماده شده را امضا کند. وی در صورت خودداری تهدید می گردد که اعدام یا از پنجره به بیرون پرت خواهد شد. البته این تهدید پدید نیست. تاکنون اجساد بسیاری از زندانیان در حیاط زندان ها پیدا شده است. پلیس در این موارد همیشه از "خودکشی" سخن گفته است."

پیوند سازمانهای امنیتی "ترکیه با "سیا" هدف از موج ترور دولتی آن بود که، زحمتکشان ترکیه و سازمانهای آنها را به تسلیم بلا شرط و ادا سازد. این وظیفه سرکوبگرانه را بویژه "دایره ضد چریکی"، "سازمان اطلاعات ترکیه" (MIT)، پلیس و سازمانهای فاشیستی گوناگونی چون "حزب جنبش ملی" (MHP) یا "گرگهای خاکستری" آن و سندیکای فاشیستی "میسک" (MİSK) ایفا می کردند. "دایره ضد چریکی"، که نام رسمی آن "دایره" "حنگهای ویژه"

است، در اواسط سالهای ۶۰ به طور محرمانه در ستاد ارتش پایه گذاشته شد. هدف این دایره تدارک نیرو - های مقاومت در صورت تجاوز خارجی یا قیام... مخالفان سیاسی و اجتماعی علیه نظام کونی تعیین گردیده است. "دایره ضد چریکی" راز ترالهای ارتش، "امنیتی های برحسته" ترکیه، ماموران "سیا" و عمال "مافیا" رهبری می کند. مرکز دایره، نامبرده در استانبول است، ولی در همه نقاط



ترکیه و دوایر ارتش و پلیس شعبه دارد دفاتر "دایره" ضد چریکی "و" میسیون نظامی ایالات متحده آمریکا" در آنکارا در یک ساختمان مشترک است. "دایره" ضد چریکی "ترکیه، که زیر نظر مستقیم سفارت آمریکا فعالیت و از درسامه های "سیا" استفاده میکند وظیفه خود را "حنگهای غیر سنتی" خوانده است. کارمندان آن در زمینه خرابکاری، بازجویی و حنگهای روانی آموزش ویژه دیدمانند. در درسامه پیشگفته، که امین دگر مشاور حقوقی وزارت دفاع ترکیه، چهار سال پیش قسمت هایی از آنرا منتشر ساخت، "سیا" عملیاتی را توصیه می کند که "مردم آنها را کار انقلابیونی بدانند، که از هیچگونه سببیت خودداری نمی ورزند. از این راه می توان افکار عمومی را در طرفین داری از نظم و علیه خرابکاری تجهیز کرد. فزون بر این، باید سازمان شبه نظامی قدرتمندی را تشکیل داد."

"گرگهای خاکستری" از سیزده سال پیش (۱۹۶۸)، پایه پای ایجاد "دایره ضد چریکی"، تاسیس سازمان فاشیستی "گرگهای خاکستری" آغاز شد. از اواسط سال -

های ۷۰ پیوند و همکاری گسترده ای میان "سازمان اطلاعات ترکیه"، "دایره" ضد چریکی "و" حزب جنبش ملی" پدید آمد. بویژه در سالهای ۷۸-۱۹۷۵، در دوران حکومت ائتلافی دمیرال و آلپ ارسلان تورکس (Alparslan Türkeş)، رهبر "حزب جنبش ملی" بسیاری از سمت های مهم در پلیس ترکیه، به فاشیست ها سپرده شد. چندتن از روسای برحسته "میت" عضو "حزب جنبش ملی" بودند و "گرگهای خاکستری" اغلب اطلاعات خود را درباره "قربانیان دسیسه های جنایتکارانه خویش، بویژه رهبران سندیکایی، کمونیست ها و دمکراتها، مستقیم از آنان دریافت می داشتند. "گرگهای خاکستری" در خارج از کشور نیز پیوسته به فعالیت های حاسوسی و تروریستی علیه هم شهر - وندان مرفقی خود اشتغال داشته اند و معمولا از پشتیبانی نیروهای فاشیستی و راستگری کشورهای غربی و حمایت دولت و پلیس برخوردار می گردند.



کشتار مردم در ترکیه، در درجه نخست، نیروهای دمکراتیک و چپ هدف سرکوبگری رژیم قرار می گیرند. در تظاهرات ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۵ (۱۱ مه ۱۹۷۷) "دیسک" بیش از نیم میلیون نفر در استانبول شرکت کردند. در جریان این تظاهرات، ماموران "سازمان اطلاعات ترکیه"، فاشیست ها و مائوئیست ها، بر پایه برنامه های از پیش ریخته، جمعیت را چندین دقیقه از پشت بام های ساختمانهای محاور زیر رگبار گرفتند و ۲۸ تن را کشتند. در شب کریسمس ۱۹۷۸ جوخه های فاشیستی در شهر قهرمان مرس (Kahramanmaraş) ۲۰۰ زن، مرد و کودک بی دفاع را بقتل رساندند. در اواخر بهار ۱۳۵۹ (اواسط ژوئن ۸۰) یگان های موتوریزه ارتش و ژاندارمری با ۵۰ تانک وارد شهرک فاتسا (Fatsa) در سواحل دریای سیاه شدند و به یاری اعضای ماسکدار حزب جنبش ملی "به بازرسی خانه ها پرداختند و ۸۰۰ تن را دستگیر کردند. بازداشت شدگان، از جمله فکری سونمز (Fikri Sonmez) بقیه در صفحه ۹

یکی از قربانیان فاشیست های "گرگهای خاکستری" در برلین غربی



ترکیه - ۸

بقیة صفحه ۸

شهردار مستقل فاتسا، هدف شکنجه های دردناک قرار گرفتند. علت آن بود که، در این شهرک ائتلافی بزرگ مرکب از گروه های چپ تا اسلامی، با تشکیل کمیته های دفاع، با تهاجمات

که تا آن موقع در ۲۰ استان از مجموع ۶۹ استان ترکیه حکمفرما بود، به سراسر کشور گسترش یافت. احزاب، سندیکاها و اتحادیه ها غیرقانونی اعلام گردیدند (در پائیز سال ۱۳۶۰ دولت ترکیه احزاب موجود را برای همیشه "منحله" اعلام کرد). بیش از ۱۵۰ دفتر سندیکایی بسته و هرگونه فعالیت سیاسی ممنوع شد. چندین هزارتن، از جمله سیاستمداران



نمونه ای از سرکوبگری کودتاجیان در یکی از خیابانهای استانبول

برجسته، ولی بویژه عناصر چپ و رهبران سندیکاها، روانه زندانها گشتند. بنوشته روزنامه "لوموند" (۲۲/۲۱ سپتامبر ۱۹۸۰) ۶۵ هزار تن به بازداشت کودتاجیان درآمدند. (بر پایه آمارهای رسمی، در ترکیه کماکان ۳۰۰۰۰ تن در بازداشت بسر می برند).

ترکیب دولت نظامی نمایشگر هدفهای ژنرالها بود. آنها اولوسو، دریادار سابق "ناتو" را به سمت نخست وزیر دولت نظامی برگزیدند. از ۲۷ وزیر کابینه، ۷ تن ژنرالهای با سابقه "ناتو" بودند. تورغوت اوزال (Turgut Ozal)، یکی از مبتکران "برنامه" تثبیت اقتصادی و نمایندگان سرمایه مالی بین المللی به معاونت نخست وزیر انتخاب شد. شخص اخیر، به عنوان رئیس سابق "اتحادیه" کارفرمایان صنایع فلز-کاری (MESS) و مشاور دمیرال در امور اقتصادی، سابقه طولانی و تجربه طولانی در مبارزه با جنبش کارگری ترکیه دارد.

از جمله اولویت های کودتاجیان تقویت صنایع جنگی و امر زمین سازی نیروهای مسلح اعلام شد. دولت کودتا همه شوراهای روستایی را منحل و بیشتر شهرداران را از کار برکنار کرد و همه انتصابات را با معده فرمانداری های نظامی سپرد.

کنعان اورن کیست؟

بازتاب وابستگی کودتاجیان را به قدرت های امپریالیستی و ارتجاع در شخص کنعان اورن می توان مشاهده کرد. وی در سال ۱۹۵۰ فرمانده نیروهای مسلح ترکیه در جنگ آمریکا علیه خلق کره بود. سرکودتاجی ترکیه پیش از آنکه اچویت او را (در سال ۱۹۷۸) به فرماندهی کل ستاد برگزید، مسئول "دایره" ضد چریکی بود.

فزون بر این، کنعان اورن و ژنرال های همدست او پیوندهای نزدیک با سرمایه خارجی دارند. در این زمینه باید بویژه از "اویاک" Oyak ("صندوق کمک ارتش") و پیوندهای آن با کنسرنهای بین المللی چون "موبیل اویل"، "شل"، "رنو"، "گودیر"، "هیلتون" و "اینترنشنال هاروستر" نام برد.

پیش با سرمایه ای نسبتا ناچیز تا سپس یافت، پس از چند سال به دومین "شرکت هلندینگ" ترکیه بدل شد. بخشی از سودهای هنگفت "اویاک" به هنگام بازنشستگی به افسران تعلق

می گیرد. هر قدر درجه افسر بالاتر باشد، سهم او نیز بیشتر خواهد بود. بدین ترتیب، از طریق "اویاک" وابستگی نزدیک میان نظامیان و بورژوازی و سرمایه خارجی تامین می شود.

علاوه بر این، باید به سهام هنگفت آنها در صنایع تسلیحاتی اشاره کرد. بر پایه آمارهای رسمی، سود این صنایع در سال ۱۹۷۷ برابر با ۳۳۵ میلیون لیره ترکیه بود، که ۱۳۰ میلیون لیره بیشتر از سود گروه بانکی "Is Bank" است.

ژنرال های کودتاجی بسیار از وحدت ملی دم می زنند. اما منظور آنها در واقع آنست که، کارگران و دهقانان، و همچنین بورژوازی ملی ترکیه از منافع خود دست بردارند و بلا قید و شرط تسلیم مطامع انحصارات بین المللی شوند. یکی از انگیزه های کودتای شهریور ۵۹ (سپتامبر ۸۰) اورن و دارودسته اش آن بود که احزاب بورژوازی-ملی به اندازه "کافی" در پیشبرد منافع بزرگ سرمایه خارجی، بویژه ایالات متحده آمریکا و جمهوری فدرال آلمان، کوشش نورزیدند.

این واقعیت نیز حالب است که، در آستانه کودتا، "ساتین قایا" فرمانده کل نیروی هوایی و عضو کنونی "شورای امنیت ملی"، از واشینگتن بازگشت. فزون بر این، کودتای نامبرده زیر پوشش مانور "اتویل اکسپرس ۸۰" صورت گرفت. بنابراین شگفت انگیز نیست که، نخستین گزارش درباره کودتا نه از آنکارا، بلکه از وزارت خارجه آمریکا در واشینگتن، یعنی ۱۲۰۰۰ کیلومتر دور از محل وقوع آن، به سراسر جهان پخش گردید. پس از مدت کوتاهی اذعان شد که کودتاجیان ترکیه دولت آمریکا را از نقشه های خویش مطلع ساخته بودند! لذا این ارزیابی بحاساست که، "واشینگتن" خود مستقیم فرمان کودتا را صادر کرد.

یکروز پس از کودتا، حتی روزنامه بورژوازی وست دوئیچه آلمانیه "تساپونگ" (آلمان غربی) نوشت: "میتوان تصور کرد که اصرار آمریکا به آن، که پس از انقلاب ایران بویژه نگران تضعیف جناح جنوبی "ناتو" هستند، بالاخره کار خود را کرد."

جالب آنکه سیاستمداران غربی، که پس از تشکیل "شورای نظامی رستگاری ملی" در لهستان - که طبق قانون اساسی این کشور برای سرکوب ضدانقلاب تشکیل شد - چنین جنجالی بها کردند، حتی یک کلمه درباره "نقض دمکراسی، حقوق بشر و آزادیهای سندیکایی" و "دخالته در امور داخلی" ترکیه به زبان نیاوردند. برای نمونه، "ماتهورفر" وزیر دارایی آلمان غربی اعلام کرد:

"ترکیه کماکان هم پیمان بین المللی ما خواهد بود".

براندت، صدر حزب سوسیال دمکرات آلمان (فدرال)، تنها تاسف خورد که نظامیان به توقیف "دوست" او، اجویت، ناچار شده بودند! طبیعتا، نه تنها آلمان غربی، بلکه دیگر کشورهای "ناتو" از جمله ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و ایتالیا نیز لازم ندیدند که نیروهای خود را از مانورهای "ناتو" در خاک ترکیه فرخوانند.

اظهارات رسمی نظامیان ترکیه در توجیه کودتا طوری تنظیم شده بود که افکار عمومی کشورهای "ناتو" را "آرام" کند. آنها ادعا داشتند که تنها بخاطر "استقرار آرامش و نظم" و "مقابله قاطعانه با ترور" مجبور به کودتا گردیده اند. در حالی که در بالا نشان داده شد که دامن زدن به ترور درست نقشه آنها بود.

این سخنان از رئیس جمهور - سرانجام در ۱۳۶۰ - به نام "امام خمینی" در روزنامه "تحریر" در تهران در ۱۳۶۰ درج شد. این سخنان در روزنامه "تحریر" در تهران در ۱۳۶۰ درج شد. این سخنان در روزنامه "تحریر" در تهران در ۱۳۶۰ درج شد.

نرمش با آمریکا مقدمه سازش با آمریکا است

جلادان خونخوار و غارتگر و شیوخون زنی، مرفی کردند که با "چهره انتقام حویانه" و با مبارزه با فتوایها و سرمایه داران... به یک تیره نشان می زنند:

"بیاده کردن برنامه های مارکسیستی، نارضی تراشی، ضد - انقلاب و ضد اسلام سازی... از بین بردن بنیها اقتصادی کشور مردم، یعنی آمادگی برای بلعیده شدن از طرف ابر قدرتها" (مراحه کبیده مقاله "در بابید" در روزنامه "میزان" شماره ۹ بهمن ۵۹)

التهابین خط سیاست داخلی میبایستی دشمن داخلی را نیز سازش - ناپذیران با آمریکا و طرفداران "انقلاب کوچ نشینان" بداند. از جمله حزب توده ایران را که مظفر بقاشی با همین هدف زمانی آنرا "توده رفتی" نامید و سپس معلوم شد که خود مظفر بقاشی کارگزار عم سام و عامل کودتای "سیا" ساخته ۲۸ مرداد است!

دولت موقت لبرالها ساقط شد سپس بنی صدر نیز همراه با جوی و به کمک معزی خلیان شاه در "بررسی" طرفدار حالت نرمش و سپس سازش با آمریکا هستند و شوروی را مطرح می کنند تا آمریکا را منسی کنند، هراقدمی که مسود مستضعفان باشد "کمونیستی" می نامند شب و روز با خشم و کین بر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) لعن و نفرین می کنند و هر نیرویی را که مخالف سازش با آمریکا و طرفدار مستضعفان است، نیروی مرفی می کنند که تحت تاثیر توده های قرار گرفته است - چنین نیروهایی هنوز وجود دارند.

بدگر سخن، فوه - اجرائی کشور به

طور عمده از جنگ لبرالها خارج شده، ولی مبارزه ادامه دارد. شیوه مبارزه و سیاست آنها، همان شیوه و سیاست دولت موقت، همان شیوه و سیاست بنی صدر است شکل این مبارزه، قالب آن، گاهی تعبیر می کند، ولی خط همان خط است، با همان محتوی و همان هدف.

اخیرا آنها، همراه با تمام طیف نیروهای برادری داخلی، به جنب و جوش بیشتری افتاده اند. صدایشان بلندتر، قلمشان بی پروا تر، زبانشان هتاکتر شده است. گوئی بورش و حمله جدیدی را آغاز کرده اند. اما این به اصطلاح حمله از موضع ضعف است آنها احساس می کنند که انقلاب به مرحله ای رسیده که باید مسائل بنیادی را حل کند و در صدد است که حل کند. از این رو است که طرفداران سازش با امپریالیسم سرکردگی آمریکا و مخالفان تعمیق انقلاب مستضعفان به جنب و جوش افتاده اند. جنب و جوش آنها از موضع ضعف است. آب که در لانه عقرب بریزند، عقربها به جنب و جوش می افتند.

همان طور که در سیاست خارجی حالت نرمش با آمریکا مقدمه سازش با آمریکا است و سازش با آمریکا مقدمه مسخ انقلاب، در سیاست داخلی نیز حالت نرمش با مخالفان حل بنیادی مسائل بنیادی انقلاب، می تواند به سازش با آنها و در نتیجه به مسخ انقلاب منتهی شود. با قاطعیت باید در راه تعمیق انقلاب، بسوی تحقق اهداف انقلاب پیش رفت. توده های میلیونی در صف انقلابند، متکی به این نیروی عظیم، با اتحاد همه نیروهای انقلابی راستین زیر رهبری یار ایتامام خمینی می توان و باید هرگونه مانعی را از سر راه انقلاب برداشت.

این سخنان از رئیس جمهور - سرانجام در ۱۳۶۰ - به نام "امام خمینی" در روزنامه "تحریر" در تهران در ۱۳۶۰ درج شد.

اسلامی ایران فکرمی کردند نمی توانند آن راه سازش با خود بکشند. البته تصور ما این نبود که ممکن است روزی انقلاب لیکن سازشکارانه ای با آمریکا بزند ولی از نظر دشمن چنین نبود. آمریکا کاملا منتظر سازش با ما بود. فکرمی کرد، پس از گذشت مدتی، وقتی ایرانی ها محتاج شدند، اومی تواند راه نفوذی داشته باشد آمریکا می هایش از شروع کار دولت موقت قویا این امید را در دل خود زنده کردند. در اینجا باید بگویم که من دولت موقت را بطور مجموع متمم نمی کنم، چرا که درون آنها افراد مومن و شاید با اخلاص هم بودند، ولی سلیقه سیاسی آنها این بود که با قدرت بزرگی مانند آمریکا نمی شود جنگید و خیلی هم دوست نداشتند که هرگز بر آمریکا گفته شود و می گفتند حفا ضروری است که خود را با یک چنین غول عظیم جنگی و صنعتی به جنگ بیندازیم. می گفتند، وابسته، تسلیم، نوکرومانند شاه مزدور ناسیم، ولی جنگ هم نکنیم. این حالت همان حالت نرمش است و نرمش مقدمه سازش است". (از سخنان رئیس جمهور - سرانجام در ۱۳۶۰ - به نام "امام خمینی" در روزنامه "تحریر" در تهران در ۱۳۶۰ - کیهان ۹ دیماه ۱۳۶۰)

روزی دیگر این "سلیقه سیاسی" و "این حالت نرمش که مقدمه سازش است" را امام خمینی در یک حمله کوتاه، ولی بسیار در دست و بسیار با مصایبان داشته اند "خط این بود که آمریکا به گلی منسی شود... شوروی را مطرح می کردند تا آمریکا منسی شود".

بصورت ملاقات نمایندگان دولت موقت با برژینسکی و مذاکرات با اوروز کرد، و این طرح شوروی برای منسی کردن آمریکا اجرای دقیق دستورالعمل محرمانه کار تریه برژینسکی بود:

"لازم است حوسو ظن وعدم اعتمادی را که بین ایران و همسایگانش وجود دارد، مورد بهره برداری قرار داد... رئیس جمهور (گارتز) معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی خصوصا توسط اتحاد شوروی، حتما به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد."

بدینسان کوشش برای سازش و بهبود مناسبات با آمریکا از یکسو و کوشش برای تیره کردن مناسبات با اتحاد شوروی از سوی دیگر - محور سیاست خارجی دولت موقت بود. تبلیغ برای پیشبرد این خط سیاسی، یکسان مرفی کردن "دو ابر قدرت" بود. آمریکا و شوروی هر دو "ابر قدرتند"، پس هر دو دشمن اند! شعبان بی مخ "تاج بخش" با پهلوان تختی هر دو پهلوان اند، پس هر دو دشمن اند!

این "دو ابر قدرت" (آمریکا و شوروی) بدینسان، استادهردو دشمن مرفی شدند، ولی سپس از یکدیگر تفکیک شدند. لبرالها می گفتند که:

"اگر بر عزم امام آمریکا شیطان کبیر است، مارکسیسم (بخوان شوروی) شیطان اکبر است!"

پس دشمن اصلی "شوروی و دشمن درجه دوم آمریکا است. به اضافه شوروی "ملحد" است و آمریکا موحد! پس با شوروی باید خصومت ورزید و با آمریکا سازش کرد. و بدینسان "گام به گام" دوست های دشمن قرار گرفت و دشمن های دوست.

همین سیاست در داخل کشور نیز از جانب لبرالها اعمال شد. سازش با هرکس و هر گروه و هر نیرویی که طرفدار سازش با آمریکا و مقابله با هرکس و هر گروه و هر نیرویی که مخالف سازش با آمریکا - خط سیاست داخلی لبرالها بود. آنها از خط امام "کلافه شدند" انقلاب را "تخریب" نامیدند. محازات ضد انقلاب را "آبروریزی" خواندند و سپس "گام به گام" تا آنجا پیش رفتند که علنا به دفاع فتوایها و سرمایه داران ریان کشورند انقلابیون را

حقوق مردم محروم که عمری است مالکین و سرمایه داران بزرگ خورده اند به محرومین باز پس داده می شود امام خمینی

لایحه قانونی تشکیل شورای اسلامی کارکنان... و آئین نامه های آن ناقض حقوق صنفی و شورائی کارگران و زحمتکشان است (۴)

مخالفت با تشکلهای صنفی کارگران مغایر قانون اساسی است

درباره مغایرت آیین نامه شورای اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی، صنعتی کشاورزی و خدماتی با حقوق صنفی و شورایی کارگران زحمتکشان، مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، و نتایج عملی مترتب بر اجرای این آیین نامه به زیرانقلاب و کارگران زحمتکشان، مطالب بازم بیشتر می توان نوشت. لیکن تصور می کنیم، آن چه گفته شد، فعلا برای اثبات این واقعیت کافی باشد که، همانند مصوبه بنی صدری شورای انقلاب، آیین نامه شورای اسلامی کارکنان... "نیر" هم با منافع کلی انقلاب و اصول مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و هم با نیازهای جنبش صنفی - شورایی کارگران و زحمتکشان ایران، که نیرو- مندترین جنبش مدافع انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران است، مغایرت کامل دارد، لذا پاسکاری در اجرای مصوبه و آیین نامه آن، نه به سود انقلاب و کارگران، که به زیران هر دوی آن هاست.

ماهیت "اساسنامه شورای اسلامی کارکنان" چیست؟

مسئولین وزارت کار و شورایی عالی کار در تدوین اساسنامه ها، متأسفانه عملاً طبق مصوبه بنی صدری شورای انقلاب، با هدف های یادشده، عمل کرده اند، ولی از آن جا که ظاهر توجه داشته اند که تحمیل آن نظرات به کارگران و زحمتکشان به سادگی امکان پذیر نیست، در تنظیم اساسنامه ها، تا آن جا که توانسته اند، به دفاع ظاهری از منافع کارگران سخن گفته اند. به همین جهت "اساسنامه شورای اسلامی کارکنان... به ظاهر هیچ دست کمی از اساسنامه سازمان صنفی ندارد. تنظیم کنندگان اساسنامه خواسته اند القا شبهه کنند که شورا همان سازمان صنفی است، زیرا اساسنامه "شورای اسلامی کارکنان" حق می دهد که به مسائل استخدام، مرخصی، غیبت، بیماری، ساعات کار، دستمزد و مزایا، اضافه کار، اخراج، انضباط کار، ترفیعات، پاداش سالانه، بیمه و خدمات درمانی، بازنشستگی، مسکن، شرکت - های تعاونی، صندوق تعاون قرض - الحسنه، وام بیکاری، غذا، رستوران، لباس کار، مهدکودک، سرویس ایاب و ذهاب، امور ورزش و حتی مشارکت در انعقاد پیمان های دسته جمعی کار و نظایر آن (رجوع شود به بندهای ۶ و ۷ و ۸ و ۹ اساسنامه شورای اسلامی کارکنان)، که همه از وظایف سازمان صنفی است، می پردازد. اما در همین اساسنامه گفته نشده است که، شورایی که "مرکز از کلیه کارکنان از کارگرساده تا مدیریت است" (ماده ۱) و "مجمع کارکنان آن با حضور و نظارت نماینده واحد کار و امور اجتماعی برگزار می - شود" (ماده ۱۰) و از کارگر تا مدیر برای انتخاب در شورا ذیحق هستند (ماده ۱۴) و در صورت بروز اختلاف در "انتخاب یا تجدید انتخاب دبیر، مسئول هم آهنگی و مسئولین کمیته ها" رای "هیئت نظارت بر امور شوراها"، که نماینده کارفرما نیز در آن حضور دارد، "و واحد کار و امور اجتماعی" قطعی و لازم الاجراست، (ماده ۱۹) چگونه می تواند به خواست های کارگران در این زمینه ها تحقق بخشد؟ (همه جا تکیه از ماست).

سازمان صنفی عمل کند، به انحلال تهدید شده است. (همه جا تکیه از ماست).  
به جهت یادشده، و هم چنین به دلیل این که وظایفی که برای دبیرشورا در ماده ۲۵ ذکر شده (انجام مکاتبات و ابلاغ تصمیمات و حفظ و نگهداری اسناد و تهیه و تنظیم صورت جلسات و تهیه و جمع آوری مدارک و حفظ لوازم و اثاثیه و محل شورا و نظایر آن) همه وظایف دفتری - اداری است، نه وظیفه دفاع از منافع اعضا شورا، "شورای انتخابی" فرسنگ ها با تشکلهای سازمان صنفی فاصله دارد.  
بدینسان، "شورای اسلامی کارکنان" طبق ضوابط اساسنامه ای که وزارت کار و امور اجتماعی برای آن در نظر گرفته، به هیچ وجه سازمان صنفی منطبق بر - موازین اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود. اما آیا این شورا، شورای موضوع اصل ۱۰۴ قانون اساسی خواهد بود؟ متأسفانه پاسخ این سؤال نیز منفی است، زیرا این شورا، "اولاً" شورایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، به عنوان نهاد قانونی، نیست، و ثانیاً برای "تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد همکاری در پیشرفت امور واحد" فاقد قدرت اجرایی است. نه فقط "آیین نامه"، که "اساسنامه شورای اسلامی کارکنان" نیز در این زمینه ها نقش شورا را تا مقام پادو و بردست مدیریت پایین می آورد. در کلیه مواد اساسنامه، ضرورت همکاری شورا با مدیریت به دفعات و به کرات خاطرنشان شده است، ولی حتی یک مورد رانمی توان یافت که مدیریت به رعایت نظرات شورا موظف شده باشد.  
"اساسنامه شورای اسلامی کارکنان" نه تنها از آن جهت که بر واقعیت موجود در واحدهای بزرگ تولیدی - خدماتی (شناسایی تشکلهای صنفی) منطبق نیست، بلکه هم چنین از آن جهت که حقوق شورایی کارکنان را مغلوب و مخدوش می سازد، قابل قبول نیست. اساسنامه گمراهی بیشتری را در حل مسائل مدیریت، شورا و سندیکا در فعال ترین بخش اقتصاد صنعتی - خدماتی کشور ایجاد می کند. اجرای اساسنامه، همان طور که در مورد "لایحه قانونی" و "آیین نامه شورای اسلامی کارکنان" خاطرنشان ساختیم، جزس درگمی بیشتر در روابط تولیدی در واحدهای بزرگ تولیدی - خدماتی و اختلال ناشی از آن، نتیجه دیگری نداشته و نخواهد داشت.

آئین نامه

شورای اسلامی کارکنان صنفی چه صیغه ای است؟

همانطور که قبلاً اشاره کردیم، وزارت کار و امور اجتماعی تنها به اجرای "لایحه قانونی" و "آیین نامه و اساسنامه های ناشی از آن در واحدهای تولیدی - خدماتی بزرگ اکتفا ننموده است. مسئولین وزارت کار تحت عنوان تدوین "آیین نامه شورای اسلامی کارکنان صنفی" درصدد برآمده اند که تجربه "شوراها" را بر کارگران صنفی (جایی که یک یا چند کارگر در کارگاه های کوچک پیشه وری به کار اشتغال دارند)، نیز تعمیم دهند. باید به وضوح گفت که پیاده کردن "شورا" در صنف به معنای محروم داشتن قشرویی از زحمتکشان از تشکلهای صنفی است. ماقبالاً خاطرنشان ساختیم که عنوان کردن "شوراها" شورای اسلامی کارکنان "عملاً

به معنی نفی ضرورت تشکلهای آزاد صنفی در واحدهای بزرگ تولیدی - خدماتی، و در نتیجه به زیرانقلاب و به سود بزرگ سرمایه داری است. در مورد روش وزارت کار و امور اجتماعی در تحمیل "شورا" به جای سازمان صنفی به کارگران صنف نیز باید خاطرنشان سازیم که، این امر عملاً به زیرانقلاب و کارگر و زحمتکشی است که، تا همین امروز هم در بدترین شرایط کار زندگی به سر می برند. این کارگران، نه فقط در گذشته، بلکه در حال حاضر نیز از شمول مقررات قانون کار، که دهها سال از تصویب آن می گذرد، محروم باقی مانده اند.

قبل از هر چیز باید خاطرنشان سازیم که در دوران انقلاب وطنی سه سال پس از پیروزی آن، هیچ کس شاهد پیدایش "شوراها" در میان کارگران صنف نبوده است. دلیل این امر نیز واضح است. تولیدات خرد به پیشه وری، با وجود هزاران کارفرمای خرد بهای خصوصی و پراکندگی آنان و سطح نازل تولید اجتماعی، مسئله ای به نام "همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هم آهنگی در پیشرفت امور" را مطرح نمی سازد، که پیدایش شورا، به آن معنی که در اصل ۱۰۴ قانون اساسی آمده، در این جا ضرورت داشته باشد. کارفرمای پیشه وری بدون شور و مشورت، وضع تولید و کار خود را سر سامان می دهد. او مانند مدیر کارخانه نیست که به دلیل اجتماعی بودن امر تولید به معنای واقعی کلمه، ضرورتاً باید کارش منکی به شور و مشورت باشد، و اگر غیر از این باشد، به منافع جامعه زیان می رسد.

اما در همین کارگاه های پیشه وری کوچک ما میلیون ها کارگر و زحمتکش داریم، که گرفتار شدیدترین نوع استثمار به معنای فرور و وسطایی آن هستند، قسمت اعظم صدها هزار کودک زیر پرستین کار در کشور ما در همین کارگاه های کوچک پیشه وری استثمار می شوند.  
شرایط و محیط کار در کارگاه های کوچک به معنای واقعی کلمه غیر بهداشتی و جان فرساست. از شمول قانون کار و بیمه مرخصی هفتگی و تعطیل سالانه در این کارگاه ها، که ساعات کار روزانه آن ها باطلوع و غروب آفتاب اندازه گیری می شود و دستمزدها در سطحی چند برابر نازل تر از حداقل دستمزد قرار دارد، کوچک ترین خبری نیست. مجموعه این وضع نه امروز، که از سالها به این طرف، ضرورت مبارزه صنفی کارگران صنف و تشکلهای آن ها را در سازمان های صنفی به وجود آورده است. پیدایش سندیکاها در میان کارگران صنف از دهها سال به این طرف، و تعلق خاطر کارگران سازمان های صنفی خود، از همین ضرورت ناشی شده و می شود.

زیم طاغوتی شاه، در حالی که به ظاهر خود را پای بند اجرای قوانین کار و نمودمی ساخت، در عمل وحشی - ترین خصم تشکلهای صنفی کارگران و زحمتکشان بود. به همین جهت از میان میلیون ها کارگر و زحمتکش، منجمله و به ویژه در صنف، تعداد قلیلی از کارگران بودند که به ایجاد سازمان های صنفی و از طریق مبارزه آن ها به بهبود نسبی شرایط کار و زندگی خود موفق شدند. اکنون در سایه انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی، که کارگران خود در پیروزی آن نقش طامعی به عهد داشتند، اند، کارگران و زحمتکشان می خواهند با ایجاد سازمان های صنفی آزاد و مستقل خود، منجمله و به ویژه در صنف، هر چه زودتر وضع کار و زندگی خود را بهبود بخشند و از حقوقی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای آن ها به رسمیت شناخته، برخوردار گردند.

در ماده ۲۲ آیین نامه گفته می شود: "شورا در تهیه و تنظیم مقررات داخلی واحدهای صنف مربوط از قبیل آیین نامه های انضباطی با مدیریت های صنف یا سازمان آنان (تکیه از ماست) تبادل نظر نموده... با مدیریت ها تشریک ساعی می نماید. بدیهی است اجرای مقررات و آیین نامه ها به عهده مدیریت صنفی است." (تکیه از ماست)  
در تبصره ماده ۲۳ به شورا توصیه می شود که جلسات شورا را با دعوت از "مدیریت واحد صنفی مربوط یا نماینده وی" تشکیل دهند. آیا این مواد و تبصره ها به وضوح نشان نمی - دهد که شوراهای صنف تابعی از تمایلات مدیریت های صنف، یعنی کارفرمایان، خواهد بود؟  
در مواد ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳

مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت:

آمریکادر حال تدارک زمینہ جنگ دیگری

علیه جمهوری اسلامی ایران است

که از حمله اخیر مزدوران صدامی به آبادان وارد آمده، در خصوص توطئه‌های که از سوی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران در شرف تکوین است، هشدار داد و گفت:

"در منطقه خلیج فارس زمینہ نظامی و سیاسی تحمیل جنگ دیگری از طرف آمریکا بر ما در حال تدارک است." وی از مسئولان خواست که با این مسئله با قاطعیت برخورد کنند و بسیج همگانی دهند.

امید است که مجلس

بر اساس تقویض اختیار

امام خمینی مسائل اساسی

را در اسرع وقت حل کند

در جلسه بعد از ظهر مجلس، برخی نمایندگان سؤالات خود را از دولت و وزرای دولت مطرح کردند. سومین جلسه علنی مجلس در هفته گذشته در روز چهارشنبه ۳۰ دی ۶۰ تشکیل شد. اصغر رستمی نماینده مردم نقده ناطق پیش از دستور، طی سخنانی اظهار امیدواری کرد که: مجلس با تقویض اختیاری که از طرف امام معظم بعمل آمد، مشکل زمین مسکن و سرمایه‌های نامشروع و دیگر مسائل اساسی را در اسرع وقت حل نماید. در این جلسه قانون خدمات درمانی و بهداشتی پزشکان از تصویب نمایندگان گذشت. در چهارمین جلسه علنی مجلس که روز پنجشنبه اول بهمن ۶۰ تشکیل شد، کار بررسی لایحه قانون دیوان محاسبات ادامه یافت. در این جلسه مواد دیگری از این لایحه مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این جلسه هم چینی استغاثانه اسماعیل معزی از نمایندگی مجلس، توسط حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس قرائت گردید.

\* متوقف شدن طرح اصلاحات ارضی باعث نوعی سردرگمی و بی‌بهمی ریختگی در امر کشاورزی شده است. \* برخی از نمایندگان مجلس خواستار تعیین تکلیف مالکیت ارضی مزروعی شدند. \* مردم را برای مقابله با توطئه‌های آمریکا بسیج کنید. \* چرا نباید قانونی از مجلس بگذرد، که برای همیشه دست چپاول مالکین بزرگ را کوتاه کند؟

این مورد انجام نگرفته است. " وی آنگاه گفت:

"درست در این رابطه است که لزوم برنامه‌ریزی دقیق و مدون شده ای احساس میشود.

ناطق سپس به بررسی ابعاد این مسائل پرداخت و در زمینہ مشکل کشاورزی و مسئله مالکیت زمین‌های مزروعی گفت: "مشکل عمده‌ای که گریبانگیر برنامه‌ریزی و طراحی کار برنامه‌ریزی و طراحی چگونگی رسیدن به خودکفایی کشاورزی خود را نمایان میکند، مسئله مالکیت ارضی مزروعی و کشاورزی می‌باشد که پس از متوقف شدن طرح اصلاحات ارضی باعث نوعی سردرگمی و بی‌بهم ریختگی در امر کشاورزی شده است.

نمایندہ مردم ورزقان آنگاه از مجلس و شورای نگهبان خواست که هر چه زودتر تکلیف مالکیت ارضی مزروعی را روشن کنند، تا "روستائیان رنج‌دیده و ستم‌زده ما به حق واقعی خود رسیده و از زیر بار ظلم خوانی‌ساز و فئودال‌ها رهایی یابند."

شهاب‌الدین بی مقدار اظهار امیدواری کرد که: "با تصویب و عملی شدن لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی، دست خونخواران و سرمایه‌داران وابسته از سر این امت رنج‌کشیده کوتاه شود. وی همچنین خواستار تعیین حدود مالکیت صنعتی شد.

ایرج صفائی دزفولی، نمایندہ مردم آبادان دومین ناطق پیش از دستور این جلسه بود که، ضمن اشاره به خسارتی

ایشان موجب بوده است، اما یک وقتی ما میخواهیم بر اساس آئین نامه مجلس صحبت کنیم، آنهم درباره کسی که می‌دانیم مجلس را قبول دارد و آئین نامه را قبول دارد، در این صورت عیبی نداشت که در این زمینہ صحبت کنیم. اما ماحالا درباره چدکسی داریم صحبت میکنیم؟ درباره کسی داریم صحبت میکنیم که هم پیمان و همکار بوده است با فردی که برای براندازی این مجلس همکاری کرده است... او را براندازد. آیا چنین کسی را می‌توان میخواست است اساس جمهوری اسلامی را براندازد. آیا چنین کسی را می‌توان گفت اصول به ما اجازه نمیدهد که درباره اش تصمیم بگیریم؟ او اگر میتوانست حتی مجلس را منفجر کند، این کار را میکرد.

با اجرای اصلاحات ارضی روستائیان را به حق واقعی خود برسانید

دومین جلسه علنی مجلس در هفته گذشته، روز سه شنبه ۲۹ دی ۶۰ تشکیل شد. در این جلسه، بنا به پیش‌نهاد دکتر هادی، طرح قانونی مطبوعات به علت داشتن چند اشکال قانونی اساسی، با اکثریت آراء مسکوت گذاشته شد. در این جلسه شهاب‌الدین بی مقدار نمایندہ مردم ورزقان به عنوان اولین ناطق پیش از دستور سخن گفت. ناطق با اشاره به یکی از اهداف انقلاب در زمینہ "رسیدن به استقلال واقعی در زمینہ‌های صنعتی و کشاورزی و اقتصادی" یادآور شد که متأسفانه "اقدام عملی در

در مورد تصویب قوانینی که میتوانند رافع عسر و حرج باشند، و تاخیر در تصویب آنها زیانبار است، میگردد. خصوصاً با توجه به اینکه در پاسخ امام به نامه ریاست محترم مجلس، تصویب و اجراء مجاز شمرده شده است، تاکنون کدام عمل در این جهت قطعیت یافته است؟" ناطق سپس گفت:

"مسئله مسکن همچنان بیداد میکند و زمین همچنان سیر صعودی خود را می‌پیماید... اگر لایحه ارضی شهری برخلاف شرع است، طرحی دهید که این مشکل را حل کند. اگر بر خلاف شرع نیست، پس چرا در قطعیت یافتن تردید روا میدارند؟" نمایندہ مردم سیرجان با اشاره به مسئله ارضی کشاورزی گفت:

"چرا نباید قانونی از مجلس بگذرد که برای همیشه دست چپاول مالکین بزرگ را کوتاه کند؟ من از همه نمایندگان محترم، که دردمحرومین رابه خوبی درک میکنند، میخواهم که بای-گیری قاطع این مسئله، یکبار برای همیشه مشکل زمین را حل نمایند و بیش از این تاخیر را در این زمینہ اجازه ندهند.

اخلاقی نیا پس از قرائت بیانات امام خمینی در برابر فقهای شورا ی نگهبان گفت:

"می‌بینیم که امت همان میخواهد که ما ماش می‌خواهد. پس چه کسی نمی خواهد؟"

آنگاه مسئله تعیین تکلیف نمایندگانی که به علت غیبت طولانی غیرموجه از مجلس، مستعفی شناخته شده‌اند، مطرح شد. در این جا معین فر و پداله سبحانی در مخالفت با مستعفی شناختن احمد غضنفرپور مطالبی بیان داشتند. حجت الاسلام خویشینی‌ها به عنوان موافق سخن گفت و از جمله یاد آوردند که:

"مدافعین غضنفرپور مدعی شدند که ایشان چون در زندان بوده، اختیار نداشته است، و مدعی شدند که غیبت

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسات علنی هفته گذشته، با اشاره به توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران، خواستار هشیاری بیشتر مسئولان کشور شدند. در این جلسات، که در روزهای ۲۷، ۲۹ و ۳۰ دی ماه ۶۰ تشکیل شد، برخی از نمایندگان مجلس همچنین با اشاره به اعطای حق ویژه از طرف امام خمینی به مجلس برای تصویب لوایح ضروری گفتند که: چرا تاکنون عملی در این جهت قطعیت نیافته است. این نمایندگان اظهار امیدواری کردند که، با تصویب و عملی شدن لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی، دست سرمایه‌داران وابسته کوتاه شود و با تعیین تکلیف در مورد مالکیت ارضی مزروعی، روستائیان از زیر بار ظلم خوانی‌ساز و فئودال‌ها رها شوند.

اولین جلسه علنی مجلس در هفته گذشته، روز یکشنبه ۲۷ دی ۶۰ تشکیل شد. در این جلسه مستعفی شناختن سه تن از نمایندگان مجلس: احمد سلامتیان، احمد غضنفرپور و کریمی با اکثریت آراء تصویب شد.

اولین ناطق پیش از دستور این جلسه، محمد اخلاقی نیا، نمایندہ مردم سیرجان بود. وی در آغاز سخنان خود از "مردان و زنانی که با اطاعت از امام و تعهد به نظام جمهوری اسلامی" به همه خطوط انحرافی پشت پا زدند و "ملی‌گرایان و لیبرال‌ها و منافقین و دیگر احزاب و دستجات شیطانی وابسته به آمریکا جنایتکار" را از صحنه سیاست کشور خارج ساختند. او خواست که جبهه و پشت جبهه را تقویت کنند.

ناطق با اشاره به اجازه امام خمینی به مجلس در تصویب لوایح ضروری، گفت:

"بیش از سه ماه از اجازه امام به مجلس

اصلاحات ارضی

بقیة از صفحه

گردند. پس از تحکیم تعاونی‌ها، ماشین آلات این ایستگاه‌ها به خود تعاونی‌ها واگذار شد و امروزه، ایستگاه‌های مزبور به ایستگاه‌های تعمیراتی تبدیل شده‌اند.

رشد تعاونی‌ها مستلزم سرمایه‌گذاری‌های کلان است، لذا برای اینکه این سرمایه‌گذاری‌ها موجب کاهش درآمد اعضا تعاونی‌ها نگردد، دولت با شرایط مناسب (بهره ۲ درصد بطور متوسط) وام‌های میان مدت و دراز مدت در اختیارشان می‌گذارد.

عمومیت یافتن

تعاونی‌های کشاورزی

در فاصله سالهای ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۰ (۱۳۳۱ تا ۱۳۳۹) ۹۰۱۴۹۰ دهقان بطور داوطلبانه در ۱۹۳۱۳ تعاونی تولید گرد هم آمدند و مجموعاً ۵۴۰۸۰۶۴ هکتار، یعنی ۸۴/۲ درصد اراضی کشاورزی آلمان دمکراتیک را در اختیار داشتند. از سال ۱۹۶۰ به بعد، با پیشرفت تعاونی‌ها، به ضرورت بهم پیوستن آنها به یکدیگر احساس شد، و در نتیجه بتدریج تعداد آنها کاهش یافت و در عوض ابعاد هر یک گسترش پیدا کرد. امروزه تعاونی‌های تولید کشاورزی بطور متوسط بین ۴۰۰۰ تا

لایحه قانونی

بقیة از صفحه ۱

انتخابات، ارسال ماهانه صورت جلسات، ثبت شورا در دفتر، خلاصه کلیه فعالیت شورا زیر نظر و دستور واحد کار و امور اجتماعی صورت می‌گیرد. در تبصره ۲ ماده ۱۲، نه فقط تصمیم وزارت کار و امور اجتماعی، بلکه تصمیم هیئت نظارت، که کارفرما نیز در آن شرکت دارد، طرف ضرب الاجل پنج روزه برای شورا قطعی و لازم‌الاجرا اعلام شده است. مگر همه این مراتب حاکی از دخالت علنی کارفرما و وزارت کار در امور شوراهای صنفی نیست؟

دیگر مواد آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان صنفی نیز حاوی قید و بندهایی است که در آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان در واحدهای تولیدی - خدماتی در نظر گرفته شده، نظیر این که "کسانی که قبل از ۲۲ بهمن عضو هیئت مدیره سندیکا و یا نماینده کارگران

تا ۶۰۰ هکتار مساحت دارند. در سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴)، تعداد تعاونی‌ها ۴۶۲۱ بود، که مجموعاً ۸۴۹۲۸۴ عضو و ۵۴۰۵۶۰۰ هکتار زمین داشتند. ادامه دارد

بوده‌اند، نمی‌توانند به عضویت شورا انتخاب شوند." (تبصره ماده ۱۹). یا این که "در صنفی که شورا تشکیل می‌شود جمعیت‌های صنفی دیگر رسمیت نخواهد داشت." (ماده ۲۸).

جالب این که، برای انتخاب نمایندگان مدیران واحدها (کارفرمایان صنفی) در هیئت‌های نظارت بر امور شوراهای و اصولاً در سازمان‌های صنفی کارفرمایان چنین قیود و شروطی ذکر نشده است. وزارت کار و امور اجتماعی، که نسبت به نظارت و کنترل بر سازمان‌های صنفی کارگران و زحمت‌گشان این قدر حساس است، رعایت استقلال سازمان‌های صنفی کارفرمایی و عدم دخالت در امور آنان را لازم شمرده است. (مراجعه شود به مواد ۳۴ و ۳۵ آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان صنفی). علاوه بر این، تحت عنوان "کارکنان"، به حضور کارفرمایان صنفی در مجمع زحمتکشان صنف نیز میدان داده شده است. (به مواد ۳۱ و ۳۲ آیین‌نامه مراجعه شود).

به طوری که از ماده ۲۸ استنباط می‌شود: "در صورتی که شورا تشکیل می‌شود، جمعیت‌های صنفی دیگر (تکیه از ماست) رسمیت نخواهد داشت.

بدین سان، تلقی مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی از "شورا" همان سازمان صنفی است. این که "شورا" رابه همین نام نام گذاری نکرده‌اند، دلیل آن،

همان طور که در مورد "شوراهای اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی - خدماتی" گفتیم، روشن است. اگر "شورا" تشکل صنفی تلقی می‌شود، آن وقت غیرقانونی بودن دخالت‌های وزارت کار و امور اجتماعی در کارهای آن مطرح می‌شود. به علاوه، این مطلب مطرح می‌شود که به چه دلیل حق شورایی کارگران و زحمتکشان تضییع شده است؟ مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی با تعویض نام "سندیکا" با "شورا" متأسفانه دو کار نادرست کرده‌اند: هم دخالت‌های غیرقانونی خود را در امور سازمان صنفی کارگران و زحمتکشان داده و در نتیجه کارگران و زحمتکشان را از داشتن تشکل‌های صنفی آزاد و مستقل محروم ساخته‌اند (یعنی اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را زیر پا گذاشته‌اند) و هم حق ایجاد شوراهایی را که اصل ۱۰۴ قانون اساسی به کارگران و زحمتکشان وعده داده است، تضییع نموده‌اند. مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی در مورد کارگران صنف نیز کوشیده‌اند آن‌ها را عملاً از داشتن سازمان‌های صنفی آزاد و مستقل محروم سازند و تحت عنوان "ایجاد شوراهای صنفی" دزدانانه اقدام کرده‌اند که فکراً ایجاد تشکل‌های دولتی یا شبه دولتی را در میان صدها هزار کارگر و زحمتکش صنف نیز تسری دهند. ادامه دارد

### نارسی های ...

بقیه از صفحه ۷

ها در "بازار مشترک"، نمیتوان بنظره این شرکت درباره قیمت ها اعتماد نمود و چنانچه بر ادامه قرارداد پافشاری گردد، باید بوسیله مهندسی مشاور مطمئن و قابل اعتمادی که در کشورهای غیر وابسته میتوان یافت، قیمت های قراردادها را مجدداً مورد رسیدگی قرار داد و بر اساس ماده ای از موافقتنامه، که تاکنون نموده است قیمت ها باید با قیمت های بین المللی قابل رقابت باشد، درباره تعدیل آنها اقدام جدی بعمل آورد.

موضوع قابل ذکر دیگر آنست که، بموجب موافقتنامه ای که با شرکت فنیشدر باضا رسیده، شرکت مزبور موظف بوده است که برای تامین هزینه های ریالی طرح، سالانه ۳ میلیون تن نفت خام از ایران خریداری کند. از قرار معلوم، بعد از انقلاب، اجرای این قسمت از موافقتنامه متوقف شده است. در این مورد نیز باید رسیدگی لازم در جهت حفظ منافع کشور بعمل آید.

### ۳- مسائل فنی طرح

مشکل اساسی دیگری که در این طرح وجود دارد، اینست که: بموجب اظهار نظر کلیه خبرگان، روشهای جدید احیای مستقیم این تکنولوژی برای کارخانجات فولاد سازی کوچک و متوسط، که ظرفیت آنها سالانه در حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تن و محصول آنها پروبیل های ساختمانی باشد، مفید است. برای تولید ورق، که معمولاً ظرفیتها در حدود سالانه ۲ میلیون تن و بیشتر است، معمولاً از سیستم کوره بلند و فولاد سازی با اکسیژن استفاده میشود. لیکن در طرح مجتمع مبارکه، اساساً بر استفاده از روش احیای مستقیم، آنهم با ظرفیت بالاتر از ۲ میلیون تن در سال قرار داده اند. ولی بنا بر نظریات کارشناسان ذیصلاحیست و نتایج کنفرانس های جهانی، این روش هنوز آنچنان تکامل نیافته و مشکلات فنی و تکنیکهای آن رفع نشده است که بتواند پاسخگوی چنین ظرفیت های بالایی باشد. بنا بر این، در صورت اجرای این طرح در مبارکه، در آینده بهره برداری آن دچار توقفها، رکودها و گرفتاری های مربوط به خراب شدن تجهیزات و عدم دسترسی به موقع به لوازم یدکی و تعویضی مورد نیاز خواهد شد. این مشکلات، به خصوص در مورد کشورما، که در معرض تحریمهای اقتصادی و کار شکنی های انحصارات بین المللی است، باید پیش بینی شود.

ادعا میکنند که چون روش کوره بند احتیاج به ذغال سنگ مناسب دارد و از این جهت کشور ما دچار مضیقهاست، بنابراین استغناء از روش احیای مستقیم استفاده نمایند. این ادعا به هیچوجه صحیح ندارد. منابع ذغال سنگ کشور ما بویژه پاسخگوی توسعه کارخانه ذوب آهن اصفهان تا ظرفیت ۴ میلیون تن در سال است. بر همین اساس، ده سال قبل پیشنهاد توسعه کارخانه ذوب آهن اصفهان تا حدود ۴ میلیون تن در سال ارائه گردیده و قرار بوده است سالانه ۲ میلیون تن ورق تولید شود، و تنها به عذر لزوم مطالعه درباره میزان مصرف (نه علت کمبود ذغال سنگ) تولید ورق را به بعد موکول نموده اند. ذخایر ذغال سنگ در ایران به میزان بسیار وسیعی کشف شده است باید دستهایی را که مانع ادامه این اکتشافات میشوند و با محافل انحصاری و امپریالیستی هماهنگی دارند، به کنار زد و منابع کشف شده را تجهیز و آماده بهره برداری نمود. تنها از این راه میتوان یک طرح مطمئن با ظرفیت بزرگ را پایه گذاری کرد.

در مورد اینکه روش احیای مستقیم برای اجرای طرح های بزرگ قابل اطمینان نیست، گزارش های فراوانی در نشریه های معتبر فولاد جهان وجود دارد. به موجب گزارش های موجود، تنها دو طرح بزرگ با روش احیای مستقیم - یکی در برزیل دیگری در اتحاد شوروی - در حال اجرا

است، اتحاد شوروی با قدرت تولیدی در حدود ۱۵ میلیون تن فولاد در سال و با تاسیسات عظیم فولاد سازی و با توانایی خارق العاده صنعتی، فعلاً با اجرای طرحی به ظرفیت تولیدی سالانه ۴ میلیون تن آهن اسفنجی، که ۲ میلیون تن (حدود ۱/۳ درصد) آن برای تولید فولاد بکار می رود، اقدام نموده است. در حالی که کشور ما با محدودیت های صنعتی که دارد - صرف نظر از سالانه ۱/۹ میلیون تن ظرفیت کارخانه ذوب آهن اصفهان، که بر اساس روش کوره بلند بهره برداری میکند، در حدود ۵ میلیون تن ظرفیت فولاد سازی خود را (بیش از ۷۰ درصد) به روش احیای مستقیم متکی نموده است. با این روش متاسفانه نمیتوان آینده مطمئن و باثباتی را برای صنعت فولاد سازی کشور پیش بینی نمود.

همانطور که قبلاً اشاره شد، مشکل دیگری که در طرح فولاد سازی مبارکه خود نمائی میکند، این است که، مهندس مشاور در عین حال فروشنده تجهیزات متوسط و کوچک هم مهندس مشاور نمیتواند وظیفه تهیه و تحویل تجهیزات را بعهده داشته باشد، تا چه رسد به طرح بزرگی چون مجتمع فولاد مبارکه، با حدود ۳ تا ۴ میلیارد دلار سرمایه گذاری، که باید مهندس مشاور وظیفه کنترل فروشنده و نظارت بر انطباق تجهیزات و ماشین آلات را با مشخصات طرح (که فروشنده تحویل میدهد) به عهده داشته باشد.

چگونه میتوان قبول کرد که یک موسس تجارتي در عین حال مسئول تهیه طرح و عهده دار تهیه و تحویل تجهیزات باشد، و آنوقت مصالح خریدار را رعایت نماید؟ مسلم این است که چنین مهندس مشاوری طرح را به ترتیبی تنظیم می کند که حداکثر منافع فروشنده در آن تامین گردد. چنین مهندس مشاور کوچکی که توجیهی به منافع و مصالح خریدار نخواهد داشت، بخصوص که خریدار (امضاء کننده قرارداد) رژیم گذشته، یعنی رژیم گوش بفرمان امپریالیسم بوده است. بعد از انقلاب نیز متاسفانه بعضی از مامورین در اثر سهل انگاری و مسامحه به این مسائل اساسی توجهی نداشته اند و مهندس مشاور و فروشنده را پاک و منزه و دور از حرص و آز دانسته اند. مشکل تامین سنگ آهن مورد نیاز طرح و تامین نیروی برة، بسیار بر قدرت لازم برای اجرای این طرح نیز از جمله مسائلی است که میبایست بموقع مورد توجه قرار گیرد و متاسفانه به آن توجه کافی نشده است.

برای استفاده از روش احیای مستقیم، سنگ آهن با مشخصات مرغوب مورد لزوم است. قسمتی از این سنگ آهن از معدن گل گوهر تامین میشود، که کافی برای بهره برداری کارخانه برای مدت زیادی نخواهد بود. بخش دیگر سنگ آهن میباید از هند وارد شود، که این خود، با توجه به وابستگی به خارج و مشکلات حمل و نقل، با مسائل و دشواری های خاص روبرو خواهد بود. در مورد برق مورد نیاز برای کوره های الکتریکی، قدرتی در حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ مگاوات مورد احتیاج است، که سرمایه گذاری برای نصب نیروگاه لازم و با استفاده از قدرت برق شبکه سراسری و نگاهداری آن، بسیار حساس است. این مسائل نیز باید در بررسی طرح مورد توجه قرار میگرفت.

بر اساس اطلاعات موجود، تا پایان سال ۱۳۵۷، در حدود ۲۰٪ هزینه کل طرح به صرف رسیده است. به موجب اطلاعات دیگری تا پایان سال مالی ۱۳۵۷، در حدود ۱۱٪ هزینه کل طرح خرج شده، که قسمتی از آن هزینه های داخلی بوده است. با توجه به گران بودن هزینه طرح و مشکلاتی که به آن اشاره شد - و هر کارشناس متعهدی میتواند به آسانی به آنها پی ببرد - مسئولینی که بعد از انقلاب این طرح را مورد رسیدگی قرار داده اند، لازم بود که، ضمن گزارش هایی که به شورای اقتصاد و شورای انقلاب تقدیم نمودند، این مسائل را روشن میساختند و پیرده استار بر روی این نقائص نمی کشیدند و بجای توجیهی تنفیذ قرارداد و

## روش جدید قرابری در مجتمع فولاد سازی کره دمکراتیک

چندی پیش کارخانه فولاد سازی "کیم چک"، در ساحل شمالی جمهوری دمکراتیک خلق کره، به خاطر روش های مدرن ترابری خود در مطبوعات این کشور سروصداي فراوانی برانگیخت. این کارخانه در یازده سال اخیر (از ۱۹۷۰) تا کنون تولید خود را چهار برابر کرده است. فولاد سازی "کیم چک"، که در دهه گذشته یکمک اتحاد شوروی نوسازی شد، اکنون سالانه ۱/۵ میلیون تن فولاد و ۲/۲ میلیون تن آهن تولید می کند. برای حمل و نقل مواد خام کارخانه از معادن نزدیک به آن، از شاه لوله های استفاده می شود، که سنگ آهن خرد شده را یکمک آب و تلمبه خانه های ویژه به کارخانه می رساند. توسعه صنایع آهن و فولاد یکی از اولویتهای برنامه هفت ساله کنونی (۱۹۸۴ - ۱۹۸۸) بشمار می رود. قرار است که تولید سالانه فولاد از ۴ میلیون تن در سال ۱۹۷۸ به ۸ - ۷/۴ میلیون تن در سال ۱۹۸۴ برسد. نوسازی و گسترش مراکز فولاد سازی کره دمکراتیک چون "کیم چک"، "کونگ سون" و "هوانگکئه" در سال های اخیر پایه صنعت آهن و فولاد جمهوری دمکراتیک خلق کره را استوار ساخته است.

## تنبیه بدنی در مدارس يك عمل ضد انسانی و ضد تربیتی است

از دانش آموزان برخی مدارس کشور شکایت می رسد که برخی مدیران و معلمان کودکان و نوجوانان را تنبیه بدنی می کنند.

بکار گرفتن این گونه روش های ضد انسانی و ضد تربیتی در مدارس رژیم گذشته، غیر طبیعی نبود، زیرا که رژیم ددمنش پهلوی جز خرد کردن شخصیت کودکان و نوجوانان و پرورش انسان های فرمانبردار و زبون، هدفی نداشت. ولی جای بسی تأسف است که پس از گذشت سه سال از انقلاب اسلامی ایران، که محتوای مردمی آن یکی از خصلت های اصلی آنست، ماهنوز شاهد تنبیه بدنی دانش آموزان باشیم.

خوشبختانه در سال گذشته تحصیلی، بخشنامه ای از سوی وزارت آموزش و پرورش مبنی بر ممنوع بودن تنبیه بدنی در مدارس صادر شد و به مدارس سراسر کشور ابلاغ گردید. بنظر ما ضرور است که مسئولین آموزش و پرورش ضمن تأکید مجدد بر این بخشنامه، در اجرای دقیق آن نظارت کنند، از تنبیه بدنی دانش آموزان جدا جلوگیری نمایند و به شکایات دانش آموزان و والدین آنها در این زمینه رسیدگی کنند و متخلفین را مورد مواخذه جدی قرار دهند.

در عین حال ضرور و مفید است که مسئولین آموزش و پرورش شیوه های تربیتی قوی، منطبق با اهداف یک نظام آموزشی انقلابی، تدوین کنند و از طریق جزوه، کتاب، سمینار و ... به اطلاع معلمان و مربیان برسانند. می توان از تجربیات موفق کشورهای انقلابی دیگر نیز در تدوین روشهای تربیتی نوین استفاده کرد. نباید تردید داشت که تنها مبارزه بنیادی با روشهای کهنه ناسالم و غیر انسانی، از جمله تنبیه بدنی و ترویج روشهای نوین، سالم و انسانی می توان کودکان و نوجوانان نسل انقلاب را برای انجام وظایف بزرگ انقلابی پرورش داد.

در اینجا لازم می دانیم که جهت اطلاع آن دسته از مدیران، معلمان و ... که ظاهراً از وجود بخشنامه وزارت

داد، از طریق مذاکره با فروشنده، تعدیل گردد.

۴- قبل از خرید واحدهای احیای مستقیم و نصب کوره های الکتریکی و ریخته گری، بررسی دقیقی از نظر اطمینان بخشی کاربرد روش احیای مستقیم جهت تولید ورق فولادی در ظرفیت های بالا، بوسیله مهندسی مشاور و مسئول انجام گیرد.

۵- قبل از اجرای هرگونه برنامه ریزی در زمینه نصب کوره های الکتریکی و ریخته گری، نسبت به بررسی مجموعه طرح در محل جدید (مبارکه اصفهان، که مرکز انجام نگرته است) از نظر اطمینان از تامین سنگ آهن، چگونگی حمل آن، تامین گاز و آب و برق و سایر مسائل جنبی، با همکاری سازمان های دولتی مسئول (وزارت نفت - وزارت راه - وزارت نیرو و ...) صورت گیرد، تا در موقع پیاده کردن طرح مشکلات اساسی بروز نکند.

به نظر ما، انجام این پیشنهاد ها از وظایف اولیه و اساسی سازمان برنامه و بودجه و وزارت معادن و فلزات است، و با توجه به اهمیت طرح و نقش بنیادی آن در اقتصاد کشور، هرگونه تعلل در تصحیح اقدامات گذشته، گناه بزرگی خواهد بود.

## نتیجه گیری و پیشنهاد برای تصحیح روش های گذشته در طرح فولاد سازی مبارکه اصفهان

۱- گروه مهندسی مشاور با صلاحیت و متعهد برای کنترل مشخصات طرح و نوع تجهیزات و ماشین آلات خریداری شده و امکان اجرای طرح هر چه زودتر تعیین و به ایالتی های ما معرفی شود. (برای این کار از گروه مهندسی مشاور با صلاحیت، که در ایجاد صنایع فولاد کشورهای دوست همکاری داشته اند، نیز میتوان استفاده کرد.)

۲- قرارداد های خرید ماشین آلات توسط گروه مهندسی و کارشناسان ایرانی متعهد مورد بررسی قرار گیرد و نقاط ضعف آنها از نظر دیدگاه های جمهوری اسلامی ایران مشخص شود و با مذاکره با طرف قراردادها مرتفع گردد.

۳- فرآیند قیمت های ماشین آلات و خدمات نسبت به قیمت های بین المللی مشخص شود و بر اساس قرار-

افزایش بهای تجهیزات، پیشنهاد می کردند که قرارداد لغو گردد. می باید پیشنهاد میشد که موسسه مهندسی مشاور مورد اطمینان و با صلاحیتی انتخاب گردد، تا برای طرح مشخصات فنی صحیح و قابل اطمینانی تهیه کند. می باید پیشنهاد میشد که شرکت ملی فولاد ایران برای خرید تجهیزات و ماشین آلات از طریق مناقصه بین المللی و یا مناقصه محدود، با دعوت از موسسات سازنده و انحصارهای امپریالیستی غیر وابسته به انحصارهای امپریالیستی اقدام نماید و در قرارداد تضمین های لازم برای صحت اجرای آن در نظر بگیرد. اکنون که این کارها صورت نگرفته است، بنظر ما بازم، برای رسیدگی دقیق به مشکلات امر و اتخاذ روش صحیح، باید شورائی مرکب از کارشناسان متعهد و مسئول تشکیل شود، تا این مسائل و مشکلات را دقیقاً مورد توجه قرار دهد و بر اساس قراردادهای موجود، که میگوید قیمت ها باید با قیمت های بین المللی مطابقت داشته باشد، برای حفظ منافع کشور اقدامات قانونی را معمول دارد.

امید است که این تذکرات مورد توجه قرار گیرد و برای نجات صنعت فولاد کشور از بحران های آتی، پیش گیری های لازم بعمل آید.

تفسیر وقایع ...

بقیه از صفحه ۵
آنچه را که در این هزیمت میتوان نجات داد، نجات دهند، به عمال خود در لهستان روحیه دهند و از حوادث لهستان حداکثر بهره برداری را بسود نظام غارتگران بکنند.

اجلاس ناتو درباره لهستان

ریگان و دارو دستهای نقشه‌های وسیعی برای بهره برداری از حوادث لهستان در جهت دامن زدن به تشنج فزاینده توسعه مسابقه تسلیحاتی، ایجاد جو سیاسی ناسالم در اروپا و جهان و استفاده از آن برای مداخله در امور داخلی سایر کشورها کشیده بودند اما حوادث لهستان در مجرای پیش بینی های آنان پیش رفت و نمیتوانست پیش برود، کوه بینی و آزمندی از خصائص سیاستگران دنیای سرمایه داری، بویژه کسانی از رده ماجراجویانی نظیر ریگان و سایر اعضای دولت فعلی امریکاست. حوادث لهستان نه تنها از لحاظ داخلی، بلکه از جهت تاثیر برین المللی آن نیز در مسیر دلخواه هیگ و ریگان پیش رفت. هم پیمانان امریکادر اروپای غربی حاضر نشدند، بخاطر امریکای روابط اقتصادی خود را با کشورهای سوسیالیستی تقلیل دهند. دولت امریکا بخصوص خواهان آن بود که بزرگترین معامله کشورهای اروپای غربی یا اتحاد شوروی را بر سر فروش گاز سیربی به این کشورها برهم زند. آلمان غربی و فرانسه در برابر این تقاضای ریگان و هیگ با قاطعیت اعلام کردند که به هیچ قیمتی حاضر نیستند این معامله را بکنند آنهاست، بخاطر امریکای برهم زدن امریکای در وضع بسیار بدی قرار گرفت و محازرات های اعلان شده از طرف ریگان بدون هیچ پشتیبانی موثر از سوی سایر کشورها، حتی نزدیکترین دوستان امریکا، در هوا معلق ماند.

تشکیل اجلاس "ناتو" برای مذاکره درباره لهستان قبل از هر چیز تلاشی بود که از جانب رهبران امریکای برای حفظ "ابروی" خودشان صورت گرفت. هیگ کوشید تا در این اجلاس اعلامیه شدیدالحن بی پشتوانه ای را که قبلا نوشته و با خود آورده بود، به تصویب برساند. از آنچه در این اجلاس گفته شد و شنیده شد، خبری نداریم، زیرا مذاکرات در پشت درهای بسته صورت گرفت. اما در اعلامیه نهائی اجلاس "ناتو" گفته میشود که کشورهای "ناتو" اتحاد شوروی را مسئول حوادث لهستان میدانند. و اگر لهستان به ساز پیمان "ناتو" نترسد، ایالات متحده امریکا ممکن است گفتگو درباره مسائل مهم، از جمله مذاکره درباره محدود ساختن تسلیحات هسته ای را متوقف کند. در اعلامیه اجلاس "ناتو" همچنین تکالیفی برای دولت لهستان تعیین شده است که چه باید بکند و چه نباید بکند!

دولت لهستان واکنش شدیدی در برابر این اقدام "ناتو" نشان داد و آنرا یک اقدام ننگینی برای دولت های عضو پیمان "ناتو" و یک عمل اهانت آور برای خلق لهستان نامید. دولت لهستان اعلام داشت که تصمیم درباره مسائل داخلی لهستان صرفا حق خود مردم لهستان است و هیچ دولت خارجی اجازه نمیدهد که چنین بی شرمانه در امور داخلی آنان مداخله برای ملت لهستان یادآور گردید که تصمیم درباره اعلام حکومت نظامی یگانه تصمیم درست برای متوقف ساختن انقلاب، به تحریک و پشتیبانی خارجی در صدد گستردن آن بودند. خلق لهستان نظام سوسیالیستی را خود برگزیده و برای دفاع از آن در برابر هر گونه توطئه خارجی ایستاده است.

خبرگزاری "تاس" نیز طی اعلامیه ای تصمیمات اجلاس "ناتو" را مداخله ناهنجار در امور یک کشور دیگر نامید و مقاصد واشنگتن را از ایجاد جو مصنوعی پیرامون حوادث لهستان

نبرد کار و سرمایه در جهان

در سالهای هشتاد و بیست میلادی وارد مرحله نهائی خود میشود

ما در خارج، امثال، نیم پهلوئی ها، بختیارها، بنی صدرها، اویسی ها، آریاناها و غیره نیرمنتظر ارباب نشسته اند.
امپریالیسم امریکا در صحنه جهانی دست به حمله وسیع جنگ - آزمایشانه زده است. اکنون این سوالها مطرح می شود:
آیا کاسفید در این حمله عظیم نظامی - سیاسی پیروز خواهد شد؟
آیا امریکا خواهد توانست متحدان متزلزل خود را در اروپای غربی و ژاپن بدنبال خود بکشد؟
آیا دولت ریگان خواهد توانست رقابت های بازار جهانی، تزلزل دلار و بطور کلی وضع بد اقتصادی امریکا را بهبود بخشد و از شدت انتقادات به سیاست اقتصادی اجتماعی خود در درون کشور وحشی سنا بکاهد؟
آیا امپریالیسم امریکا خواهد توانست کشورهای غیر متعهد را بترساند و اراده خود را بر آنها تحمیل کند؟
آیا امریکا خواهد توانست کشور های سوسیالیستی را مرعوب سازد و اراده خود را بر آنها دیکته کند و از عامل لهستان و افغانستان برای پیشرفت دیپلماسی خود استفاده کند؟
آیا امریکا خواهد توانست جنگ نوترونی محدود (آنطور که او خیال می کند) برای مرعوب ساختن جهانیان به سود پیشرفت سیاست خود براه اندازد؟
تردید نیست که "مهتره جینی ها" ی امپریالیسم امریکادر شطرنج جهانی با حداکثر ولع پیروز شدن بعمل آمده است. ولی سرشت این سیاست با حرکت عینی تاریخ (که خواستار محور بهره کشی و استثمار است) ناسازگار است. امپریالیسم امریکای قوی است، ولی مخالفان او نیز ابد کم و ضعیف نیستند. مخالفان امپریالیسم امریکا هم مشکلات دارند، ولی آخر مشکلات خود امپریالیسم نیز ابد کم نیست. لذا در این واقعیت هم تردیدی نباید داشت که در سالهای هشتاد و بیست و یک، بسود امپریالیسم امریکا تمام نخواهد شد.
واقعیات در سهای عبرت آموزی به این امپریالیسم تجربه ناپذیر خواهد آموخت.

زده است و می زند و به اصطلاح عزم خود را جزم کرده است که از نزول دائمی "حیثیت" خود جلوگیری بعمل آورد. تمرکز بیش از هشتاد کشتی جنگی در خلیج فارس و دریای عمان، ایجاد پایگاه درجه اول و مدرن نظامی در جزیره "مرجانی" دیه گوگاریا، تقویت واحدهای ناوگانی در مدیترانه و اقیانوس کبیر، و ادار کردن ژاپن به بسط نیروهای نظامی، بندوبست نظامی با چین، تقویت مالی و نظامی پاکستان، ایجاد "سپاه واکنش سریع" تا حدود ۴۰۰ هزار نفر، ایجاد پایگاه های نقل و انتقال این سپاه در صحرای سینا و مصر و عمان و عربستان سعودی، فروش سلاحه و آواکس به عربستان سعودی و مصر، افکندن ارتش بعثی صدام به جان ایران، ساختن کلاهک های بمب ضد بشری نوترونی، استقرار موشکهای "پرشینگ" در اروپای غربی، تصمیم به بالا بردن تعداد هزار موشک جهان پیم (برخلاف قرارداد سالت) به ۱۵۰۰ موشک، تصمیم به رساندن بودجه نظامی امریکا برای پنج سال آینده به یک تریلیون و نیم دلار (۱) با حذف بیش از ۳۸ میلیارد دلار مخارج مختلف سالانه در بودجه کلاسیک امریکا و غیره و غیره، چنین است سیاهه بسیار ناقصی از اقدامات ایالات متحده امریکا. گویا آریایی که خود را در خطر از دست دادن مقام ممتاز پیشین می بیند، دچار نوعی جنون می شود که روانکوان باید آنرا نامگذاری کند، مثلا: "جنون سقوط!"

موافق آریایی "مرکز استراتژیک" شهر "جرج تاونسون" که مورد تأیید "پنتاگون" و "ناتو" قرار گرفته، امپریالیسم می تواند با حداکثر تجهیزات نیروهای خود، چرخ تاریخ را به عقب برگرداند. حمله به آنگولا، حملات هوایی به لیبی و کره، دموکراتیک، تهدید دائمی جمهوری اسلامی ایران، غارت و غراب امثال نسیری ها و حسنی مبارک ها علیه کشور لیبی، اعمال فشار به سوریه، حمله به فلسطینی ها در لبنان، کشتار مردم در السالوادور و یک سلسله اقدامات دیگر... همه نمودار آنست که ریگان قصد دارد در ماه ها و سالهای نزدیک "عضلات" امپریالیسم امریکای را نشان دهد و حریفان "فضول" را سر جای خود بنشاند. منتظر الحکومت های وطنی

غربی (را حفظ نمایند. حکم مرکزی آنها این است: "بگذار ما - که وارث تمدن کهن اروپا هستیم و تجارب فراوان داریم - سهمی در حفظ تعادل جهانی داشته باشیم. ما دیگر "لیسدر بودن" واشنگتن را بدون قید و شرط و در بیست نمی توانیم بپذیریم، اگر چه کماکان به لطف و کرم ایالات متحده سخت نیازمندیم".

رهبری ما نئو لیستی چین در این میان نهادهای خود را می نوازد: او می خواهد از تضاد بین سوسیالیسم و سرمایه داری برای برآوردن جنگ هسته ای استفاده کند، تا چنین راه دولت درجه اول جهان بسط دهد و آرزوی کنفوسیوس را درباره مرکزیت و برتری چین در جهان عملی سازد و به وصیت ما نئو لیست دین جامه عمل ببوشاند. انگاه رهبری ما نئو لیستی چین به نفوس انبوه کشور خود است.
کشورهای غیر متعهد آسیا، آفریقا و امریکای لاتین که زهر تلخ استثمار و نو استعمار را چشیده اند و کماکان می چشند، با آنکه بسیار متنوع هستند و از جهت استقلال و ترقی در مواضع مختلف قرار دارند، با این حال نه سیاست جنگ و نه سیاست تاراج امپریالیسم را نمی توانند تأیید کنند. در میان آنها هسته مرکزی نیرومندی وجود دارد که متحد طبیعی سوسیالیسم و دشمن سرسخت امپریالیسم است و با شجاعت بسود صلح و استقلال و آزادی می رزد. مین مان نیز اکنون بیش از پیش در این مقام قرار می گیرد و به احتمال قوی در آینده نقش مهمی در منطقه و در "جهان سوم" و بویژه در گروه کشورهای اسلامی ایفا خواهد کرد.

چنین است منظره متنوع جهان، که بیچاره نیکسون زمانی آنرا به یک دنیای پنج قطبی تشبیه کرده بود، ولی در واقع در آن فقط دو قطب اساسی وجود دارد: قطب اسارتگران غارتگر و قطب کار و زحمت.

افراطی ترین محافل جنگ طلب امپریالیستی امریکا و دیگر کشورهای بزرگ سرمایه داری، همراه محافل ارتجاعی سرمایه داری و فئودالی و پدر - سالاری کشورهای دیگر، با هول و هراس، در زیر پرچم ستاره ها و نواری های امریکا گرد آمده اند، تا آخرین تلاش خود را بکار برند و جلوی تکامل عینی تاریخی را بگیرند. تمام تلاشهای ریگانرنگ سیاسی - نظامی آنها از زمان جنگ اول تا امروز برای حفظ "عصر طلایی" آفتاب سرمایه داری عبث مانده است و اینک می خواهند به انگاه تجارت گرد آمده، مهم ترین تلاش خود را بعمل آورند.

مجمع نظامی - صنعتی امریکا و دیگر کشورهای اروپای غربی و ژاپن، کارتل بین المللی نفت، شرکت های چند ملیتی، شرکت های نیرومند قاجاق بین المللی، رژیم های دست نشانده و فاشیستی امثال نمبری و حسنی مبارک و حسن و حسین و خالد و قابوس و ضیا الحق و سوهارتو و پینوشه و امثال آنها، صهیونیسم بین المللی، پاپ رم و دستگاه کاتولیکی او، رژیم های نژادگرای امثال رژیم "پره نواریا" با تمام امکانات مادی و نظامی عظیمی که در اختیار دارند، برای آخرین نبرد قطعی بسود سرمایه گرد آمده اند. مجامع سری "تراست های مغزی" و مراکز استراتژیک، که به آخرین دستگاه های کامپیوتری مجهزند، با دریافت توصیه ها و "تصحیحات" و بررسی شگردهای مختلف بازی در پس این نیروها قرار دارند.

هدف امپریالیست ها، بسرکردگی امریکا، عبارتست از حفظ سلطه غارت - گرانه بر آنچه که در اندو با زیر پرچم گرفتن آنچه که از دست داده اند. آنها برای خود یک حق ازلی و ابدی برای رهبری جهان قائلند. آنها برای ادامه سارتگری و تاراجگری، آماده اند جهان را به ورطه نابود کننده جنگ هسته ای بکشانند.

برخی ها (از قبیل سوسیال دموکراتهای اروپای غربی) نیمه جدی - نیمه سالوسانه در جستجوی یافتن "راه سوم" هستند، که مانند شاهین ترازو بین سوسیالیسم و سرمایه داری قرار گیرند و از تضاد آن دو استفاده کنند و به کمک این روش سیاست امپریالیسم (بویژه امپریالیسم اروپای

برای دامن زدن به تشنج فزاینده و بهره گیری از آن در جهت توسعه مسابقه تسلیحاتی افشانند. "تاس" در مورد تهدید "ناتو" به قطع مذاکره درباره محدود ساختن تسلیحات هسته ای چنین گفته است:
"کسانی که به چنین تهدیدهایی متوسل میشوند، باید این حقیقت ساده را درک کنند که کشورهای سرمایه داری به همان اندازه به قطع مسابقه تسلیحاتی و جلوگیری از وقوع جنگ و قبل از همه جنگ هسته ای نیازمندند، که اتحاد شوروی و دوستانش به این امر احتیاج دارند... اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی طرفدار ادامه و تحکیم روند تشنج زدائی و صلح قاره اروپا و سراسر جهان بطور کلی هستند و این سیاست را دنبال کرده و خواهند کرد."
سیاست امپریالیسم امریکا در مورد کشیدن اروپای غربی به مسابقه تسلیحاتی و تشنج فزاینده با مقاومت جدی خلقها و حتی دولت های اروپای غربی روبرو شده است.
در همان حال که وزیران خارجیه کشورهای عضو پیمان "ناتو" اعلامیه اجلاس اخیر خودشان را امضا می کردند، وزیران اقتصاد آنها سرگرم تهیه پروتکل مبادلات بازرگانی بین کشورهایشان با کشورهای سوسیالیستی

همزمان با تبلیغات گسترده ای که در سراسر امریکا، از جمله در همین مصاحبه رانبرگ سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا، در دگرگون جلوه دادن ماهیت انقلابی نظام جمهوری اسلامی ایران به عمل می آید، زنگ خطر بزرگی را به صدا در می آورد. امریکایی ها در کجا و به چه وسیله میخواهند از استقلال و تمامیت ارضی ما در برابر ادعای موهوم "صورت انقلاب شوروی" دفاع کنند؟ در جنوب؟ در شمال غربی کشور؟ در جنوب شرقی؟ در قوس طرح شده در نقشه "تریپ وایر"؟ و چرا اکنون که جنگ با عراق به مراحل نهائی خود نزدیک میشود، به فکر "دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران" افتاده اند؟!
امریکایی ها قریب چهل سال بر کشور ما، به بهانه "جولوگیری از نفوذ کمونیسم" در ایران، حکومت کردند و این حکومت به قیمت پایمال شدن استقلال از بین رفتن آزادی و غارت ثروت ملی مردم، تمام شد. خلق ما بهاخاست، هزاران کشته و زخمی داد تا شانه خود را از زیر بار این سلطه جنمی امریکا بیرون ببرد. اکنون باز آقایان به میدان آمده اند و مدعی دفاع از استقلال و تمامیت ارضی، شده اند. بیشرمی، آن - هم تا کجا!

بیشرمی، آنهم تا کجا؟

سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا گفته است که:
"دولت ریگان، علی رغم اختلافاتی که با ایران در بسیاری از زمینه ها دارد، از استقلال و تمامیت ارضی ایران در برابر صدور انقلاب شوروی به ایران دفاع خواهد کرد."
(نقل از برنامه انگلیسی "صدای امریکا" ساعت ۷ روز اول بهمن ۶۰).
صدور انقلاب شوروی "نسخه" بدل "خطر کمونیسم" است، که امریکای آنها به این بهانه در امور تمام کشور - های دیگر جهان گستاخانه مداخله می کنند.
تصمیم دولت امریکا به "دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران!"

حرکت دشوار...

بقیماز صفحه ۱

های مصرفی باشند می گویند:
"ما کالاها را مصرفی را تولید می کنیم...

امیرالیسم که در چارچوب سیاست استعماری خود مطلقاً نمی خواست...

۱- بدون استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی بوج است.
۲- بدون استقلال اقتصادی و سیاسی...

پس از امیرالیسم، یکبارگی از پیروزی انقلاب اسلامی ایران است که...

آقایان احتکار و کثرت فنی و حرفه ای را در کشور را با تمام نیرو شروع کرده اند...

ملت گرایی...

بقیماز صفحه ۱

بدینسان ملت گرایی بورژوازی با هدف های غائی توده های زحمتکش: کارگران، دهقانان، افزارمندان و روشنفکران...

در دوران امیرالیسم (بویژه پس از دومین جنگ جهانی) در کشورهای وابسته آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین...

میهن دوستی واقعی، که از عشق به سعادت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی...

زودآلت دست قرار می گیرند، این روند بخودی خود مشکل را مشکل تر می کنند...

مثلاً حکومت جمهوری اسلامی ایران، در عین علاقه به حفظ استقلال کشور، از ایجاد وحدت عمل...

ولی عمال در پرده های پرده امیرالیسم و ارتجاع ضد انقلابی ایران و گاه متاسفانه برخی افراد سالم...

هر کس این نسبت شوم را به انقلابیون واقعی می دهد، اگر طعمه یک گمراهی عمیق نباشد...

حزب دشواری است. آری! نباید تند رفت و جامعه را دچار هرج و مرج و قحطی ساخت...

امام خمینی:

هر چه سریعتر در بازگشائی دانشگاهها کوشش نمایند

هفته گذشته امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، دو عضو جدید ستاد انقلاب فرهنگی را تعیین و حکم آنها را صادر کردند.

امام خمینی در حکم حجج اسلام مهدوی کئی و احمد احمدی، اعضای جدید ستاد انقلاب فرهنگی "تاکید کردند:

"امید است با همکاری و وهم-فکری با اعضای محترم این ستاد و نیز افراد صاحب نظر متعدد و اساتید و دانشجویان محترم و مسئول در هر چه سریعتر بازگشائی دانشگاههای کشور کوشش نمایند. انشاء الله ملت شریف ایران در آینده های نزدیک شاهد فعالیت علمی دانشگاهی در سراسر ایران باشند بدینسان رهبران انقلاب باردیگر خواست مردم و عموم فرهنگیان را بازگو کردند. و مردم و فرهنگیان در انتظارند که فرمان امام خمینی هر چه زودتر اجرا شود.

### دشمن اصلی - آمریکا بر خصومت پامی فشارد

دشمن اصلی خلق های جهان، امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا، پیوسته بر خصومت خود با انقلاب اسلامی ایران پامی فشارد و از هیچ فرصتی برای زدن ضربه به انقلاب اسلامی ایران خودداری نمی کند. اکنون، در حال گذر از راه مبارزه با گروهان های جاسوس آمریکائی اعلام میشود که بیانیکی ها از "بیانیه الجزایر" تخیلات متعدد کرده اند، تا حدی که تقریباً هیچ یک از تصدیقات خود را در قبال آزادی "گروگان ها" به انجام نرسانده اند.

هفته گذشته، بهزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرائی، این تخیلات را اعلام کرد. او گفت که آمریکا بسیاری از اموال و دارائی های ایران را پس نداده و از توقیف و بازگرداندن اسماول شاه خائن و خانواده اش به ایران نیز خودداری کرده است.

همان روز که "گروگان ها" جاسوس آزاد شدند، برهنگان روشن بود که سرمایه داران غارتگر حاکم بر آمریکا با تمام نیرو خواهند کوشید که از اجرائی تصدیقات خود در "بیانیه الجزایر" خودداری کنند و کسب حقوق ایران از آمریکا، میدان نبرد تازه ای علیه دشمن اصلی است. اکنون نیز ایران باید با استفاده از همه امکانات جهانی، ضمن اقبالی تخیلات شیطان بزرگ، نبرد بزرگی را برای احقاق حقوق ایران تدارک ببیند.

### هشدار به همکاران گفتار درنده جهانی - آمریکا در منطقه

امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا در منطقه تدارک وسیعی علیه ایران انقلابی به عمل می آورد. امپریالیست ها با کمک دست نشانگان خود در خلیج فارس مدت هاست نوظئه وسیعی را دنبال می کنند.

در خطبه های نماز جمعه هفته گذشته، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی خطاب به دست نشانگان آمریکا در منطقه هشدار داد:

"و به برادران عرب مخصوصاً - کویت، به کشورهای مثل عربستان، کویت، اردن، به کشورهای کوچک خلیج فارس به مصر، به اینها می گویم، آمریکا ثابت کرد که دشمن شامست، یعنی آمریکا با نهایت پرورویی در مقابل شما که دامن تان را باز کرده است و آمریکا را زیر دامن خودتان آورده است و در دامن خودتان نشاندهاید و با رفتن و بیاریتان و با ارتش تان و با مردم تان دارید مصالح آمریکا را توی منطقه حفظ می کنید،

## در هفته ای که گذشت:

شماه خاطر آمریکا دارید با جمهوری اسلامی می جنگید و با اسلام دارید می - جنگید. آمریکا دیگر با این پرورویی به شما گفت که من دشمن شاه هستم. اگر روزی هشت میلیون، ده میلیون بشکند نفت عربستان سعودی و دو میلیون نفت کویت و مجموعاً روزی بیست و پنج میلیون تاسی میلیون بشکند نفت دنیای اسلام برای آمریکا ارزش احم کردن به اسرائیل را ندارد و ارزش یک تنبیه اسرائیل را ندارد. شما با با جامیدی با این گفتار درنده جهانی همکاری می کنید؟ شما به ملتتان چه جوابی می دهید؟ شما جواب خدا را چه می دهید؟ اگر مسلمان نیستید، جواب مردمان را چه می دهید؟ جواب چهار میلیون آواره فلسطین را چه می دهید؟ جواب مردم گرفتار جنگ سوریه را چه می دهید؟ (جمهوری اسلامی، ۳ بهمن ۶۰)

این هشدار بجا نشان می دهد که مقامات مسئول ایران از خطر بزرگی که میهن انقلابی ما را تهدید میکند، خوبی واقفند. برای مقابله با این خطر، ایران نیز باید در سطحی هر چه وسیع تر با نیروهای انقلابی جهان و در رأس آنها کشورهای مترقی منطقه متحد و برای نبرد دسوار آینده آماده شود.

### ۲۰۰ هزار قاچاقچی افغانی در آنرا!

جمعه گذشته روزنامه "اسلامی" خیرداد طی مراسمی که با حضور حجت الاسلام ناطق نوری رئیس شورایانی و معاونین این سازمان در اداره مواد مخدر برگزار شد، اعلام شد که اداره مواد مخدر موفق به کشف ۳۶۰ کیلو تریاک و ۶۴۰ کیلو هروئین شده است. بگزارش خبرنگار ما، رئیس اداره مواد گفت، حاج عبدالغنی از جمله قاچاقچیان چینی است که ۲۰ سال سابقه در امر فروش مواد مخدر دارد و با داشتن ۵ هزار عامل مسلح بدام افتاده است. وی گفت چندین نفر، که صلاح نیست نامشان را ببرم، برای آزادی این فرد، که ۲ میلیونها جوان را معتاد و نابود کرده است، اقدام کرده اند. ... سرهنگ بختگان در یک مصاحبه گفت مشکل دیگر، این دو میلیون پناهنده افغانی هستند، که اگر من خیلی خوشبین باشم، بگویم ۲۰۰ هزار نفر از این پناهندگان افغانی هستند و نقش فعالی در وارد کردن مواد مخدر به ایران دارند. (جمهوری اسلامی - ۲۷ دی ۱۳۶۰)

به نظر ما، این سخنان یکی از مسئولان شهرداری نیازی به تفسیر ندارند. این سخنان باردیگر نشان داد که ضد - انقلابیون افغانی در چه مقداری وسیعی در ایران علیه مردم ما و انقلاب ما فعالیت می کنند، که تنها یک فلم آنها را تازه آنهم با "خوش بینی" ۲۰۰ هزار افغانی - یعنی یک لنگر بزرگ ضد - انقلابی - تشکیل می دهد. حالت ترس که، "کسانی که صلاح نیست نامشان برده شود"، خواستار آزادی یک قاچاقچی هستند که "میلیون ها جوان را معتاد و نابود کرده است!" راستی کیستند اینان که با خود - کشنده ۲۰ میلیون سال را می خواهند آزاد کنند؟

همه سخنها درباره مستضعفان هفته گذشته مسئله رسیدگی به مستضعفان در اسان سخنان همه مسئولان درجه اول کشور قرار داشت. حجت الاسلام سید علی خامنه ای رئیس جمهور، در دیدار با مسئولان دفتر مرکزی و سرپرستان مناطق مختلف کمیته امداد امام خمینی، گفت: "امام نیز به این مطلب قسویا اهتمام دارند و ما اگر بخواهیم در برابر

دولت فقر و وحشتناکی را که این عزیزان با آن دست و پنجه نرم می کنند، از یاد ببرند و فراموش نکنند که آنها در آلودگی تاریک و تاریک زندگی می کنند و دزدان وابسته به رژیم شاه، که نسبت به انقلاب بعضی می ورزند و برای بازگشت آمریکا دقیقه شماری می کنند، همنوز یک خانواده سنفوری در خانه های بسیار وسیع زندگی کنند و به انقلاب و انقلابیون مومن و مکتبی بوزخند بزنند... (۲۷ دی ۱۳۶۰)

روزنامه "صبح آزادگان"، در سرمقاله روز ۳۰ دی ۶۰ خود، بعد از شرح مفصلي درباره گرانی قیمت ها، نتیجه می گیرد:

"محرورین و مستضعفان سی که فرزندان شان در جیب های حق و باطل به مقابله با صدامیان پرداخته و در راه حفظ انقلاب و اسلام ایثارگرانه به شهادت می رسند، هدف مستقیم گران - فروشان و گرانی می باشد. امروز اگر جلوی چنین اعمال ضد انسانی از جانب مسئولین مسدود نشود، مردم که بر علیه شاه قیام کرده و رژیم منحوس ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی راسرنگون کردند، برای سرکوب گران فروشان و محتکرین و حامیان شان دست به کار خواهند شد. زیرا مقابله با تروریست های اقتصادی و بازوهای اقتصادی آمریکا کمک مستقیم به مردمی می باشد که به فرموده امام صاحبان اصلی انقلاب هستند."

### یک نفر نباید از گر سنگی بمیرد یک نفر از سیری...

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و امام جمعه وقت تهران نیز در سخنان خود در خطبه های نماز جمعه هفته گذشته از حمله گفت: "اسلام بشدت با دو قطبی شدن، جامعه مخالف است که قعاب مستضعف در کنار طب مستکبر، طب مسرف در کنار طب محروم و ایجاد یک کانال وسیع برای توزیع ثروت در بین مردم می تواند کمک کننده باشد."

برای غلبه بر این وضع و برای رسیدن به اهداف مردمی انقلاب، که حرج آنرا امتداد دادن به اول گدازیم در همه گدازیم بحال که در بالا آمدن مردم باشد کرده اند. قدم اول تصویب لوایح محوری است، که اکنون برخی از آنها نزدیک به یک سال است که در مجلس متوقف مانده است. در همین زمینه است که آقای محمد اخلاقی نماینده مردم سیرجان، در سخنان پیش از دستور خود، در واقع سوال مردم را مطرح می کند:

"بیش از سه ماه از اجازه امام به مجلس در مورد تصویب قوانینی که میتواند رافع عسر و حرج باشد و تاخیر در تصویب آنها زیان بار است، می - گذرد. خصوصاً با توجه به اینکه در پاسخ امام به نامه ریاست محترم مجلس، تصویب و اجرائی شمرده شده است، تاکنون کدام عطلی در ایس جهت قطعیت یافته؟" (جمهوری اسلامی - ۲۸ دی ۱۳۶۰)

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، در مصاحبه خود با روزنامه اطلاعات، در مورد این لوایح می گوید:

"متأسفانه دید و پیشش شورای نگهبان در بعضی مسائل با اکثریت مجلس یکی که، گاهی با هم نمی خواند، و همین باعث شد که چند تا از مصوبات مهم حیاتی مجلس هنوز متوقف مانده است." (اطلاعات - ۱ بهمن ۱۳۶۰)

در همین حال اخبار جسته و گریخته نشان می دهد که متأسفانه لوایح مهم حیاتی، از جمله لایحه اصلاحات ارضی و لایحه دولتی کردن بازگانی خارجی، همچنان در کمیسیون های مجلس تحت بررسی است.

### یک نفر نباید از گر سنگی بمیرد

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و امام جمعه وقت تهران نیز در سخنان خود در خطبه های نماز جمعه هفته گذشته از حمله گفت: "اسلام بشدت با دو قطبی شدن، جامعه مخالف است که قعاب مستضعف در کنار طب مستکبر، طب مسرف در کنار طب محروم و ایجاد یک کانال وسیع برای توزیع ثروت در بین مردم می تواند کمک کننده باشد."

### یک نفر از سیری...

برای غلبه بر این وضع و برای رسیدن به اهداف مردمی انقلاب، که حرج آنرا امتداد دادن به اول گدازیم در همه گدازیم بحال که در بالا آمدن مردم باشد کرده اند. قدم اول تصویب لوایح محوری است، که اکنون برخی از آنها نزدیک به یک سال است که در مجلس متوقف مانده است. در همین زمینه است که آقای محمد اخلاقی نماینده مردم سیرجان، در سخنان پیش از دستور خود، در واقع سوال مردم را مطرح می کند:

### همه چیز در جهت منافع مستضعفان

و برای رسیدن به این هدف است که آیت اله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور، در پنجمین روز بزرگساری سمینار "جهاد سازندگی" تاکید کرد: "کشور ما یک نظام سرمایه داری غربی بود و همه چیز بنا به این نظام فاسد تنظیم شده بود. جهتش خدمت برای منافع مستکبرین و فئودال ها و یک نخرای اجتماع بود. ما چنین جامعه ای را داسیم و حالاً می خواهیم همه چیز را جهت منافع مشروع مستضعفین بسج کنیم." (کجهان - ۱ بهمن ۱۳۶۰)

رئیس دیوان عالی کشور افزود: "شماره های مردمی یک کشور انقلابی وظیفه دارد، تا موقعی که ما این چیزها را در جهت منافع مستضعفین می چرخانیم بشانگذارید این مستضعفین از دست ما بروند." (همانجا)

### مشکلات بیداد می کند

مسئولان کشور در شرایطی خواستار انجام اقدامات اساسی سود محرومان هستند که مشکلات کشور - که سهم عمده آن سراب رژیم حاکم است - به سوی و غمره، نوظئه های امپریالیسم سرکردگی آمریکا بعد از پیروزی انقلاب است - به راستی محمد اخلاقی بنا نمائید به مردم سیرجان در جلسه علنی ۲۷ دی مجلس، میگوید:

"مسئله مسکن همچنان بیداد می کند و زمین همچنان سیر صعودی خود را می - بیند." (جمهوری اسلامی - ۲۸ دی ۱۳۶۰)

و اضافه می کند: "این بسیار دردناک و آزار است که هنوز خان و فئودال دستش برای چپاول مردم محروم باز باشد." (همانجا)

و آقای مرتضی محمودی نماینده مردم فخر تبریز در مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه با روزنامه کجهان می گوید: "این دلیل نیست که مجلس و

### باتوطنه های ضد انقلاب در صنایع نفت مقابله کنیم

خواسته های کارگران مبارز صنایع نفت را برآورده سازیم از کم کاری و تحصن و اعتصاب جلوگیری کنیم و تولید را افزایش دهیم

اخبار رسیده حاکیست که ضد انقلاب، با سوء استفاده از خواسته های بحق و قانونی کارگران صنایع نفت، و همچنین ناآگاهی بخشی از کارگران و برخورد نادرست و ندانم کاری برخی مسئولان، می کوشد کارگران را به کم - کاری و تحصن و اعتصاب بکشاند و بدینسان در صنایع نفت، که بویژه در شرایط کنونی دارای حساسیت و اهمیت فوق العاده است، اختلال ایجاد کند.

در شرایط جنگ تحمیلی و محاصره اقتصادی و توطئه های رنگارنگ دیگر امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، و با توجه به حساسیت و اهمیت صنایع نفت برای اقتصاد کشور ما، مسلم است که ایجاد هرگونه اختلال در صنایع نفت و هرگونه کم کاری و تحصن و اعتصاب، بهرپایانه ای که باشد، سود خدا نقلاب است، که خود از دست برده حسین عملی را سازمان می دهد و سویی می کند.

ما مطمئنیم که کارگران صنایع نفت، که همواره نمونه های درخشانی از آگاهی و پیکار رجوشی در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از خود نشان داده اند، با تجهیز همه نیروهای کارگری برای ازدیاد تولید و بهبود و پیشرفت کار در صنایع نفت با خود داری از کم کاری و تحصن و اعتصاب و با مقابله با هرگونه تلاشی در این زمینه توطئه ضد انقلاب را عقیم خواهند گذاشت.

کارگران آگاه و مبارز صنایع نفت خوبی میدانند که در این شرایط باید آراه مذاکره با مقامات مسئول صنایع نفت و ایجاد محیط تفا هم و همکاری بین خود و آنها، به خواسته های بحق و قانونی خود تحقیق بخشند. در همان حال مقامات مسئول صنایع نفت نیز باید برای ایجاد محیط تفا هم و همکاری با کارگران، برای تحقق خواسته های بحق و قانونی آنان برای کمک به ایجاد سازمانهای صنفی کارگران - که مهمترین و مناسب ترین وسیله برای حل مسائل در محیط های کار است - مسئولانه صادقانه و بیگیرانه تلاش کنند.

ترددی نباید داشت که طبقه کارگر قهرمان میهن ما - که ستون فقرات کشور و انقلابند - و در پیشانی آنها نفعگران مبارز و فدکار همچنان ستون فقرات کشور و انقلاب باقی خواهند ماند.

بیتوده که "ما لایحه اراضی شیری را با همان راهنمایی (امام) از لحاظ مجلس کارش را تمام کردیم. ابرادی هم که شورای نگهبان گرفته، زیاده هم نیست و به نظر من قابل حل است. به نظر می رسد این مسئله را ما حل می کنیم و به زودی از این عقبه عبور می کنیم. بعد از این هم اراضی کشاورزی را داریم." (اطلاعات - ۱ بهمن ۱۳۶۰)

در شورای امنیت

آمریکا باوتوی خود بار دیگر به یاری اسرائیل

شتافت

روزنامه "الاتحاد" (امارات متحده عربی) از کشورهای عرب خواست، تا تحریمی بکروزه را علیه ایالات متحده آمریکا سازمان دهند. اتحاد شوروی و سوریه تصمیم دولت اسرائیل را درباره "الحاق" بلندیهای جولان به خاک خود محکوم کردند. این مطلب در بیانیه مشترک وزیران خارجه اتحاد شوروی و سوریه، آندره گرومیکو و عبدالحمید خدام، در اسکوا آمده است. در این بیانیه گفته می شود: "این گام اسرائیل نقش آشکار منشور و مصوبات سازمان ملل متحد است و تهدید جدی برای صلح به شمار می رود. دو وزیر خارجه نقشه اسرائیل

در "شورای امنیت" سازمان ملل متحد، ایالات متحده آمریکا پیش نویس قطعنامه کشورهای غیرمتعهد را درباره اعمال تحریم داوطلبانه علیه اسرائیل بخاطر "الحاق" بلندیهای جولان به کشور خود، "تو" کرد. این پیش نویس از اعضای سازمان ملل متحد خواسته بود که به "اتخاذ اقدامات موثر علیه اسرائیل" بپردازند و از همکاری با "تل آویو" سباززنند. نماینده اردن گفت که کشورهای غیرمتعهد از "مجمع عمومی" خواهند خواست، تا در اجلاس فوق العاده سیاست "ضمیمه سازی" اسرائیل را بر سر می کشد.

عبدالمحسن ابومیزر، یکی از مقامات بلند پایه "سازمان آزادی بخش فلسطین"، و توی آمریکا را در "شورای امنیت" پشتیبانی بلا شرط از جنایات اسرائیل علیه فلسطینی ها و دیگر خلق های عرب خواند.

چگونه توطئه جنایتکارانه آفریقای جنوبی علیه مردم آنگولا شکست خورد؟! \*

این توطئه بار دیگر ثابت کرد که امپریالیسم، استعمار و نژاد پرستی علیه خلق های به پا خاسته از هیچ جنایتی فروگذار نمی کنند.

آتش فضای شهر را روشن ساخت و شعله های آن به زودی با پیشروی خود به سه متری منع عظیم "سرب تتراتیل" (ماده فوق العاده سمی) رسید، منبع عظیمی که در صورت انفجار می توانست صدها قربانی آفریقای جنوبی را بکشد. آن ها توانستند با کمک سرویس امنیتی کشور، حضور گروه کاندوبی را کشف کنند و مانع از گسترش ابعاد جنایت شوند بدین ترتیب جنایتکاران توانستند تنها بخشی از توطئه خود را عملی سازند. پس از خنثی کردن توطئه، جسد دو کاندوبی در محل انفجار پیدا شد، بقیه اعضای این گروه کاندوبی، که چند تن مجروح نیز با خود داشتند، بنا به اظهارات مقامات آنگولایی، موفق شدند خود را به ساحل برسانند و در آن جا به کمک یک زیر دریایی آفریقای جنوبی، که انتظار آنان را می کشید، به مقر طرح ریزی جنایت آفریقای جنوبی، بازگردند. اکنون دلایل بی شمار و غیر قابل انکار، به خوبی ثابت می کند که این توطئه جنایتکارانه توسط نژاد پرستان آفریقای جنوبی طراحی و به موردا اجرا گذاشته شده بود و تنها بر اثر هوش یاری و از خود گذشتگی خلق آنگولا با شکست مواجه گشت. این توطئه بار دیگر نشان داد که امپریالیسم، استعمار و نژاد پرستی و در راس همه آنها امپریالیسم آمریکا چگونه برای درهم شکستن انقلاب های رهایی بخش همه روش های جنایتکارانه، ردیالنه و فاشیستی خود را به کار می بندند.

درست در شرایطی که روزها از هجوم وحشیانه مزدوران مسلح آفریقای جنوبی به کشور انقلابی آنگولا می گذشت، نژاد پرستان آفریقای جنوبی، که تا پیش دندان از سوی امپریالیسم آمریکا مسلح شده اند، ماموریت یافتند تا جنایت بزرگی را علیه خلق آنگولا به انجام رسانند. هدف این حمله، قتل عام مردم لواندا، پایتخت آنگولا، بود. قصد آن بود که، ۸۷۵۰۰۰ شهروند آنگولایی در گرداب جنایتی عظیم غرق شود. بدین منظور یک گروه کاندوبی از آفریقای جنوبی روز ۹ آذر ۱۳۶۰ (۳۰ نوامبر ۱۹۸۱) پالایشگاه "پترانگول"، نزدیک لواندا، را مورد یورش خود قرار داد. و این تنها آغازی بر اجرای یکی از هولناک ترین جنایات عمال امپریالیسم آمریکا بود.

جزئیات توطئه قتل عام

مدتی از نیمه شب گذشته بود مردم لواندا، پس از گذراندن یک روز دیگر در کار صلح آمیز، در خواب بودند. آن ها با آن که از همان اولین لحظات دستیابی به استقلال و آزادی خویش، جنایتکاران و مزدوران رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی را روبروی خویش دیده بودند و توطئه ها، تحریکات و تجاوزات بی شمار آنان را همواره تجربه می کردند، نمی دانستند که در آن لحظه این مزدوران چه توطئه شومی را علیه آنان تدارک دیده بودند. درست در لحظاتی که عقربه ساعت به نزدیکی یک نیمه شب رسیده بود، صدای چندین انفجار در منابع بنزین، مازوت و... آرامش شهر را درهم شکست، زبانه های

وقایع مهم جهان در یک هفته

باتشکیل "شورای نظامی رستگاری ملی" در لهستان

نقشه کودتای ضد انقلابی در لهستان در روز ۱۹ آذر، شکست خورد

وزیر خارجه سوریه مدخله زیگان را در لهستان محکوم ساخت

مردم ورشو سی و هفتمین سالگرد آزادی سازی شهر خود را در جنگ دوم جهانی بوسیله نیروهای شوروی و لهستانی جشن گرفتند. آنها دستها و حلقه های گل فراوان بر قبر سربازان شوروی نهادند. میروسلاو و همراشوسکی، کیهان - نورد لهستانی و عضو "شورای نظامی رستگاری ملی"، در گردهمایی در ورشو سخن گفت. به گفته وی، "لهستان سی و هفتمین سالگرد آزادی سازی و ورشو را در شرایطی ویژه جشن می گیرد. نیروهای مسلح به مقابله با ضد انقلابیون برخاسته و از احراز قدرت از سوی آنها جلوگیری کرده اند. پروادا" (اتحاد شوروی) نوشت: "مردم لهستان اکنون می توانند امیدوار باشند که مسائل اجتماعی و اقتصادی آنها حل خواهد شد. گام - های "شورای نظامی رستگاری ملی" برقراری قانون و نظم را تأمین می کند و اقتصاد برون رفت از بحران را آغاز نموده است. دیگر کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی، به عادی سازی اوضاع در کشور کمک می - رسانند. از سوی دیگر، نهادها و سازمان های حزبی در لهستان فعالیت خود را در کشور گسترش می دهند و از این راه به تثبیت اوضاع و بهبود اقتصادی کمک می کنند. مطبوعات لهستان از افزایش فعالیت های مردم سخن می - گویند. تاکنون هزاران "کمیته رستگاری ملی"، مرکب از اعضای "حزب متحد کارگری لهستان" و دیگر احزاب و سازمان های اجتماعی، در سراسر کشور برپا شده است. در سراسر لهستان، "تربینوال سودو" (لهستان): "برقراری حکومت نظامی برای جلوگیری از کودتای ضد انقلابی صورت گرفت، که رهبران "همبستگی" آن را تدارک دیده بودند. برخی از این اشکارا از تهیه "چوب دار برای کمونیست ها سخن می گفتند. قرار بود در ۱۷ دسامبر ۱۹۸۱ (۱۹ آذر ۶۰) افراطیون "همبستگی" به خیابان های ورشو بیزند و رادیو و تلویزیون را تصرف کنند. "همبستگی" همچنین میخواست یک به اصطلاح "شورای

همگانی اقتصاد" برپا سازد، که بعدها به "دولت موقت" بدل گردد. برونو کرایسکی، صدر اعظم اتریش، رهبری ایالات متحده آمریکا را به اتخاذ "مشئ مزورانه" در قبال رویدادهای لهستان متهم کرد. کرایسکی در یک گردهمایی مرکب از اعضای یا سابقه "حزب سوسیالیست اتریش" گفت: "آنها که ما موران نظارت بر ترابری هوایی را در آمریکا دست بند زده می بینند، به هیچ روی به همدردی رهبران آمریکا با "همبستگی" باور نمی کنند.

"واتیکان" گفته "ریگان، رئیس جمهور آمریکا، رامبئی بر اینکه پاپ در پیام خود به او به هواداری از تحریم لهستان پرداخته بود، تکذیب کرد. به گزارش "واتیکان"، در پیام نامبرده سخنی از تحریم به میان نیامده بود. خبرگزاری ها خبر دادند که بعقیده "واتیکان"، اقدامات تحریم آمیز ایالات متحده آمریکا تنها به افزایش دشواری های مردم لهستان خواهد انجامید.

مادام کولت فلش، نخست وزیر لوکزامبورگ، معتقد است که انگیزه اقدامات تبعیض آمیز ایالات متحده آمریکا علیه لهستان و اتحاد شوروی را باید در "هدف های خود پسندانه" آمریکا جستجو کرد، که "به هیچ روی پاسخگویی منافع کشورهای بازار مشترک نیست.

عبدالحمید خدام، وزیر خارجه سوریه، مداخله ریگان را در امور داخلی لهستان محکوم کرد. ریگان بار دیگر به مداخله

گستاخانه در امور داخلی لهستان پرداخت، وی در یک کنفرانس مطبوعاتی در واشینگتن ادعا کرد، که "اوضاع لهستان وخیم تر شده است و اتحاد شوروی مسئول آنست. " ریگان هیچگونه سندی برای اثبات این ادعای خود ارائه نداشت، ولی خاطر نشان ساخت که احتمالاً مسئله گسترش اقدامات تبعیض آمیز آمریکا را علیه اتحاد شوروی و لهستان بررسی خواهد کرد.

آغاز عملیات تنبیهی "جدید" خونتا در سان سالوادور

گیرمونا نوئل اونگو، رهبر "جبهه دمکراتیک انقلابی السالوادور"، در مصاحبه ای با "پرنسالاتینا" در پاریس گفت: "دخالته فزاینده ایالات متحده آمریکا در السالوادور به پشتیبانی از رژیم غیر دمکراتیک مهم ترین سد در برابر حل مسائل کشور است" اونگو به نشانه های شکست رژیم وابسته به آمریکا السالوادور اشاره کرد وی در این زمینه از گسیل سربازان السالوادوری برای آموزش در آمریکا، بسیج سپران دوازده ساله و شکست های نظامی در جبهه های پهناور سخن گفت. در لیمیا (پرو) "کنفرانس قاره ای صلح، حقوق بشر و حق مردم السالوادور برای تعیین سرنوشت خویش" برگزار شد. ساندروس پرس، رئیس جمهور سابق ونزوئلا، در سخنرانی کشایشی خود سیاست آمریکا را در آمریکا مرکزی و کارائیب محکوم ساخت. به گفته او، "ریگان میخواهد جهان را به دوران جنگ سرد بازگرداند. به گزارش مقامات کلیسای السالوادور، تنها در دو هفته اول سال ۱۹۸۲ دست کم ۳۸۲ تن در آن کشور جان خود را از دست دادند. آلفردو واسکس، وزیر خارجه پیشین کلمبیا، گفت: "در السالوادور هیچگونه تأمینی برای آزادی سیاسی و حقوق بشر وجود ندارد." از سوی دیگر، خبر رسید که نیروهای "خونتا" عملیات تنبیهی جدیدی را در سان سالوادور آغاز کرده اند.

پس از آمریکا، چین هم به سودان اسلحه میدهد

"جانا"، خبرگزاری لیبی، گزارش داد که کوشی برای ترور جعفر نمیری، رئیس جمهور سودان، صورت گرفت. بگزارش "جانا"، نمیری در ستیزه های با چند تن از افسران بلند پایه در خارطوم دوبار تیر خورد. خبر - گزاری لیبیایی اوضاع پایتخت را "متشنج" توصیف کرد. و از تیراندازی های خیابانی سخن گفت. خبرگزاری سودانی "سونا" گزارش ترور نمیری را تکذیب کرد. از سوی دیگر، در خارطوم گفتگو میان مقامات رسمی سودان و یک هیئت نظامی چین آغاز شد. بگزارش "سونا" در این دیدار دوطرفه به بررسی "گسترش همکاری نظامی" میان دو کشور پرداختند. پیش از این، ایالات متحده آمریکا قول داده بود که بیش از ۱۵۰ میلیون دلار اسلحه در اختیار سودان بگذارد. نظامیگری نمیری به وخامت اوضاع اقتصادی سودان دامن زده و به تظاهرات وسیع علیه دولت انجامیده است.

اتحاد مردکا
ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
محمود اعتمادزاده (م. ۱۰ بهمن ۱۳۶۰)
آدرس: تهران، منطقه ۱۳ پستی
صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷